

واژه نامه ریاضی



دانشگاه صنعتی شریف
(گروه ریاضی)

بسمه تعالی

فهرست

عنوان	صفحه
A	۷
B	۱۸
C	۲۲
D	۲۵
E	۴۶
F	۵۴
G	۶۰
H	۶۴
I	۶۹
J	۸۰
K	۸۲
L	۸۴
M	۹۲

عنوان	صفحه
N	۹۹
O	۱۰۴
P	۱۱۰
Q	۱۲۲
R	۱۲۵
S	۱۳۲
T	۱۴۴
U	۱۵۰
V	۱۵۲
W	۱۵۵
X	۱۵۷
Y	۱۵۸
Z	۱۵۹

A

A	اولین حرف الفبای انگلیسی
Abacus	جدول - چرتکه
Abatement	رفع - کاهش - تنزل - تخفیف
Abbreviate	مختصر کردن - علامت اختصاری بکار بردن
Abbreviation	مختصر - مخفف - اختصار
Abelian group	گروه آبلی - گروه جابجایی
Abel limit theorem	قضیه حد آبل
Abel partial summation formula	فرمول جمع جزئی آبل
Abel's identity	اتحاد آبل
Abel's inequality	نامساوی آبل
Abel's method of summation	روش جمع زنی آبل
Abel's problem	مسئله آبل
Abel's test for convergence of series	آزمون آبل در مورد همگرایی سلسله‌ها
Abel's theorem on power series	قضیه آبل در مورد سری‌های توانی

Aberration	انحراف - عدم انطباق کانونی
Ability	توانایی - قابلیت
Abnormal	غیرعادی - ناهنجار
About	بیرامون - در حدود - دورا دور
Abridge	مختصر کردن - خلاصه کردن - کوتاه کردن
Abridgement	اختصار - خلاصه
Abscissa	طول نقطه (در دستگاه مختصات)
Absolute	مطلق
Absolute constant	ثابت مطلق
Absolute convergence	همگرایی مطلق - تقارب مطلق
Absolute error	خطای مطلق
Absolutely continuous function	تابع مطلقا پیوسته
Absolutely convergent	بطور مطلق همگرا - مطلقا متقارب
Absolute maximum	ماکزیمم مطلق
Absolute minimum	مینیمم مطلق
Absolute moment	گشتاور مطلق
Absolute number	عدد مطلق
Absolute stability	پایداری مطلق
Absolute term in an expression	جمله ثابت در یک عبارت (مثلا $ax^2 + bx + c$ در عبارت $(ax^2 + bx + c)$)
Absolute term of a polynomial	جمله ثابت یک چندجمله‌ای
Absolute value	قدر مطلق - مقدار مطلق
Absolute value function	تابع قدر مطلق
Absolute value of a complex number	مدول یک عدد مختلط - قدر مطلق یک عدد مختلط
	$ z = a + bi = \sqrt{a^2 + b^2}$
Absolute value of a real number	قدر مطلق یک عدد حقیقی
Absolute value of a vector	قدر مطلق یک بردار
Absolute zero	صفر مطلق
Absorbent	جاذب

Absorption	جذب
Abstraction	تجريد - استزاع
Abstract mathematics	رياضيات محض
Abstractness	تجريد
Abstract number	عدد مجرد - عدد غير محسوس - عددا انتزاعی
Abstract set	مجموعه مجرد
Abstract space	فضای مجرد
Abstract system	دستگاه مجرد
Abstract word or symbol	کلمه یا نشان مجرد
Absurd	عبت - بوج - بی معنی - بیهوده - ممنوع
Absurdity	نیهودگی - بوجی
Absurd relation	رابطه ممنوع - نسبت بوج
Abundant	اضافی - بسیار - زیاد - فراوان
Accelerate	شتاب دادن - تند کردن - تند شدن
Accelerated	شتاب دار
Accelerated motion	حرکت شتاب دار
Acceleration	شتاب
Acceleration of gravity	شتاب ثقل
Accelerator	شتاب دهنده
Accent	علامتی که در بالا سمت راست حرف قرار گیرد مانند 'a یا 'x
Accept	پذیرش - قبول کردن - قبولی
Acceptance	پذیرش - قبولی - تصویب
Acceptance sampling	نمونه گیری معتر
Acceptor	قبول کننده - پذیرا - پذیرنده
Access	دسترسی - مدخل - امزایش - اضافه
Accessory	صرعی - همدست
Accessory parameter	پارامتر صریحی
Accident	حادثه - واقعه - تصادف
Accidental	غیر مترقبه - اتفاقی - تصادفی
Accident insurance	سهمه حوادث
Accommodate	جا دادن - تطبیق کردن - اصلاح کردن - وفق دادن
Accompanied by	همراه با
Accompanying	همراه

Accord	مطابقت دادن - تطبیق دادن
Accordance	مطابقت
Accordant	مطابقی
Accordingly	بما براس - از این رو - در نتیجه
According to	برطبق - مطابق - به عقیده - به قول - به موجب
Account	حساب - صورت حساب - گزارش
Accountable	مسئول - قابل توضیح
Accountancy	حسابداری
Accountant	حسابدار
Account book	دفترچه حساب
Accounting	حسابداری - بررسی اصل و فرع - اصول حسابداری
Accounting period	دوره محاسباتی
Account turn over	محاسبه برگشت سرمایه
Accredite	معتمد ساختن - برسمیت شناختن
Accroissement	افزایش
Accrue	افزوده شدن - تعلق گرفتن - فراهم شدن - حاصل شدن - منتج گردیدن
Accumulate	انباشتن - جمع شدن - جمع کردن
Accumulation	تجمع - توده - انبوهی - انباشتنی
Accumulation factor	ضریب تجمع - ضریب انباشتنی
Accumulation point	نقطه انباشتنی نقطه تجمع - نقطه حدی
Accuracy	صحت - دقت - درستی
Accurate	صحیح - دقیق - درست
Accurately	بایدقت
Achieve	انجام دادن - موفق شدن
Acnode	نقطه مردوج
Acoustic	صوتی - مربوط به صدا
Acoustical	صوتی
Acoustics	صدا شناسی - علم الاموات
Acquit	ادا کردن - انجام دادن
Acquittance	سراشت نامه - مفاصحات
Acre	آکر - برابر با ۴۰۴۶ متر مربع
Across	و با در حدود ۴۰۴۷ متر مربع - از میان - سر تا سر - از این سر تا آن سر

Act	عمل کردن - اثر کردن - انجام دادن
Action	عمل - انجام - کنش
Action at a distance	اثر از راه دور - عمل از فاصله دور
Active	فعال - مؤثر
Active power	توان مؤثر
Actuality	واقعیت - فعلیت
Actually	واقعا - بالفعل - در حقیقت
Actual value	ارزش حقیقی - مقدار حقیقی
Actuarial	آماره - تمهین شدن توسط آمار
Actuary	آمارگیر
Acute	حاده - تند
Acute angle	زاویه حاده
Acute angled	حاده الزاویه
Acuteness	تندی - حدت - شدت
Acute triangle	مثلث حاده الزاویه
Acyclical	غیردوره‌ای - غیردوری
Ad absurdum	برهان خلف
Ad absurdum statement	برهان خلف - گزاره خلف
Adapt	توافق کردن - تطبیق دادن - سازش کردن
Adaptation	توافق - سازش - تناسب
Add	جمع کردن - اضافه کردن - افزودن
Added	اضافی - اضافه شده
Addend	مضاف - عددافزوده - افزودنی
Addendum	ضمیمه - اضافه
Adder	جمع کننده - افزاینده
Addibility	قابلیت جمع
Addible	قابل جمع زدن - افزودنی
Adding machine	ماشین جمع زنی - ماشین حساب
Addition	جمع - افزایش - ازدیاد
Additional	اضافی - افزوده - افزایشی
Addition of figures	جمع ارقام
Addition principle	اصل جمع

Addition property of equalities	خاصیت جمع تساوی ها
Addition property of inequalities	خاصیت جمع نامساوی ها
Addition sign	علامت جمع
Addition table	جدول جمع
Additive	جمعی
Additive function	تابع جمعی
Additive group	گروه جمعی
Additive group of rational numbers	گروه جمعی اعداد گویا
Additive identity	عضوخنثی در جمع
Additive inverse	عضو معکوس در جمع - قرینه جمعی
Additive notation	نما دجمعی
Additive property	خاصیت جمعپذیری
Additive set function	تابع مجموعه‌ای جمعی
Additivity of Lebesgue measure	جمعی بودن اندازه لبگ
Additivity	خاصیت جمعی
Addressee	مخاطب - گیرنده نامه
Adequacy	کفایت
Adequate	متساوی بودن - مساوی ساختن - کافی - مناسب
Adequately	بقدر کفایتی
Adhere	متصل بودن - چسبیدن
Adherent	چسبیده
Adherent point	نقطه چسبیده
Adhesion	چسبیدگی
Adiabatic	عایق گرما - بدون تبادل حرارتی
Adiabatic curves	منحنی‌های کهرابطه
	بین فشار و حجم عناصر تحت شرایط مقدار حرارت ثابت نشان می‌دهند - منحنی‌های آدما یا تیک
Adinfinitum	بسمت بینهایت - بینهایت - الی آخر
Adjacency	نزدیگی - مجاورت

Adjacent	مجاور - نزدیک - همجوار	Aerostatics	علم خواص مکانیکی هوا
Adjacent angles	زوایای مجاور	Affine connection	ارتباط مستوی
Adjacent sides	اضلاع مجاور	Affine mapping	گسترش مستوی - نگاشت مستوی
Adjacent supplementary angles	زوایای مکمل مجاور - زوایای مجانب	Affine transformation	تبدیل مستوی -
Adjoin	ضمیمه کردن - ملحق کردن	$Y=Ax+b$	یک تبدیل خطی و بدنبال آن یک انتقال
Adjoined	وابسته - الحاقی - ضمیمه	Affirm	اثبات کردن - اظهار کردن - تصدیق کردن
Adjoined determinant	دترمینان الحاقی	Affirmation	اثبات - تصدیق - اظهار
Adjoining	متصل - مجاور - پیوسته	Affirmative	مثبت - کلمه اثبات
Adjoint	الحاقی	Affirmatively	بطور مثبت
Adjoint matrix	ماتریس الحاقی	Affix	علامت گذاشتن - ضمیمه کردن - چسباندن - نشان دادن - نگار
Adjunction	الحاق	A fortiori	بطریق اولی
Adjust	مطابق کردن - تعدیل کردن - میزان کردن	Agent	نماینده - عامل - ضرب
Adjustable	قابل تعدیل - قابل تنظیم - قابل تنظیم	Ago theory	نظریه سن
Adjustment	تعدیل - تطبیق - تنظیم	Aggregate	مجموعه - جمع شده - انبوه
Adjustment for calendar variation	تنظیم برای تغییرات سالانه یا تقویمی	Aggregation	میلغ کل اجتماع
Adjustment for seasonal variation	تنظیم برای تغییرات فصلی	Aggregative	جامع - جمعی
Admissible	پذیرفتنی - قابل قبول - مجاز	Agiotage	صرافی - معاملات احتکاری بروات
Admission	پذیرش - تصدیق	Agitation	آشفتهگی
Adopt	اتخاذ کردن	Agonic	بی میل - بی گوشه - بی انحراف
Adoption	اتخاذ	Agreement	قرارداد - توافق
Adsorption	انقباض گازها و مایعات روی سطوح - برآشام	Ajar	نیم باز
Advance	پیش بردن - پیشرفتن	Aleph	حرف الف
Advanced	پیشرفته	Aleph identity	اتحاد الف
Advanced analysis	آنالیز پیشرفته	Aleph naught	الف صفر (%)
Advancement	پیشرفت	Aleph null	الف صفر
Advantage	مزیت - بهره	Alpha	آلفا - حرف اول الفبای یونانی - α
Advection	ورش افقی	Algebra	جبر - جبر و مقابله
Advisable	مفصلی	Algebraic	جبری
Advise	آگاهیه دادن	Algebraically	آزراه جبر - بطور جبری
Aerodynamics	آیرودینامیک	Algebraic curve	منحنی جبری
Aeronautics	علم هوانوردی	Algebraic number	عدد جبری
		Algebra of sets	جبر مجموعه ها
		Algebraic addition	جمع جبری
		Algebraic deviation	انحراف جبری
		Algebraic division	تقسیم جبری

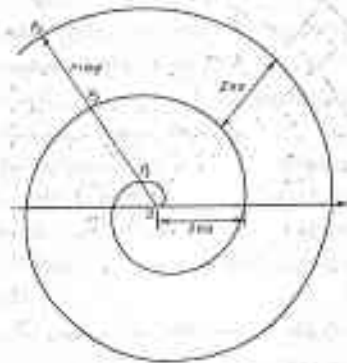
Algebraic equation	معادله جبری	Almost sure convergence	همگرایی قریب به یقین
Algebraic expression	عبارت جبری	Almost surely	قریب به یقین
Algebraic extension of a field	توسعه جبری یک هیئت	Along	در طول - در امتداد
Algebraic function	تابع جبری	Alter	تغییر دادن - اصلاح کردن - تغییر کردن
Algebraic geometry	هندسه جبری	Alteration	دگرگونی - تغییر - اصلاح
Algebraic identity	اتحاد جبری	Alterable	متغیر - قابل تغییر
Algebraic multiplication	ضرب جبری	Alternate	متبادل - عوض - تناوب داشتن - متناوب کردن
Algebraic operations	اعمال جبری	Alternate angles	زوایای متبادل - زاویه های متضاد
Algebraic solution	جواب جبری	Alternated	متناوب
Algebraic subtraction	تفریق جبری	Alternate exterior angles	زوایای متبادل خارجی
Algebraic sum	مجموع جبری - حاصل جمع جبری	Alternate interior angles	زوایای متبادل داخلی
Algebraic symbols	علامت جبری	Alternately	متناوبا - به تناوب
Algebraic system	دستگاه جبری	Alternating	متناوب
Algebraic topology	توپولوژی جبری - مکان شناسی جبری	Alternating group	گروه متناوب
Algebraic value	مقدار جبری	Alternating harmonic	همساز متناوب - هم آهنگ متناوب
Algebraist	جبردان	Alternating series	سلسله متناوب - سری متناوب
Algorithm	الگوریتم - الخوارزمی - دستورالعمل - روش محاسبه	Alternation	نوبت - تناوب - یک درمیانی
Align	در یک امتداد قرار دادن - بخط کردن - ردیف کردن	Alternative	متناوب
Alignment	صف - ردیف - صف بندی	Altimeter	اوج نما - ارتفاع سنج - فرازیاب
Alignment chart	نمودار - نمودگرام	Altitude	ارتفاع - بلندی - فراز
Alike	شبهه - یکمان - متناوبه	Altitudinal	وابسته به اوج - ارتفاعی - مربوط به ارتفاع
Aliquant	باقی مانده دار	Ambiguity	ابهام - نامعلومی
Aliquant part	قسمت باقی مانده دار	Ambiguous	تاریک - مبهم - دوپهلوی
Aliquot	عادل کردن - عادل کننده	Ambiguosness	ابهام - دوپهلویی - تاریکی
Aliquot part	جزء عادل کننده - مقوم علیه	Ambit	پیرامون - حدود - حوزه - محوطه
Alkaline	قلیائی	Amicable numbers	اعداد متحابه
Allow	جایز نمودن - روا داشتن - اجازه دادن - پذیرفتن	Amid	وسط
Allowable	جایز - مجاز - روا	Amiss	نا درست
Alloy	آلیاژ - عیار زدن	Among	در میان - از جمله - در زمره
Almanac	تقویم بالانه - تقویم نجومی	Amorphous	سبک - سینظم
Almost	تقریبا "	Amortization	استهلاک - استهلاک سرمایه
Almost everywhere	تقریبا "همه جا		
Almost periodic function	تابع تقریبا " متناوب		

Amortization of a dept	استهلاک دین	Analyze	تجزیه و تحلیل کردن
Amortization rate	ضریب استهلاک	Anchor	لنگر - لنگر انداختن
Amortize	مستهلاک کردن - تقسیم قرض	Anchor ring	چنبره
Amount	مقدار - حاصل - مبلغ - میزان	Ancillary	فرعی - کمکی - دستیار
Ampere	آمپر - واحد شدت جریان	And so forth	و غیره
Ample	وسیع - فراوان	And so on	و غیره - و به همین ترتیب
Amplification	توسعه - تفصیل - بسط - دامنه دهی	Angle	زاویه - گوشه
Amplitude	دامنه - نوسان - آرگومان - فاز	Angle at the center	زاویه مرکزی
Amplitude of a complex number	فازیک	Angle between a line and a plane	زاویه بین خط و صفحه
	عدد مختلط - زاویه عدد مختلط - زاویه ای که بردار نما بشکر عدد مختلط با جهت مثبت محور افقی می سازد.	Angle between two intersecting curves	زاویه بین دو منحنی متقاطع
Amplitude of a point	زاویه قطبی	Angle between two planes	زاویه بین دو صفحه
Analog computer	کامپیوتر آنالوگ - کامپیوتر قیاسی - رایانه قیاسی	Angle of depression	زاویه شیب
Analogize	قیاس کردن	Angle of a lune	زاویه هلال
Analogous	قیاسی - تشابهی - قابل قیاس - مشابهی - مطابق - نظیر - شبیه	Angle of elevation	زاویه فراز
Analogue	نظیر - مانند - شبیه	Angle of friction	زاویه اصطکاک
Analogy	تمثیل - قیاس - تشابه - مشابهت - مطابقت	Angle of incidence	زاویه تابش
Analyse	تجزیه کردن - تجزیه و تحلیل کردن - آنالیز - تجزیه و تحلیل	Angle of inclination	زاویه شیب
Analysér	تحلیل گر	Angle of reflection	زاویه بازتاب
Analysis	آنالیز - تجزیه و تحلیل	Angle of refraction	زاویه انکسار - زاویه شکست
Analysis sheet	تحلیل نامه	Angle preserving mapping	تبدیل حافظ زاویه
Analysis situs	توبولوژی - تحلیل موضعی	Angstrom unit	واحد آنگستروم - واحد بین المللی طول موج
Analytic	تحلیلی	Angular	زاویه ای
Analytic geometry	هندسه تحلیلی	Angular acceleration	شتاب زاویه ای
Analytically	متلور تحلیلی	Angular distance	فاصله زاویه ای
Analytic at a point	تحلیلی در یک نقطه	Angular moment	گشتاور زاویه ای
Analytic continuation	امتداد تحلیلی	Angular momentum	اندازه حرکت زاویه ای
Analytic curve	منحنی تحلیلی	Angular speed	تندی زاویه ای
Analytic engine	ماشین تحلیل گر	Angular velocity	سرعت زاویه ای
Analytic function	تابع تحلیلی	Angulate	زاویه دار - گوشه ای
Analytic method	روش تحلیلی	Angulation	گوشه داری - زاویه داری
Analytic representation	نمایش تحلیلی	Anharmonic	نا همساز - غیر توافقی - ناموزون
		Annex	افزودن - ضمیمه کردن
		Annihilate	ناظر کردن - صفر کردن - بوج ساختن

Annihilating ideal	ایده آل پوجماز - ایده آل صغماز	Antisine	عکس سینوس - معکوس سینوس
Annihilation	فنا - نیستی - باطل سازی - صغمازی	Antisymmetric	نامتقارن
Annihilator	پوج ساز - صفرکننده - باطل کننده	Antisymmetric relation	رابطه نامتقارن
Annual	سالانه	Antisymmetrization	نامتقارن سازی
Annuitant	حقوق بگیر	Antisymmetry	بی تقارنی
Annuity	حقوق سالانه	Antitangent	معکوس تاوانت - عکس تاوانت
Annular	حلقه ای شکل - حلقوی	Antithesis	برابرنهاد - آنتی تزی
Annulated	حلقوی - حلقه دار	Antitrigonometric function	تابع معکوس مثلثاتی
Annulus	ناج دایره	Apart	جدا - مجزا - دورازهم
Another	دیگری - یکی دیگر	Apogee	راست - بطور عمودی
Answer	جواب - جواب دادن	Aperiodic	غیرمتناوب - غیردوره ای
Answer in affirmative	جواب مثبت - جواب مثبت دادن	Aperture	روزنه - شکاف
Antecedent	مقدم (ترکیب ترکیبی)	Apex	رأس - قله - اوج - نوک - رأس مخلت یا مخروط
Antedate	سبقت - پیش بینی کردن	Apex angle	زاویه رأس - زاویه فوقانی
Anti-	پیشوند بمعنی "ضد مخالف" - ضد - عکس	Aphelion	دورترین فاصله
Anticipate	پیش بینی کردن - پیشی گرفتن بر - جلو انداختن	Apical	رأسی - مربوط به رأس
Anti-clockwise	جهت مثلثاتی - عکس جهت عقربه های ساعت	Apodictic	مستلزم بیان حقیقت - قابل توضیح اوج - نقطه اوج
Anti-commutative	غیرجابجایی	Apogee	از معمول به علت رسیده
Anticosine	عکس کسینوس - معکوس کسینوس	Aposteriori	سهم (هرم) - فاصله مرکز چندضلعی منتظم تا یکی از اضلاع آن
Anticotangent	عکس کتاوانت	Apothem	آشکار - پیدا - ظاهر - شفاف دوره ظاهری
Antiderivative	تابع اولیه - ضد مشتق	Apparent	ضمیمه کردن
Antiparallel	نامتوازی - غیرموازی	Append	ضمیمه
Antihyperbolic function	تابع معکوس هذلولوی	Appendage	ضمیمه
Antilogarithm	آنتی لگاریتم - عکس لگاریتم	Appendix	ضمیمه - زائده - پیوست
Antilogarithmic	عکس لگاریتمی	Applicable	عملی - قابل اجراء - کارسردی
Antinomy	تناقض دوگان (دو اصل)	Application	کاربرد - استعمال
Antipodal	متفاظر	Applied	عملی - قابل اجراء - کارسردی
Antipodal points	نقاط متفاظر	Applied mathematics	ریاضیات کارسردی - ریاضیات کارسردی
Antipodes	نقاط متفاظر	Apply	بکار بردن - اجرا کردن - اعمال کردن
Antireflexive	نا بازتابی - غیرانعکاسی	Apportion	بخش کردن - قسمت کردن - تقسیم کردن
Antireflexive relation	رابطه غیرانعکاسی	Apportionable	بخش پذیر - قابل قسمت - قابل تقسیم
		Apportionment	بخش - قسمت - تقسیم
		Appraisal	ارزیابی - تقویم - تعیین قیمت

Appraise	ارزیابی کردن - تقویم نمودن
Approach	میل - میل کردن - نمایل
Appropriate	مخصوص - مناسب - مقتضی - اختصاص دادن
Appropriation	اختصاص - تخصیص
Approximation theorem of Weierstrass	قضیه تقریب وایراشتراس
Approximate	تخمین زدن - تقریب - تقریبی
Approximate from above	تقریب از بالا (اضافی)
Approximate from below	تقریب از پایین (نقصانی)
Approximately	تخمیناً - تقریباً
Approximate polynomial	چندجمله‌ای تقریب
Approximate quotient	خارج قسمت تقریبی
Approximate solution	حل تقریبی - جواب تقریبی
Approximate value	مقدار تقریبی
Approximation	تقریب
Approximation calculus	حساب تقریب
Approximation method	روش تقریبی
Approximation theorem	قضیه تقریب
Approximative	تقریبی - تخمینی
Apriori	از علت به معلول رسیده
Apse line	قطر طول با اتمردار سیاره - خط اوج و حضیض
Apsis of a curve	نقطه اوج یک منحنی
Apsis	اوج و یا حضیض
Arabic figures	ارقام عربی (هندی)
Arabic numbers	اعداد عربی (هندی)
Arabic numerals	سیستم عددی عربی (هندی)
Arbitrarily	بطور دلخواه - اختیاری
Arbitrarily small	بطور دلخواه کوچک
Arbitrariness	دلخواهی - اختیاری
Arbitrary	دلخواه - اختیاری
Arbitrary ϵ	اپسیلون دلخواه
Arbitrary assumption	فرض اختیاری
Arbitrary constant	ثابت دلخواه
Arbitrary parameter	پارامتر اختیاری
Arbitrarily small	بطور دلخواه کوچک

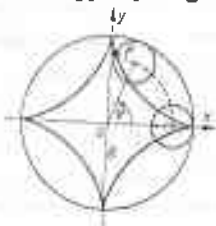
Arc	کمان - قوس
Arc and angle measurement	اندازه‌گیری کمان و زاویه
Arc cosecant	آرک کسکانت - عکس کسکانت
Arc cosine	عکس کسینوس - آرک کسینوس
Arc function	تابع کمان
Arch	بشکل قوس (طاق) در آوردن - قوس - کمان - طاق
Archimedean law	قانون ارشمیدس
Archimedean property	خاصیت ارشمیدسی
Archimedean property of real numbers	خاصیت ارشمیدسی اعداد حقیقی به ازاء هر $x \in \mathbb{R}, x > 0$ وجود دارد n صحیح مثبت بطوریکه $nx > y$.
Archimedean solids	اجسام ارشمیدسی
Archimedean totally ordered group	گروه تماماً مرتب ارشمیدسی
Archimedes axiom	اصل موضوع ارشمیدس
Archimedes principle	اصل ارشمیدس
Archimedes spiral	مارپیچ ارشمیدس - منحنی نمایش تغییرات تابع $r = a\theta$ در مختصات قطبی



Arc length	طول قوس - طول کمان - درازای کمان
Arc sine	عکس سینوس - کمان جیب
Arc tangent	کمان تا نزائت - کمان ظل
Area of a surface	مساحت یک سطح
Arete	فصل مشترک - خط المراس کوه

Argand's diagram	نمودار آرگاند	Arrear	بدهی پس افتاده - به عقب - پس افت
Argue	بحث کردن - با دلیل ثابت کردن	Arrow	فلش - پیکان
Argument	شناسه - آرگومان	Arrowhead	نوک پیکان
Argumentation	استدلال - بحث - مناظره - مباحثه	Articulation	مفصل بندی
Argument of a complex number	شناسه یک عدد مختلط - آرگومان یک عدد مختلط	Ascend	صعود کردن - بالا رفتن - عروج کردن
Arithmetic	حساب	Ascending	صعودی
Arithmetical	حسابی - مربوط به علم حساب	Ascending power	توان صعودی - توان صعودی
Arithmometer	نوعی ماشین محاسبه	Ascent	فرار - صعود - عروج
Arithmetical decimal system	دستگاه اعشاری حساب	Ascension	صعود - عروج
Arithmetical progression	تصاعد حسابی	Ascensional	صعودی
Arithmetical proportion	تناسب حسابی	Ascertain	تحقیق کردن - ثابت کردن
Arithmetical system	دستگاه حسابی	Ascribe	نسبت دادن - حمل کردن - اسناد دادن
Arithmetical character	خصیت حسابی	Ask	پرسیدن - سؤال کردن
Arithmetical function	تابع حسابی	Aslant	حرکت مایل - مورب - کج
Arithmetician	عالم علم حساب	Aslope	سرازیر
Arithmetic laws	قوانین حساب	Aspect	منظر - جنبه - بیما - صورت - ظاهر
Arithmetic mean	واسطه حسابی - میانگین حسابی	Assay	سنجش - عیار - عیار گرفتن
Arithmetical number	عدد حسابی	Assembly	اجتماع - گروه - مجموعه - همگذاری
Arithmetic operations	عملیات حسابی	Assemblage	عمل سوار کردن (ماشین یا موتور) - مجموعه جمع آوری
Arithmetic progression	تصاعد حسابی - تصاعد عددی	Assert	دفاع کردن از - اظهار نظر کردن - اثبات کردن
Arithmetic proportion	تناسب حسابی - تناسب عددی	Assertion	تأیید ادعا - اثبات - تأیید
Arithmetic sequence	دنباله حسابی	Assess	تشخیص دادن - ارزیابی کردن
Arithmetic series	سلسله حسابی	Assessed value	بهای ارزیابی شده
Arm	طغ - بازو	Assessment	ارزیابی - تشخیص - تخمین - اظهار نظر
Armillary sphere	کره مشبک	Assessor	ارزیاب
Arms of an angle	اصلاص یک زاویه	Asset	سرمایه - دارائی
Around	پیرامون - گرداگرد - اطراف - دورنا دور	Assign	اختصاص دادن - نسبت دادن - گماردن
Arrange	تعیین کردن - قرار دادن - مرتب کردن - ترتیب دادن - آراستن	Assignment	واگذاری - تخصیص
Arrange a polynomial	مرتب کردن یک چند جمله ای	Assimilate	نقلیق کردن - برابر کردن شبه ساختن
Arrangement	ترتیب - آرایش	Assimilation	جذب - شبهه
Array	ترتیب قرار گرفتن جملات یک سری (آمار) - در صف کردن - صف و نظم - ترتیب - آرایه - آرایش	Associate	مربوط ساختن - شریک کردن
		Associated	وابسته - شریک - مربوط
		Associated radius of convergence	شماره همگرایی مربوطه

Association	شرکت - پیوند - انجمن - اتحاد - ربط
Associative	انجمنی - شرکت پذیری
Associative law	قانون انجمنی - قانون شرکت پذیری
Associative operation	عمل شرکت پذیری
Associative property of addition	خاصیت شرکت پذیری جمع
Associativity	شرکت پذیری - انجمنی
Associativity of composition of mappings	خاصیت شرکت پذیری ترکیب نگاشتها
Associativity of product	شرکت پذیری ضرب
Assume	فرض کردن
Assumed	مفروض
Assumption	فرض
Assurance	اطمینان
Asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط محانبی یک هذلولوی
Astroid	آستروئید - منحنی ستاره گون



Astrolabe	اسطرلاب
Astrology	علم نجوم - علم ستاره شناسی - علم هیئت
Astronomic	نجومی
Astronomer	منجم - هیئت دان
Astronomy	علم نجوم - ستاره شناسی
Asymmetric	نامتقارن
Asymmetric function	تابع نامتقارن
Asymmetry	عدم تقارن - نامتقارنی
Asymptote	خط محانب - محانب
Asymptotic	محانبی
Asymptotical expansion	بسط محانبی
Asymptotically	محانباً

Asymptotically equal	محانباً مساوی
Asymptotic distribution	توزیع محانبی
Asymptotic expansion	بسط محانبی
Asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط محانبی یک هذلولوی
Athwart	برضد - از وسط - از اینسو به آنسو
At least	حداقل - دست کم
Atmosphere	جو
At most	حداکثر
At most countably infinite	حداکثر نامتناهی شمارش پذیر
Atom	ذره - کوچکترین جزء
Atomic	اتمی - ذره ای
Attach	متصل کردن - ضمیمه کردن
Attenuation	تظریف - تلطیف - نازک - رقیق
Attract	جذب کردن - رسودن
Attraction	ربایش - جذب - جاذبه
Attractive	جاذب
Attribute	نسبت دادن - استناد کردن
Auction	به مزایده گذاشتن - حراج - مزایده - حراج کردن
Audit	ممیزی - رسیدگی - معبزی کردن - رسیدگی کردن
Auditor	حسابرس - معبیز - مأمور رسیدگی
Augment	افزودن - زیاد کردن - علاوه شدن - زیاد شدن
Augmentation	افزایش - اضافه
Authenticity	صحت - درستی - سندیت - اعتبار
Automation	خودکاری
Automorph	خودسان
Automorphic	خودسانی
Automorphic function	تابع خودسانی
Automorphism	خودسانی
Automorphism identity	اتحاد خودسانی
Automorphism of groups	خودسانی گروه ها
Autoregressive series	سلسله خودسرگشتی
Auxiliary	معاون - کمکی - معین

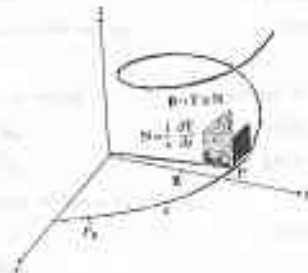
Auxiliary unknown	معاون مجهول
Available	موجود - مهیا
Average	متوسط - میانگین - معدل
Average curvature	انحنای متوسط
Average deviation	انحراف متوسط - انحراف میانگین
Average rate	نرخ متوسط - نسبت متوسط
Average rate of change	متوسط میزان تغییر
Average rate of increase	متوسط میزان افزایش
Average value	مقدار میانگین
Average velocity	میانگین سرعت - سرعت متوسط
Avoirdupois (avdp)	مقیاس اوزان سنگین
	نوعی دستگاه اندازه‌گیری وزن - در این دستگاه پوند واحد اصلی است و هر پوند معادل ۱۶ اونس است.
Axial	محوری
Axial-force	نیروی محوری
Axial symmetry	تقارن محوری
Axes	محورها
Axiom	اصل موضوع - اصل - اصل متعارف - حقیقت متعارف - اصل متعارفی
Axiomatic	اصل موضوعی - اصولی
Axiomatic theory	نظریه اصل موضوعی
Axiomatic method	روش اصل موضوعی
Axiomatization	تدوین اصول موضوعه
Axiomatize	تدوین کردن اصول موضوعه
Axiom of choice	اصل انتخاب
Axiom of compatibility	اصل سازگاری
Axiom of nested intervals	اصل فواصل تودرتو
Axis	محور
Axis of coordinates	محور مختصات
Axis of homology	محور تناهی
Axis of revolution	محور دوران
Axis of symmetry	محور تقارن
Axle	محور - میله - محور چرخ
Azimuth	سمت - زاویه سمت - زاویه بردار وضع یک نقطه نسبت به محور مختصات قطبی

B

B	دومین حرف الفبای انگلیسی	Barycentric coordinates	مختصات مرکزجرم - مختصات مرکزثقل
Background	زمینه	Base	پایه - قاعده - مبنا - اساس
Backward	به عقب - به پشت - پس رو - فهقراشی	Base angles of a triangle	زوایای مجاوربه قاعده مثلث
Backward equation	معادله پس رو - معادله فهقراشی	Base for a topology	پایه توپولوژی
Backward induction	استقراء فهقراشی	Base for logarithm	مبنای لگاریتم
Balance	تبادل - توازن - موازنه - متبادل کردن	Base of a number system	مبنای یک دستگاه شمار
Balanced	متبادل - متوازن	Base of a solid	قاعده یک جسم
Balanced circuit	مدار متبادل	Base of a triangle	قاعده یک مثلث
Balance sheet	ترازنامه	Basic	اساسی - بنیادی - پایه ای
Ball	گوی - گلوله - جسم کروی	Basic feasible solution	جواب ممکن بنیادی
Ball in metric space	گوی در فضای متریک	Basic fractions	کسرها ی بنیادی
Ballistics	علم پرتاب - پرتابه شناسی	Basic jordan blocks	قطعات بنیادی ژردان
Ball-shaped	کروی - گوی مانند	Basic matrix	ماتریس بنیادی
Banach space	فضای باناخ	Basis	پایه - مبنا
Band	نوار	Basis of a vector space	پایه یک فضای برداری
Bar	خط کسری - علامت "—" - میله	Basis vector	بردار پایه
Bar chart	نمودار میله ای	Babylonian numeration	عددنویسی بابلی
Barn	واحد سطح معادل 10^{-28} سانتیمتر مربع	Bayes theorem	قضیه بیز
Barrier	سد - مانع	Beam	پرتو - شعاع - شاهین ترازو
Barycenter	مرکزجرم - مرکزثقل - گرانیگاه	Beam-compass	برگه ربا زودار
		Bee line	اقصر فاصله - خط راست
		Behavior	وضع - رفتار
		Bel	بی
		Bei function	تابع بی
		Bell-shaped curve	منحنی زنگ شکل - منحنی توزیع نرمال
		Belong	متعلق بودن - تعلق داشتن
		Below	پائین - زیر
		Bend	خم کردن - خمیدگی - پیچ
		Bend point	نقطه خمش
		Bending	انحناء - خمیدگی
		Bending moment	گشتاور خمشی
		Benefit	سود - منفعت
		Bernoulli distribution	توزیع برنولی
		Bernoulli equations	معادلات برنولی
		Bernoulli function	تابع برنولی

Bernoulli numbers	اعداد برنولی
Bernoulli periodic functions	توابع متناوب برنولی
Bernoulli polynomials	چند جمله‌ای‌های برنولی
Bernoulli theorem	قضیه برنولی
Bernstein theorem	قضیه برنشتاین
Bertrand curve	منحنی برتراند
Bertrand's postulate	اصل برتراند
Bessel functions	توابع بسل
Bessel's differential equation	معادله دیفرانسیل بسل
Bessel's inequality	نامساوی بسل
Best approximation	بهترین تقریب
Best approximation theorem of Weierstrass	قضیه بهترین تقریب وایر اشتراس
Best decimal approximation	بهترین تقریب اعشاری
Bet	شرط بندی - شرط بستن
Beta (B)	بتا - دومین حرف الفبای یونانی
Beta function	تابع بتا
Between	در میان - بین
Bevel	گونیا
Beyond	ماوراء
Bézout's theorem	قضیه بیزوت
Bi	پیشوندی بمعنای "دو تا شی"
Bianchi identities	اتحادهای بیانگی
Bias	اریب
Biased	اریب شده
Biaxial	دومحوری
Biconcave	مقعرالطرفین
Biconditional	دوشرطی
Biconditional composition	ترکیب دو شرطی
Bicone	دومخروطی - دو مخروطی که دارای قاعده مشترک باشند.
Bicontinuous	از دو سو پیوسته
Biconvex	محدب الطرفین
Bicuspid	دو دندان - دوپایه - دو گوشه
Bifocal	دوکانونی
Biharmonic	دوهمساز - دوها هتگ

Bijection	دوسوئی - بیژکتیون
Bijective	دوسوئی - بیژکتیو
Bijective mapping	نگاشت دوسوئی
Bilateral	دوجانبه - دوطرفه
Bilinear	دوخطی
Bill	برات - صورتحساب
Billion	بیلیون - در آمریکا ۱۰ ^۹ و در انگلستان ۱۰ ^{۱۲} میباشد.
Bimodal	دونمائی (درآمار)
Binary	دوتائی - برمبنای دو
Binary arithmetic	حساب برمبنای دو
Binary base	مبنای دو - پایه دو
Binary number system	دستگاه اعداد برمبنای دو
Binary operation	عمل دوتائی
Binary relation	نسبت دوتائی - رابطه دوتائی
Binary system	دستگاه دوتائی - دستگاه اعداد برمبنای دو
Bind	بستن - مرتبط کردن
Binomial	دوجمله‌ای
Binomial coefficients	ضرایب دوجمله‌ای
Binomial equation	معادله دوجمله‌ای
Binomial expansion	بسط دوجمله‌ای
Binomial probability distribution	توزیع احتمالی دوجمله‌ای
Binomial series	سلسله دوجمله‌ای
Binomial theorem	قضیه دوجمله‌ای
Binormal	بی نرمال (محور سوم درکنج فرجه)



Bioassay	آزمون زیستی
Biometry	حیات‌سنجی - ریاضیات زیستی
Bipartite	دوقسمتی

Bipolar	دوقطبی
Bipyramid	هرم مضاعف - دوهرم با قاعده مشترک
Biquadrate	دومجذوری
Biquadratic	دومجذوری
Biquadratic equation	معادله دومجذوری
Birectangular	دوقاشه
Birefringence	دو شکستی - دو انکساری
Birectangular spherical triangle	مثلث کروی دوقاشه
Bisect	دو نیمه کردن - نصف کردن
Bisection	تقسیم
Bisector	منصف - نیمساز
Bisector of a line segment	منصف یک پاره خط
Bisector-plane	صفحه منصف
Bisector of angle	نیمساز زاویه
Bissextile	سال کبیسه
Bit	ذره - خرد
Bivariant	دو متغیری
Bivector	دو برداری
Block	قطعه - جدول
Block multiplication	ضرب جدولی
Blow	دمیدن - وزیدن
Bob	شا قول
Body	جسم
Bolzano's theorem	قضیه بولزانو
Bolzano weierstrass theorem	قضیه بولزانو و ابراشتراس
Bonnet theorem	قضیه بونه
Book-keeping	دفترداری - حسابداری
Boolean	بولی
Boolean algebra	جبر بولی - جبر بول
Boolean function	تابع بولی
Boolean ring	حلقه بولی
Border	سرحد - مرز - حاشیه - مرزبسن
Border-line	خط مرزی
Bottom	ته - پائین
Bound	سرحد - مرز - کرانه - بند - محدود کردن
Boundary	مرز - کرانه - سرحد
Boundary conditions	شرایط مرزی

Boundaryless	نا محدود - بی کران
Boundary line	خط مرزی
Boundary point	نقطه مرزی
Boundary values	مقادیر مرزی
Bounded	محدود - کراندار
Bounded above	از بالا محدود
Bounded below	از پایین محدود
Bounded convergence	همگرایی محدود
Bounded convergence theorem	قضیه همگرایی محدود
Bounded from the left	محدود از چپ
Bounded from the right	محدود از راست
Bounded function	تابع محدود - تابع کراندار
Bounded interval	فاصله کراندار
Boundedly	بطور محدود - بطور کراندار
Boundedly convergence	همگرایی محدود - همگرایی کراندار
Boundedly convergent sequence	دنباله محدود "همگرا - دنباله همگرای کراندار"
Bounded set	مجموعه محدود - مجموعه کراندار
Bounded variation	با تغییرات محدود
Bow	کمان - قوس - خم شدن
Bow compass	نوعی برگر



Brace	آکولاد - ابرو " { "
Brachistochrone	کوتاهترین زمان
Bracket	کروشه - پرانتز
Branch	شاخه
Branch of a curve	شاخه یک منحنی
Breadth	پهنای - عرض
Briefly	مختصراً "
Broad	عریض
Broaden	پهن کردن - تعریض
Broadway	از عرض - از پهنای
Broadwise	از عرض - از پهنای

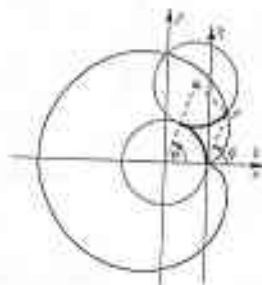
Broken	نکسته
Broken line	خط شکسته
Brouwer's fixed-point theorem	قضیه نقطه ثابت بر اور
Bubble	حباب - جوشیدن
Sudan's theorem	قضیه بودان
Buffon's needle problem	مسئله سوزن با فون -
اگر یک دسته خطوط موازی فاصله a روی صفحه ای رسم شده باشد و سوزنی با طول $L < a$ را بطور تصادفی روی صفحه بیاندازیم احتمال اینکه سوزن یکی از خطوط را قطع کند عبارتست از: $p = \frac{2L}{\pi a}$	
Bulk	توده - جسم - تنه
Bundle	دسته - بسته - دسته کردن
Bundle of circles	دسته دایره
Bundle of planes	دسته صفحات
Bushel	مقیاس وزن معادل ۴ پک و ۳۲ کوارتر - بیمانه غله و میوه معادل ۳۶ لیتر
By means of	بوسیله

WWW.TXT.IR

Candlepower شمع - واحدا اندازه گیری شدت نور
 Canonical کانونی - متعارفی - متعارف
 Canonically بطور متعارفی
 Canonical representation of a space curve
 نمایش متعارف یک منحنی فضا (بر حسب طول قوس
 آن)

Cant سطح مایل - سطح مورب
 Cantor number عدد کانتور
 Cantor set مجموعه کانتور
 Cantor space فضای کانتور
 Cap عرچین کروی - علامت اشتراک مجموعه ها
 Capacitance ظرفیت الکتریکی - توان
 Capacitor خازن
 Capacity ظرفیت - گنجایش
 Capital سرمایه
 Card برگ - ورق
 Cardan's formula فرمول کاردان
 Cardinal کاردینال - اصلی
 Cardinality of a set تعداد عناصر یک
 مجموعه

Cardinal number عدد اصلی
 Cardinal points جهات اصلی
 Cardioid منحنی دل گون - منحنی قلب شکل



Cartesian کارتزی - دکارتی
 Cartesian coordinates مختصات دکارتی
 Cartesian coordinate system دستگاه مختصات دکارتی
 Cartesian coordinates in the plane مختصات دکارتی در صفحه
 Cartesian equation معادله دکارتی

C

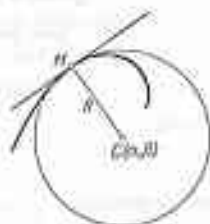
C سومین حرف الفبای انگلیسی
 Calculable قابل محاسبه
 Calculate محاسبه کردن - حساب کردن
 Calculating machine ماشین حساب
 Calculation محاسبه - حساب
 Calculator ماشین حساب - حساب کننده
 Calculus حساب جامع و فاضله -
 حساب دیفرانسیل و انتگرال
 Calculus of finite differences حساب اختلافات متناهی
 Calculus of variations حساب تغییرات -
 حساب وردشها - حساب واریاسیونها
 Calendar تقویم - سالنامه
 Caliber قطر دهانه لوله - قطر داخلی لوله
 Calibrate قطر داخلی چیزی را اندازه گرفتن
 Callipers قطر سنج
 Calliper compass پرگار قطر سنج
 Call نامیدن
 Cancel حذف کردن - باطل کردن
 Cancellation law قانون حذف

Cartesian geometry	هندسه دکارتی - هندسه تحلیلی	Cauchy-schwarz inequality for inner product	نامساوی "کوشی - شوارتز" در مورد حاصلضرب داخلی
Cartesian plane	صفحه دکارتی	$ x \cdot y \leq x y $	
Cartesian product	حاصلضرب دکارتی	Cauchy-Schwarz inequality for integrals	نامساوی "کوشی - شوارتز" در مورد انتگرالها
Cartesian product of intervals	حاصلضرب دکارتی فواصل	Cauchy sequence	رشته کوشی - دنباله کوشی
Cartesian product of sets	حاصلضرب دکارتی مجموعهها	Cauchy's integral theorem	قضیه انتگرال کوشی
Cartography	نقشه کشی - نقشه برداری	Causality	علیت
Case	حالت - مورد	Cause	سبب - علت - سبب شدن
Casting out nines (cast-out-the nines)	نه نه خارج کردن (امتحان ضرب)	Causo and effect	علت و معلول
Catalog	فهرست	CC. (cubic centimeter)	اخذما رسا نتیمتر مکعب
Categorical	قطعی - مطلق - جزئی - بی شرط	Cell	سلول - یاخته - حفره
Category	طبقه - رده - مقوله - مفوله منطقی	Celsius scale	مقیاس سلسیوس -
Category theory	نظریه کاتگوریها - نظریه طبقات	Cent	مقیاس سانتیگراد
Cauchy condition for convergence of sequences	شرط کوشی برای همگرایی دنبالهها	Center	پیشوند بمعنی صد
Cauchy Condition for convergence of series	شرط کوشی برای همگرایی سلسلهها	Centeral	مرکزی
Cauchy condition for uniform convergence	شرط کوشی برای همگرایی یکنواخت - دنباله تابعی $\{f_n\}$ که روی E تعریف شده است روی E بطور یکنواخت همگراست اگر و تنها اگر :	Central force	نیروی مرکزی
$\forall \epsilon > 0 \exists N/m \in \mathbb{N}, n > N, x \in E \rightarrow f_n(x) - f_m(x) < \epsilon$		Centralize	متمرکز کردن - تمرکز دادن
Cauchy criterion	معیار کوشی	Central concept	مفهوم اصلی
Cauchy distribution	توزیع کوشی	Central moment	گشتاور مرکزی
Cauchy's inequality	نامساوی کوشی	Central similitude	تجانس مرکزی
Cauchy integral	انتگرال کوشی	Central symmetry	نقارن مرکزی
Cauchy principal value	مقدار اصلی کوشی	Center of curvature	مرکز انحنا
Cauchy product of series	حاصلضرب کوشی سلسلهها	Center of gravity	مرکز ثقل
Cauchy representation	نمایش کوشی	Center of inversion	مرکز انعکاس
Cauchy residuc theorem	قضیه باقیمانده کوشی		(بمعنای یک تبدیل هندسی)
Cauchy-Riemann equations	معادلات کوشی - ریمن	Center of mass system	دستگاه مرکز ثقل
			(نوعی دستگاه مختصات قطبی)
		Center of symmetry	مرکز تقارن
		Centesimal	صدم - صدتایی - صدقسمتی
		Centesimal system of measuring angles	سیستم صدقسمتی برای اندازه گیری زوایا
		Centi	یکمصدم - سانتی
		Centigrade	یکمصدم گراد - سانتی گراد
		Centimeter	یکمصدم متر - سانتی متر
		Central limit theorem	قضیه حد مرکزی
			(درآمارو احتمالات)

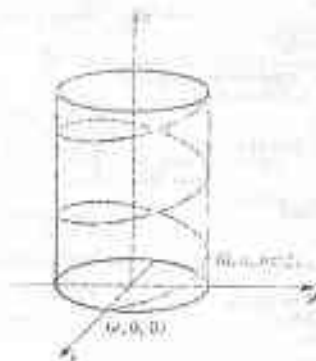
Central quadrics	سطح درجه دوم متقارن مرکزی (مانند بیضوی یا هذلولوی یکپارچه و دوپارچه)
Centralization	تمرکز
Centrifugal force	نیروی گریز از مرکز
Centrifugation	گریز از مرکز
Centripetal force	نیروی جذب به مرکز
Centroid	مرکز هندسی
Gentuple	صدتایی - صدبرابر
Centuplicate	صدبرابر کردن
Century	قرن - صدسال
Certain	معین - مسلم - مشخص - یقین
Certainty	اطمینان - یقین
Cesaro summability	مجموع پذیری جزارو
Chain	زنجیر - زنجیر کردن
Chain derivatives	مشتقات زنجیری
Chain rule	قاعده زنجیری
Chain rule for derivatives	قاعده زنجیری برای مشتقات
Chain rule for real functions	قاعده زنجیری برای توابع حقیقی
Chain rule for vector valued functions	قاعده زنجیری برای توابع برداری
Chance	شانس - اتفاق - بخت - نمود
Change	تغییر - تغییر کردن - تغییر دادن
Changeable	قابل تغییر - تغییر پذیر - ناپایدار
Changeful	تغییر پذیر - بی ثبات
Change of coordinates	تغییر مختصات
Change of parameter	تغییر پارامتر
Change of rate	تغییر میزان - تغییر نسبت
Change of variable	تغییر متغیر
Change of variable in Lebesgue integral	تغییر متغیر در انتگرال لیبگ
Change of variable in Riemann - stieltjes integral	تغییر متغیر در انتگرال ریمان - استلجس
Channel	کانال - ترعه - مجرا

Chapter	فصل - باب - بخش
Character	خصالت - مشخصه
Characteristic	مشخصه - ویژگی
Characteristic equation	معادله ویژه
Characteristic function	تابع ویژه
Characteristic of a logarithm	مفسر لگاریتم
Characteristic of a ring or a field	مشخصه یک حلقه یا یک میدان
Characteristic value	مقدار ویژه
Characteristic vector	بردار ویژه
Characterize	مشخص کردن - توصیف کردن
Charge	بار - برکردن
Chart	ترسیم آماری - نقشه - نمودار - جدول
Chebyshev inequality	نامساوی چبی شف
Chebyshev's differential equation	معادله دیفرانسیل چبی شف
Chebyshev's polynomials	چند جمله ای چبی شف
Chebyshev's theorem	قضیه چبی شف
Check	بررسی - رسیدگی - بررسی کردن - رسیدگی کردن
Checking	بررسی - کنترل
Chemistry	شیمی
Cheque	حواله - برات - چک
Choice	انتخاب
Choose	انتخاب - انتخاب کردن - گزیدن
Chord	وتر - قوس
Chordal pitch	گام وتری - فاصله منقسم الخط بین دو نقطه متناظر از دو دانه متوالی یک چرخ دنده
Chronology	وقایع نگاری - علم ترتیب وقایع تاریخی
Chronometer	زمان سنج دقیق - کرومومتر
Chute	سطح شیب دار - سرسره
Cipher	عدد صفر - صفرگذاری - حروف رمزی
Circinate	قوسی
Circle	دایره
Circle graph	نمودار دایره

Circle of curvature دایره انحنا



- Circle of convergence دایره همگرایی
- Circllet دایره کوچک
- Circuit دور- مدار
- Circular دایره‌ای - مدور
- Circular arc کمان مدور- کمان مستدیر
- Circular disk صفحه- مدور- قرص مدور
- Circular closed region ناحیه مدور بسته
- Circular cone مخروط دوار
- Circular helix مارپیچ مدور



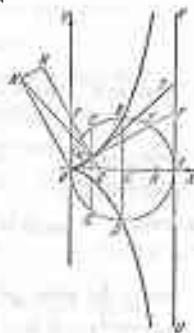
- Circular permutation جایگشت مدور
- Circularize مدور کردن - مستدیر کردن
- Circular measure اندازه زاویه بر حسب رادیان
- Circular sector قطاع مستدیر
- Circular motion حرکت دورانی
- Circular path مسیر مدور
- Circulating decimal عدد اعشاری متناوب
- Circulation گردش - گردش یک سیال در مسیر بسته

Circum پیشوندی به معنای " در اطراف " ،
" در حدود "

- Circumambient احاطه کننده - محیط
- Circumambieny احاطه
- Circumcenter مرکز دایره - محیطی
- Circumcenter of a triangle مرکز دایره
محیطی مثلث
- Circumcircle دایره محیطی
- Circumference پیرامون - محیط
- Circumferential محیطی - واقع بر محیط دایره
- Circumscribe محیط کردن
- Circumscribed circle دایره محیطی
- Circumscribed circle of a polygon دایره محیطی یک چندضلعی
- Circumscribed cone of a pyramid مخروط محیطی یک هرم
- Circumscribed polygon چندضلعی محیطی
- Circumscribed prism of a cylinder منشور محیطی یک استوانه
- Circumscribed pyramid of a cone هرم محیطی یک مخروط
- Circumscribed sphere کره محیطی
- Circumscription محدودیت - تعریف
- Circumstances شرایط محیط
- Circuit مدار
- Cissoid(cissoïd of diocles) سیسوئید (سیسوئید دیوکلس)

$$y^2(2a-x) = x^3$$

منحنی به معادله



Clarity	وضوح	Coherent	چسبیده - مرتبط - دارای ارتباط منطقی
Class	رده - طبقه - دسته - کلاس	Coil	ما رپیچ - سیم پیچ
Classic	کلاسیک	Coin	سکه
Classification	طبقه بندی - دسته بندی	Coincide	منطبق شدن
Classify	دسته بندی کردن - طبقه بندی کردن	Coincidence	انطباق
Clear	آشکار - واضح	Coincident	منطبق
Clockwise	درجهت گردش عقربه های ساعت	Coincident configurations	اشکال منطبق
Close	بستن - نزدیک	Coin-tossing	پرتاب سکه
Closed	بسته	Colatitude	متمم عرض جغرافیایی
Closed ball	گوی بسته	Collapse	فروریختن - منلاشی شدن
Closed broken line	خط شکسته بسته	Collate	مقابله و تطبیق کردن
Closed curve	منحنی بسته	Collateral	پهلویبه پهلو - متوازی
Closed disc	گرده بسته	Collect	گردآوری - گردآوری
Closed interval	فاصله بسته	Collecting	گردآوری
Closed-loop	حلقه بسته - مدار بسته - تلویزیون مدار بسته	Collection	گردآبه - مجموعه - کلکسیون
Closed mapping	نگاشت بسته	Collimate	موازی قرار دادن - هم راستا کردن
Closed region	ناحیه بسته	Collinear	هم راستا - بریک استقامت
Closed set	مجموعه بسته	Collinearity	هم راستایی
Closed space figure	شکل فضائی بسته	Collinear opposite vectors	بردارهای متقابل
Closed unit interval	فاصله بسته واحد	Collinear points	نقاط هم راستا - نقاط واقع بر یک استقامت
Closure	بستار	Collineation	هم راستایی - تبدیل هم راستایی
Clue	راهنما - کلید - اثر - نشان - مدرک	Collision	برخورد - تصادم
Cluster point	نقطه انباشتگی - نقطه تجمع	Cologarithm	کلگاریم
Co-	بیشوندی بمعنای "مشترک" و یا "شریک"	Column	ستون
Coaxial	هم محور	Column matrix	ماتریس ستونی
Coaxial planes	صفحات هم محور	Column of a matrix	ستون یک ماتریس
Code	رمز - علامت	Column rank	مرتبه ستونی - رتبه ستونی
Codimensional	هم بعد	Column vector	بردار ستونی
Co-domain	هم دامنه	Colure	دایره عظیمه ای بر روی کره سماوی که از قطبین میگذرد.
Co-domain of a function	هم دامنه یک تابع	Combination	ترکیب
Coefficient	ضریب	Combination in statistics	ترکیب درآمار
Coefficient of friction	ضریب اصطکاک	Combination with repetition	ترکیب با تکرار
Coefficient of restitution	ضریب برگشت		
Cofactor of a matrix	هم عامل یک ماتریس		
Cofocal	هم کانون		
Cofunctions	توابع مثلثاتی متمم یک زاویه		
Coherence	چسبندگی - ارتباط - وابستگی		

Combination without repetition	ترکیب بدون تکرار
Combination analysis	آنالیز ترکیبی
Combinatorial	ترکیبیاتی
Combinatorics	ترکیبیات
Combine	ترکیب کردن - آمیختن
Combined	مربک - ترکیب شده
Comma	کاما - ویرگول
Commensurable	هم مقیاس
Commensurate	متناسب
Common	معمولی - مشترک
Common denominator	مخرج مشترک
Common difference (درتسا عددهایی)	قدرنسبت
Common divisor	مقسوم علیه مشترک
Common exterior tangent	مماس مشترک خارجی
Common factor	عامل مشترک
Common fraction	کسر متعارفی
Common interior tangent	مماس مشترک داخلی
Common multiple	مضرب مشترک
Common logarithm	لگاریتم معمولی - لگاریتم درمبنای دهه - لگاریتم اعشاری
Common ratio (درتسا عددهایی)	قدرنسبت
Common tangent	مماس مشترک
Common tangent of two circles	مماس مشترک دودایره
Communication	ارتباط
Commutation	تبدیل - تعویض - جابجایی
Commutative	تعویض پذیر - جابجایی
Commutative group	گروه جابجایی
Commutative law	قانون جابجایی
Commutative law of multiplication	قانون جابجایی ضرب
Commutative law of addition	قانون جابجایی جمع
Commutativity	جابجایی
Commute	تعویض کردن - جابجا شدن
Commutator	تغییردهنده - برگرداننده
Compact	فشرده - فشرده کردن

Compact interval	فاصله فشرده
Compactification	فشرده سازی
Compaction	عمل بهم فشردن
Compactness	فشردهگی
Compact set	مجموعه فشرده
Comparable	قابل مقایسه
Companion matrix	ماتریس همراه - ماتریس



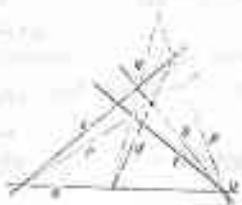
ماتریس همراه چند جمله‌ای

$$P(t) = t^k + a_{k-1}t^{k-1} + \dots + a_1t + a_0$$

می باشد.

Comparable functions	توابع قابل مقایسه
Compare	مقایسه کردن - سنجیدن
Comparative	مقایسه‌ای
Comparison	مقایسه - سنجش
Comparison property	خاصیت مقایسه
Comparison test	آزمون مقایسه
Compart	جدا کردن - تقسیم کردن
Compartment	قسمت - بخش
Compass	پیرکار - قطب نما
Compatibility	سازگاری - توافق
Compatible	سازگار - موافق
Compatible distance	فاصله سازگار
Compensate	جبران کردن
Complementary angles	زوایای متمم
Complementary set	مجموعه مکمل
Complementation	مکمل سازی - متمم سازی
Complement orthogonal set	مجموعه متعامد مکمل
Complete	تمام - کامل - تمام کردن
Complete metric space	فضای متریک کامل

Complete quadrilateral چهار ضلعی کامل



Completive کامل - تمام

Complex مختلط

Complex analysis آنالیز مختلط

Complex conjugate مزدوج مختلط

Complex exponential function تابع نمایی مختلط

Complex field میدان مختلط - هیئت مختلط

Complex fourier series سلسله فوریه مختلط

Complex function تابع مختلط

Complex line integral انتگرال خطی مختلط

Complex logarithm لگاریتم مختلط

Complex number عدد مختلط

Complex number system دستگاه اعداد مختلط

Complex plane صفحه مختلط

Complex power توان مختلط

Complex-valued function تابع مختلط

Complex variable متغیر مختلط

Complicate پیچیده - بفرنج

Component مؤلفه

Component of a vector مؤلفه، یک بردار

Composable قابل ترکیب

Compose ترکیب کردن - ساختن

Composite مرکب

Composite fraction کسر مرکب

Composite function تابع مرکب

Composite number عدد مرکب - عدد غیر اول

Composite proportion تناسب مرکب

Composite radical رادیکال مرکب - ریشه مرکب

Composite sentence گزاره مرکب - جمله مرکب

Composition ترکیب

Compound مرکب - غیربسیط

Compound event پیشامد مرکب (در احتمالات)

Compound interest بهره مرکب - سود مرکب

Compound pendulum آونگ مرکب - پاندول مرکب

Compound proposition گزاره مرکب

Computable قابل محاسبه

Computation محاسبه

Compute محاسبه کردن - حساب کردن

Computer رایانه

Concave مقعر - گاو

Concave angle زاویه مقعر

Concave downward مقعر بطرف پایین

Concave function تابع مقعر

Concave polygon چندضلعی مقعر

Concave upward مقعر بطرف بالا

Concavity تقعر - گاو

Concavo-concave مقعرالطرفین - اردوسوگا و

Concavo-convex " مقعر، محدب " - " گاو، گوز "

Conceive تصور کردن - پنداشتن

Concentrate متمرکز کردن - تمرکز دادن

Concentrated متمرکز

Concentration تمرکز

Concentrative تمرکزدهنده - تمرکزی

Concentrator متمرکزکننده - متمرکز شونده

Concentric متحدالمركز - هم مركز

Concentric circles دواير متحدالمركز - دواير هم مركز

Concentrically بطور متحدالمركز - بطور هم مركز

Concept مفهوم - پنداره

Conceptual پنداری - تصویری - ادراکی

Conclude نتیجه گرفتن - خاتمه دادن

Conclusion نتیجه

Concordance توافق

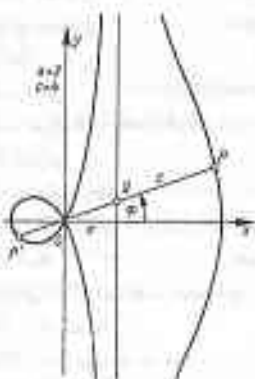
Concurrent متقارب

Concurrent lines خطوط متقارب

Concyclic هم دایره

Conchoid curve

منحنی صدفی

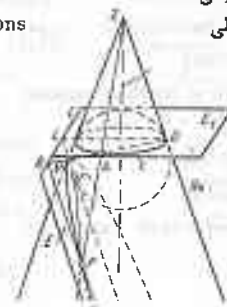


Concyclic points	نقاط هم دایره
Condensation	چگالش - تکاشف - انباشتگی
Condensation point	نقطه انباشتگی
Condensation test	آزمون انباشتگی
Condense	هم چگال کردن - تراکم کردن فشرده کردن - تخلیظ کردن
Condensed	چگالیده
Condenser	چگالنده
Condition	شرط
Conditional	شرطی - مشروط
Conditional composition	ترکیب شرطی
Conditional convergence	همگرایی شرطی - همگرایی مشروط
Conditional expectation	امید مشروط
Conditional equations	معادلات شرطی
Conditional inequations	نا معادلات شرطی
Conditional probability	احتمال شرطی
Conditional probability distribution	توزیع احتمال شرطی
Conditional sentence	گزاره شرطی
Conditionally convergent	همگرای شرطی
Conditionally independent	مستقل شرطی
Conduce	هدایت کردن
Conduction	هدایت - رسانایی
Conductivity	قابلیت هدایت
Conductor	هادی - هدایت کننده
Cone	مخروط

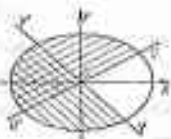
Confidence coefficient	ضریب اطمینان
Confidence interval	فاصله اطمینان
Confidence level	درجه اطمینان
Confidence region	ناحیه اطمینان
Configuration	پیکربندی - هیئت
Confirm	تثبیت کردن - تأیید کردن
Confluence	هم جریانی - هم ریزی
Confluent	هم ریز - هم جریان
Confocal	هم کانون
Confocal conics	مقاطع مخروطی هم کانون
Conform	مطابقت کردن - وفودادن
Conformable	قابل تطبیق
Conformal	همدیس
Conformal geometry	هندسه تطبیقی
Conformal mapping	نگاشت همدیس
Conformal representation	نمایش مطابق - نمایش هم شکل
Conformal transformation	تبدیل حافظ زاویه
Conformity	مطابقت - هم شکلی
Congruence	همنهشتی - هم آری
Congruency	همنهشتی - هم آری
Congruent	همنهشت - هم آرز
Congruent figures	اشکال قابل انطباق اشکال منسای
Congruent matrices	ماتریسهای هم آرز
Congruent numbers	اعداد همنهشت
Conic	مخروطی
Conic equation	معادله مخروطی - معادله هریک از مقاطع مخروطی

$$Ax^2 + 2Bxy + Cy^2 + Dx + Ey + F = 0$$

Conic screw line	مارپیچ مخروطی
Conic sections	مقاطع مخروطی



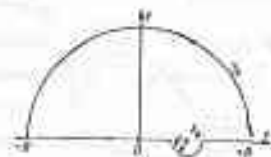
Conical	مخروطی شکل - مخروطی
Conical helix	ما رپیج مخروطی
Conical surface	سطح مخروطی
Conicle	مخروط کوچک
Conicoid	کنیکوئید - سهمی گون -
Conjecture	هذلولی گون - بیضی گون گمان بردن - گمان حدس - پیش بینی
Conjugate	مزدوج
Conjugate algebraic numbers	اعداد جبری مزدوج
Conjugate arcs	کمانهای مزدوج
Conjugate axis	محور مزدوج - خط گذرنده از مرکز
Conjugate Complex functions	بیضی یا هذلولی که برپا ره خط واقع بین دو کانون عمود باشد. توابع مختلط مزدوج
Conjugate complex numbers	اعداد مختلط مزدوج
Conjugate curves	منحنیهای مزدوج
Conjugate diameters	اقطار مزدوج



Conjugate elements of a determinant	عناصر مزدوج یک دترمینان
Conjugate field	میدان مزدوج
Conjugate functions	توابع مزدوج
Conjugate hyperbolas	هذلولیهای مزدوج
Conjugate hyperboloids	هذلولویهای مزدوج
Conjugate lines	خطوط مزدوج
Conjugate of a complex number	مزدوج یک عدد مختلط
Conjugate planes	صفحات مزدوج
Conjugate point	نقطه مزدوج
Conjugate potential functions	توابع پتانسیل مزدوج

Conjugate roots	ریشههای مزدوج
Conjugate triangles	مثلثهای مزدوج
Conjunction	حرف ربط
Conjunctive composition	ترکیب ربطی
Connect	همبند - مرتبط - متصل کردن مربوط بودن
Connected	مرتبط - یکپارچه
Connected domain	حوزه مرتبط - حوزه یکپارچه
Connected surface	سطح مرتبط
Connectedness	یکپارچگی - ارتباط - همبندی
Connection	اتصال - ارتباط
Connective	پیوندی - حرف ربط یا عطف
Connectivity	ربط - ارتباط - همبندی
Connector	را بط
Conoid	مخروط گون
Consecutive	متوالی - پی در پی - پیاپی
Consequence	پیامد - نتیجه
Consequently	در نتیجه
Conservation	بقاء - حفظ
Conservation law	قانون بقاء - اصل بقاء
Conservative system	دستگاه حافظ انرژی
Conserve	نگهداشتن - حفظ کردن
Consider	در نظر گرفتن
Consideration	ملاحظه - توجه
Consist	شامل بودن - مشتمل بودن
Consistent	سازگار
Consistent factor	عامل سازگار
Consistent equations	معادلات سازگار - دسته معادلاتی که دارای جواب مشترک باشند.
Consequent	تالی (ترکیب شرطی)
Constituent	جزء اصلی - سازنده
Constitute	تشکیل شدن - بنا کردن - تاسیس کردن
Constraint	قید - محدودیت
Construct	ساختن - رسم کردن
Constructive	سازنده
Construction	ساختن - ترسیم - رسم
Construction with compass and ruler	ترسیم با پرگار و خط کش

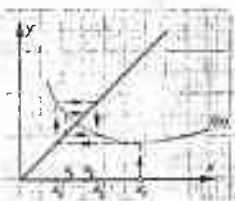
Constructive method	روش ساختگرا - روش سازنده
Contact	تماس - برخورد
Contain	شامل - مشتمل - شامل بودن
Content	محتوی - گنجایش - فهرست مطالب
Conterminal	هم مرز
Contiguous	مجاور - نزدیک - پیوسته - متصل
Contingency	احتمال
Contingency table	جدول احتمالات
Continuation	تمدید - ادامه
Continue	ادامه دادن
Continued	متصل - پیوسته
Continued fraction	کسر مسلسل
Continuity	پیوستگی - مداوم
Continuum	متصله
Continuous	پیوسته - متصل
Continuous curve	منحنی پیوسته
Continuous decision processes	فرآیندهای تصمیمی پیوسته - در مسائل بهینه‌سازی وقتی که بتوان در هر لحظه تصمیم‌گیری کرد.
Continuous function	تابع پیوسته
Continuous map	نگاشت پیوسته
Continuous random variable	متغیر تصادفی پیوسته
Continuous topology	توپولوژی پیوسته
Contour	کانتور - منحنی بسته ساده - یک خم‌پارابولیک $c: [a, b] \rightarrow \mathbb{R}^2$ را که در (a, b) یک به یک بوده و $c(a) = c(b)$ باشد یک خم بسته ساده یا یک کانتور می‌نامیم در صورتیکه c یک خم هموار باشد.
Contour curves	منحنیهای تراز
Contour integral	انتگرال روی منحنی بسته ساده



Contraction	انقباض - تابع $\phi: X \rightarrow X$
	راکه در آن X یک فضای متریک است یک انقباض می‌نامیم اگر یک $c < 1$ موجود باشد بطوریکه:
	$d(\phi(x), \phi(y)) \leq cd(x, y) \forall x, y \in X$
Contradiction	تناقض
Contradictory	متناقض
Contradictory statements	گزاره‌های متناقض
Contragredient matrix	ماتریس وارون تراشده - ماتریس $(A^T)^{-1}$ را ماتریس وارون تراشده ماتریس A گویند.
Contrapositive	عکس نقیض
Contrariwise	برعکس
Contrary	مخالف - منکوس - مقابل - خلاف
Contribution	همکاری - کمک - سهم
Control chart	نمودار کنترول
Controllability	کنترل پذیری
Convector	هم بردار
Convention	قرارداد - همایش
Converge	متقارب بودن - همگرا بودن
Convergence	همگرایی - تقارب
Convergence in a metric space	همگرایی در یک فضای متریک
Convergence of a sequence	همگرایی یک دنباله
Convergence of series	همگرایی سلسله‌ها
Convergence tests	آزمونهای همگرایی
Convergent	همگرا - متقارب
Convergent product	حاصلضرب همگرا
Convergent sequence	دنباله همگرا
Convergent series	سلسله همگرا

Convergent iteration

تکرار همگرا



Converse معکوس - مخالف - وارونه

Converse of a relation عکس یک رابطه

Converse of a theorem عکس یک قضیه

Conversely برعکس

Conversion تغییر حالت - تحویل - تبدیل

Conversion table جدول تبدیل -

جدول تبدیل واحدهای متفاوت به یکدیگر

Convert تغییر کردن - تحویل کردن -

تبدیل کردن - معکوس کردن

Convertible قابل تبدیل - تغییر پذیر -

تحویل پذیر

Convex محدب - کوژ

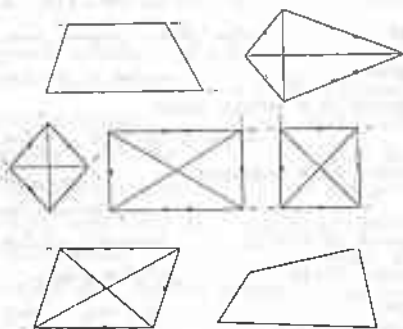
Convex function تابع محدب - تابع کوژ

Convex linear combination ترکیب خطی محدب -

ترکیب خطی کوژ

Convex polygon چندضلعی کوژ - کنیرا اضلاع محدب

Convex quadrilaterals چهار ضلعی های کوژ



Convex region ناحیه محدب

Convex sequence دنباله محدب - رشته کوژ

Convex set مجموعه محدب - مجموعه کوژ

Convex subset زیر مجموعه کوژ

Convex surface سطح محدب - رویه کوژ

Convexity تحدب - کوژی

Convexo-concave "محدب، مقعر" - "کوژ، کاو"

Convexo-convex محدب الطرفین -

از دو سو کوژ

Convolution پیچیدگی - پیچش - چرخش - تلفیق

Convolution formula دستور تلفیق

Convolution of two functions

انتگرال حاصلضرب تلفیقی دو تابع - مثلاً برای

دو تابع F_x و F_y میتوان نوشت:

$$\int_{-\infty}^{\infty} f_x(x)f_y(z-x)dx$$

Cooling problem مسئله تبرید

Coordinates مختصات - مختص

Coordinate axes محورهای مختصات

Coordinate axis محور مختصات

Coordinate system دستگاه محورهای مختصات

Coordinate transformation تبدیل مختصات

Copernican theory نظریه کوبرنیک

Coplanar points نقاط هم صفحه

Coplane هم صفحه

Coprime متباین

Coprime numbers اعداد متباین

Core مرکز - هسته

Corner گوشه - کنج

Cornered گوشه دار - زاویه دار

Corollary قضیه فرعی - نتیجه

Correct صحیح - تصحیح کردن

Correction صحیح - درست

Correction factor عامل تصحیح - ضریب تصحیح

Correctness صحت - درستی

Correlate همبستگی داشتن - هم بسته بودن -

وابسته بودن

Correlated هم بسته - وابسته

Correlation همبستگی

Correlation coefficient ضریب همبستگی

Correspond مطابق بودن - متناظر بودن

Correspondence تطابق - تناظر

Correspondent متناظر

Corresponding	متناظر - نظریه نظیر
Corresponding angles	زوایای متناظر
Corresponding elements	اجزاء متناظر
Corresponding elements of two similar triangles	اجزاء متناظر دو مثلث متشابه
Corresponding sides	اضلاع متناظر
Corresponding values	مقادیر متناظر
Corresponding vertices	رئوس متناظر
Cosecant	کسکانت - عکس سینوس

$$\operatorname{cosec} x = \frac{1}{\sin x}$$

Coset	همدسته
Cosine	کسینوس - جیب تمام
Cosine curve	منحنی کسینوس
Cosmography	شرح جهان - کیهان نگاری
Cost formula	فرمول تعیین ارزش - فرمول تعیین بها
Cost function	تابع ارزش - تابع بها
Cotangent curve	منحنی کتانژانت

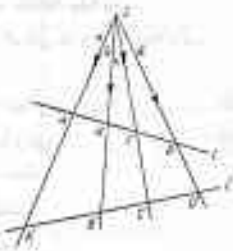


Count	شمردن - حساب کردن - شمارش
Countability axiom	اصل موضوع شمارش پذیری
Countdown	هم کرانه - هم مرز
Countable	شمارا - شمارش پذیر
Countable collection	گردا به - شمارا
Countable local basis	پایه - شمارش پذیر موضعی
Countable set	مجموعه - شمارش پذیر - مجموعه - شمارا
Countably infinite	نا متناهی شمارش پذیر
Counter	شمارشگر - شمارنده
Counterbalance	موازنه
Counterclockwise	درجهت عکس حرکت عقربه ساعت
Counterexample	ضد مثال

Counterimage	پیش تصویر
Counterpart	هماورد - نقطه مقابل
Counterweight	متعادل کردن - وزنه تعادل
Counting	شمارش
Counting measure	اندازه شمارشی
Counting numbers	اعداد شمارشی
Counting system	دستگاه شمار
Couple	زوج - جفت
Course	درس - دوره
Covalence	هم ظرفیتی
Covariance	هم پراشی - هم پراشی x و y را بوسیله $\operatorname{cov}(x, y)$ میتوان نشان داد: $\operatorname{cov}(x, y) = E[(x - \mu_x)(y - \mu_y)]$
Covariant	هم پراش
Covariant differentiation	مشتق گیری هم پراش
Cover	پوشاندن - پوشش
Covering	پوشش
Covering of a set	پوشش یک مجموعه
Covering theorem	قضیه پوشش
Cozonal	هم ناحیه
Cramer's rule	قاعده کرامر
Crescent	هلالی شکل - هلال ماه
Criterion	معیار - ضابطه
Critical	بحرانی
Critical damping	میراثی بحرانی
Critical point	نقطه بحرانی
Critical region	ناحیه بحرانی - ناحیه رد
Crooked line	منحنی - خط خمیده
Cross	قطع کردن - تقاطع
Crossed	میلیب گونه - چلیبایی - متقاطع
Cross-hatch	ها نور متقاطع
Crossing	نقطه تقاطع
Cross product	حاصل ضرب خارجی - حاصل ضرب برداری
Cross section	مقطع عرضی - سطح مقطع
Cross sectional area	مساحت سطح مقطع
Crosswise	به شکل ضربدر
Cruciform curve	منحنی صلیبی شکل

Cross ratio

نسبت توافقی



Crunode نقطه دوگانه - نقطه مضاف - نقطه تقاطع یک منحنی با خودش

Cryptarithmic حساب ابجد - حساب رمز

Cubable مکعب پذیر - مکعب پذیر

Cubage تبدیل به مکعب - تخمین به مکعب

Cube مکعب کردن - به توان سه رساندن - مکعب - توان سوم

Cube of a number مکعب یک عدد

Cube of a quantity مکعب یک مقدار - مکعب یک کمیت

Cube root ریشه سوم - مکعب

Cubic مکعبی - مکعب شکل - درجه سوم

Cubic centimeter سانتیمتر مکعب

Cubic curve منحنی درجه سه

Cubic equation معادله درجه سه

Cubic polynomial چندجمله‌ای درجه سه

Cuboid مکعب مستطیل

Culminate به اوج رسیدن

Cumulative انباشتن - توده کردن - جمع کردن

Cumulative جمع شونده

Cup علامتی برای اتحاد مجموعه‌ها - نا و - U

Curiosity کنجکاوی

Curl کرل - روتاسیون - چرخش

اگر $\vec{F} = F_x \vec{i} + F_y \vec{j} + F_z \vec{k}$ باشد چرخش $\vec{\nabla}$ عصاره رست از:

$$\text{Curl } \vec{F} = \begin{vmatrix} \vec{i} & \vec{j} & \vec{k} \\ \frac{\partial}{\partial x} & \frac{\partial}{\partial y} & \frac{\partial}{\partial z} \\ F_x & F_y & F_z \end{vmatrix}$$

Curly-bracket آکولاد

Curvate خمیده - منحنی تکلی

Curvature انحنا - خمیدگی

Curvature Form صورت انحنا

Curvature of a curve انحنا ی یک منحنی

Curvature of a surface انحنا ی یک سطح

Curvature vector بردار انحنا

Curved خمیده - منحنی شکل

Curved surface سطح خمیده

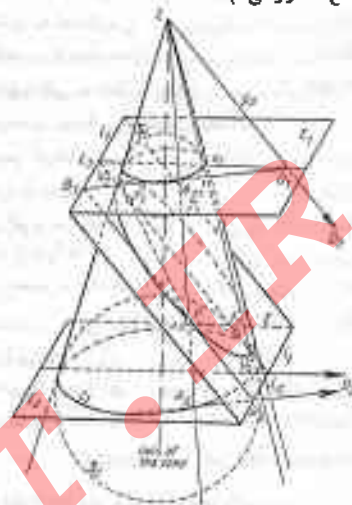
Curvilinear منحنی الخط

D

D	چهارمین حرف الفبای انگلیسی
D	عدد ۵۰۰ در روم باستان
D	عدد پانصد هزار در روم باستان
D	Alembert's test for convergence (or divergence) of infinite series آزمون دالامبر برای همگرایی (یا واگرایی) سلسله‌های نامتناهی
Damped	میرا
Damped motion	حرکت میرا
Damped vibrations	نوسانات میرا
Damping	میرایی - میرا
Damping factor	عامل میراننده - ضریب میرایی
Damping force	نیروی میراننده

Dandelin spheres

کره‌های داندلین (برای
ایجاد مقاطع مخروطی)



Derboux's theorem	قضیه داربو
Dash	خط تیره
Data (datum جمع)	معلومات مسئله - داده‌ها
Datum	داده
Deal	مقدار اندازه - قدر - معامله کردن - کلنجار رفتن
Debatable	قابل بحث - قابل مناظره
Debit	بدهی - درستون بدهی - بدهکار کردن
Debit a sum to a person	مبلغی را بحساب بدهی کسی گذاشتن
Debt	بدهی - قرض - وام
Debtor	مقروض - بدهکار - ستون بدهکار
Deca	پیشوند یونانی بمعنی ده - ده تائی - ده برابر
Decade	دوره ده ساله - دهه
Decadent	منحط - رویه انحطاط - زایل شونده
Decagon	ده ضلعی
Decagonal	ده ضلعی گون
Decahedral	ده وجهی
Decahedron	ده وجهی

Decameter	دکا متر - معادل ۱۰ متر	Decomposable	تجزیه پذیر - قابل تجزیه
Decastere	ده مترمکعب	Decompose	تجزیه شدن - تجزیه کردن
Decelerate	کاستن - کند کردن	Decomposition	تجزیه - تلاشی
Decelerated	مبطئه - کندشونده	Decomposition of a fraction	تجزیه کسر
Deceleration	کندشوندگی - شتاب منفی	Decrease	کاهش دادن - نزول کردن - کاهش - نزول
Deci	پیشوندی یونانی بمعنی یکدهم	Decreasing	نزولی - کاهش
Decide	تصمیم گرفتن	Decreasing function	تابع نزولی
Decided	قطعی - مصمم	Decreasing function of one variable	تابع یک متغیره نزولی
Decigram	دسی گرم - یکدهم گرم	Decreasingly	بطور نزولی
Decile	دهک (در آمار)	Decreasing mapping	نگاشت نزولی
Deciliter	دسی لیتر - یکدهم لیتر	Decreasing sequence	دنباله نزولی
Decillion	دسیلیون - در انگلیس 10^{30} و در آمریکا 10^{27}	Decrement	کاهش - نقصان - تنزل
Decimal	دهدی - اعشاری	Decuple	ده برابر - ده برابر کردن
Decimal approximations	تقریبات اعشاری	Dedekind cut	برش ددکیند
Decimal equivalent of a fraction	معادل اعشاری یک کسر متعارفی	Deduce	استنتاج کردن
Decimal expansion	بسط اعشاری	Deduction par analogie	استنتاج تمثیلی
Decimal fraction	کسر اعشاری	Deduct	کسر کردن - کم کردن - استنتاج کردن
Decimalize	اعشاری کردن	Deduction	استنتاج - قیاس - کسر - کاهش
Decimal logarithm	لگاریتم دهدهی - لگاریتم اعشاری	Deductive	استنتاجی - قیاسی
Decimal numbers	اعداد اعشاری	Deductive argument	استدلال قیاسی
Decimal place	مرتبه اعشاری	Deductive reasoning	استدلال قیاسی
Decimal point	ممیز	Deductive system	دستگاه استنتاجی - دستگاه قیاسی
Decimal representation	نمایش اعشاری	Deep	عمیق - ژرف
Decimal system	دستگاه دهدهی	Defect	عیب - نقص - معیوب ساختن
Decimeter	دسیمتر - یکدهم متر	Defective	معیوب - ناقص - ناتمام
Decipher	کشف رمز نمودن	Defective equation	معادله ناقص
Decision	تصمیم	Defective number	عددناتقص - عددی که صافی مجموع مقسوم علیه های خود نداشت
Decision making	تصمیم گیری	Deficient	ناقص
Decision theory	نظریه تصمیم گیری	Deficit	کسر درآمد - کسر بودجه
Deck	یک دست ورق	Define	تعریف کردن
Declination	تایل - مایل - شیب - انحراف	Defined	تعریف شده - معین
Decline	کاهش - تنزل - نقصان - سرازیر شدن شیب پیدا کردن - شیب دادن	Definite	معین - مشخص - معلوم - قطعی
Declivity	سرازیری - شیب	Definite description	توصیف رسا - توصیف مشخص
Decode	کشف رمز کردن - از حالت رمز خارج کردن	Definite integral	انستگوال معین
		Definiteness	تصریح - صراحت - تعیین
		Definite on an interval	معین روی یک فاصله

Definition	تعریف
Definition by abstraction	تعریف بوسیلهٔ تجرید
Definition by induction	تعریف بوسیلهٔ استقرا
Definition by recurrence	تعریف بزرگشتی - تعریف تراجمی
Definition of a function	تعریف یک تابع
Deflect	کج شدن - منحرف شدن - منحرف کردن
Deflection	انحراف - انحناء
Deflective	انحرافی
Deflector	منحرف کننده
Deflexed	منحرف شده
Deform	تغییر شکل دادن - بدشکل شدن
Deformation	تغییر شکل بحالت بدتر
Degenerate	منحط شدن - روبه زوال گذاشتن - منحط
Degenerate closed interval	فاصله بسته زوال یافته
Degenerate conic	مقطع مخروطی منحط
Degenerated	زوال یافته - منحط
Degree	رتبه - مرتبه - درجه
Degree of a curve	درجه یک منحنی
Degree of a differential equation	مرتبه یک معادله دیفرانسیل
Degree of an equation	درجه یک معادله
Degree of a polynomial	درجه یک چندجمله‌ای
Degree of contact	درجه تماس
Degree of freedom	درجه آزادی
Degree of generalization	درجه شمیم
Degree of the system	درجه دستگاه
Depression	نزول
Repressive	نزولی
Delta	دلتا
∇	دلتا - عامل ∇
$\vec{i} \frac{\partial}{\partial x} + \vec{j} \frac{\partial}{\partial y} + \vec{k} \frac{\partial}{\partial z}$	
Delta	دلتا - خیر - درنگ - به تاء خیر انداختن - درنگ کردن
Delete	حذف کردن
Deleted	حذف شده - محذوف
Deleted neighbourhood	همسایگی محذوف
Deletion	حذف
Delimit	محدود کردن - تعیین حدود

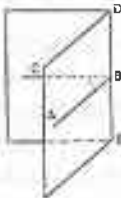
Delimitate	محدود کردن - تعیین حدود کردن
Delineate	ترسیم نمودن - نمایش دادن (با خطوط)
	توصیف کردن - مشخص کردن
Delineation	طرح - توصیف - تصویر - نمایش
Delineator	طراح - توصیف کننده - کیلومتر شمار مسابقی
Delta	حرف چهارم زبان یونانی - حرف Δ یا δ
Deltahedron	دوازده وجهی
Deltoid	دلتا مانند سه گوش
Deltoides	دلتا مانند سه گوش
Demand	تقاضا - درخواست - مطالبه - تقاضا کردن - مطالبه کردن -
Demarcate	محدود کردن
Deml	پیشوندی بمعنای "نیم" و "نصف"
Demography	مردم نگاری
Demoivre's formula	دستور دموآور
$[r(\cos\theta + i\sin\theta)]^n = r^n(\cos n\theta + i\sin n\theta)$	
Demoivre's theorem	قضیه دموآور
Demolition	انهدام - تخریب
Demonstration	اثبات - نمایش
De Morgan's formulas	دستورات دمورگان
De Morgan's laws	قوانین دمورگان
De Morgan's rules	قواعد دمورگان
De Morgan's theorems	قضایای دمورگان
Denial	خلف - رد
Denial of the antecedent	رد مقدم (در منطق)
Denominator	مخرج کسر
Denote	نشان دادن - نمایش دادن - علامت گذاری
Dense	چگال
Dense subset	زیر مجموعه چگال
Density	چگالی
Density function	تابع چگالی
Density property	خاصیت چگالی
Denticulate	دنداندار - کنگره دار - مغزس
Denumerable	قابل شمارش - شمارا - شمارش پذیر
Denumerable set	مجموعه شمارا - مجموعه شمارش پذیر
	مجموعه قابل شمارش
Department	حوزه - بخش

Depend	وابسته بودن - بستگی داشتن - مربوط بودن
Dependence	بستگی - ارتباط
Dependency	بستگی - ارتباط
Dependent	وابسته - مربوط
Dependent differentiation	مشتق گیری وابسته
Dependent equations	معادلات وابسته
Dependent functions	توابع وابسته
Dependent on	مربوط به - وابسته به
Dependent variable	متغیر وابسته
Depict	نقش کردن - رسم کردن
Depreciable	کم بها شدنی - مستهلک شدنی
Depreciate	کم بها کردن - مستهلک کردن
Depreciation	کاهش بها - استهلاک
Depressed	تنزل یافته
Depressed equation	معادله تنزل یافته
Depression	تنزل - رکورد (اقتصادی)
Depth	عمق - ژرفا
Derange	به هم زدن ترتیب - بهم زدن
Derangement	درهم ریختگی - بی ترتیبی
Derivable	قابل اشتقاق
Derivation	مشتق گیری - اشتقاق
Derivative	مشتق
Derivative of a complex function	مشتق یک تابع مختلط
Derivative of a real function	مشتق یک تابع حقیقی
Derivative of a vector valued function	مشتق یک تابع برداری
Derivative set	مجموعه مشتق
Derive	بدست آوردن استخراج کردن
Derived	مشتق شده - بدست آمده - استخراج شده
Descartes' rule of signs	قانون علامت دکارت
Descend	نزول کردن - کاهش یافتن
Descendable	قابل نزول - قابل کاهش
Descending	نزولی - کاهش
Descending order	ترتیب نزولی - ترتیب کاهش
Descent	نزول - سقوط - هیبوط
Describe	توصیف کردن

Described	توصیف شده - موصوف - وصف شده
Description	توصیف - وصف
Description of a set	توصیف یک مجموعه
Descriptive	تربصی - توصیفی
Descriptive geometry	هندسه تربصی
Design	طرح - رسم - طرح کردن - رسم کردن
Designate	مشخص کردن - تخریص دادن - نشان دادن - نمایش دادن
Designer	طراح
Designing	طرح ریزی
Desire	تمایل - تمایل داشتن
Detachable part	قطعه قابل انفصال
Detached	منفصل - جدا
Detail drawing	رسم تفصیلی (در ماشین آلات)
Detailed	مُفصل
Details	جزئیات - تفصیل
Determinant	دترمینان
Determinant of a matrix	دترمینان یک ماتریس
Determinant of a system of linear equations	دترمینان یک دستگاه معادلات خطی
Determinant of a linear transformation	دترمینان یک تبدیل خطی
Determinate	معین - مشخص - تعیین حدود کردن
Determine	مشخص کردن - معین کردن - تعیین کردن
Deterministic	معین - قطعی
Deterministic system	دستگاه معین
Detract	کم کردن - کاستن
Detraction	کاهش
Detractive	کاهش دهنده
Develop	توسعه دادن - گسترده - بسط دادن
Developable	گسترش پذیر - قابل بسط - قابل توسعه
Developable surface	سطح گسترش پذیر
Development	بسط - توسعه - گسترش
Deviabile	انحراف پذیر - قابل انحراف
Deviate	منحرف شدن - انحراف ورزیدن
Deviation	انحراف
Deviation angle	زاویه انحراف
Device	وسيله - اسباب - دستگاه

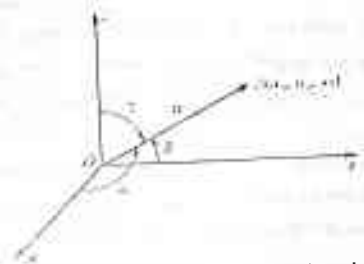
Devisor	بخشیا ب - مقسوم علیه	Difference of sets	تفاضل مجموعه ها
Devote	تخصیص دادن - وقف کردن	Difference of zero	تفاضل صفر
Diagonal	قطر - قطری - مورب	Difference operator	عامل تفاضل
Diagonal matrix	ماتریس قطری	Difference property	خاصیت تفاضل
Diagonal of a polygon	قطریک چندضلعی	Difference quotient	خارج قسمت تفاضلی
Diagonal of a polyhedron	قطریک چندوجهی	Different	مختلف - متفاوت
Diagonalizable	قطری پذیر - قطری شدنی	Differentiable	مشق پذیر - دیفرانسیل پذیر
Diagonalizable linear transformation	تبدیل خطی قطری شدنی	Differentiable function	تابع دیفرانسیل پذیر
Diagonalizable matrix	ماتریس قطری شدنی	Differential	دیفرانسیل - قاضله
Diagonalization	قطری کردن - قطری ساختن	Differential calculus	حساب دیفرانسیل - حساب قاضله
Diagonalize	قطری کردن	Differential coefficient	ضریب دیفرانسیل
Diagram	نمودار - دیاگرام	Differential element	عنصر دیفرانسیل - عنصر بینهایت کوچک
Diagrammatic	نموداری - نمایی	Differential equation	معادله دیفرانسیل
Diagrammatically	بطور نموداری - بطور نمایی	Differential Form	صورت دیفرانسیل - فرم دیفرانسیل
Die	صفحه - مدرج - صفحه - ساعت - شماره گرفتن	Differential geometry	هندسه دیفرانسیل
Diameter	قطر	Differential invariants	پایبای های دیفرانسیل
Diametral	واقع در طول قطر - وابسته به قطر	Differential (the total differential) of a function of several variables	دیفرانسیل (کامل) یک تابع چندمتغیره
Diametrical	متقاطع - قطری	Differential operator	عامل دیفرانسیل
Diametrically	درجهت قطر - در طول قطر	Differential quotient	خارج قسمت دیفرانسیلی
	کا ملا - شیدا "	Differentiate	دیفرانسیل گرفتن - مشتق گرفتن
Diametrically opposite	قطرا "متقابل	Differentiation	دیفرانسیل گیری - مشتق گیری
Diamond	الفا س - لوزی	Differentiation of an integral	دیفرانسیل گیری از یک انتگرال
Dice	تاس	Differentiation of a sequence	دیفرانسیل گیری از یک دنباله
Dichotomy	انشاب به دو شعبه - تقسیم به دو بخش - طبقه بندی به دودسته	Differentiation operator	عامل دیفرانسیل گیری
Dictionary order topology	توپولوژی ترتیب قاموسی	Different numbers	اعداد متفاوت
Dido's problem	مسئله دیدو - مسئله یافتن یک منحنی بسته با محیط ثابت و حداکثر مساحت ممکن که جواب این مسئله یک دایره می باشد .	Diffract	پراشیدن - به اجزاء تقسیم شدن
Die	تاسها (جمع Dice)	Diffract	دیفراکسیون - پراش - انکسار
Differ	اختلاف داشتن	Diffraction	افشا شدن - منتشر کردن - پخش کردن
Difference	اختلاف - تفاضل - تفاوت	Diffuse	پخش - انتشار - دیفیوژن
Divided differences	تفاضل های تقسیم شده (در آنالیز عددی)	Diffusion process	مرحله انتشار - فرآیند پراش
Difference module	مدول تفاضل	Digest	هضم کردن - خلاصه کردن - خلاصه اطلاعات
Difference of ordinals	تفاضل اعداد ترتیبی	Digit	رقم
Difference of relations	تفاضل روابط	Digital	رقمی

Digital computer رایانهٔ رقمی - شمارگر
 رقمی - حسابگر رقمی
 Dihedral دووجهی - فرجه
 Dihedral angle زاویهٔ مسطحهٔ فرجه



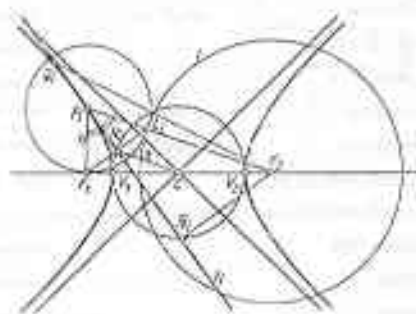
Dihedral group گروه دو وجهی
 Dihedron فرجه - زاویهٔ دووجهی
 Dilatation انبساط - گسترش (اشکال هندسی)
 Dilute رقیق کردن - رقیق
 Dilution ترقیق
 Dilution problem مسئلهٔ ترقیق
 Dimension بعد - اندازه
 Dimensional ابعادی - اندازه‌ای
 Dimensional analysis تحلیل ابعادی -
 تحلیل کمیتهای فیزیکی بر حسب ابعاد اصلی
 Dimensionality بعدیت - کیفیت داشتن بعد
 Dimensionless بی بعد - فاقد بعد
 Dimensionless number عددی بعد - عدد مطلق
 Dimensions of a rectangular figure ابعاد یک شکل راست گوشه
 Dimension theory نظریهٔ ابعاد
 Diminish کم کردن - کاستن - کم جلوه دادن
 Diminution کاهش - تقلیل
 Dini's theorem on Fourier series قضیهٔ دینی در مورد سلسله‌های فوریه
 Dini's theorem on uniform convergence قضیهٔ دینی در مورد همگرایی یک‌نواخت
 Dini test آزمون دینی
 Diophantine دیوفانتی - دیوفانتوسی
 Diophantine analysis آنالیز دیوفانتوسی -
 تحلیل دیوفانتوسی
 Diophantine approximations تقریبات دیوفانتوسی

Diophantine equations معادلات دیوفانتوسی -
 معادلات چند جمله‌ای با مجهولات صحیح
 Dipole دوقطبی - دپل
 Direct درست - مستقیم - سراسر -
 راسته - هدایت کردن - جهت دادن
 Direct image تصویر مستقیم
 Direct product حاصلضرب مستقیم -
 حاصلضرب دکارتی
 Direct product of two sets حاصلضرب مستقیم (دکارتی) دو مجموعه
 Direct product of two vectors حاصلضرب مستقیم دو بردار - حاصلضرب اسکالر دو بردار
 Direct proportion تناسب مستقیم
 Direct sense جهت مستقیم - جهت مخالف
 حرکت عقربه‌های ساعت - جهت منگشتی
 Direct sum حاصل جمع مستقیم
 Direct trigonometric functions توابع
 مثلثاتی مستقیم
 Direct variation ویردش مستقیم
 Directed جهت دار
 Directed angle زاویهٔ جهت دار
 Directed distance فاصلهٔ جهت دار
 $\overline{AB} = b - a$
 Directed line خط جهت دار
 Directed line segment پاره خط جهت دار
 Directedness جهت دار بودن
 Direction جهت - سو - امتداد - راستا
 Direction angle زاویهٔ امتداد

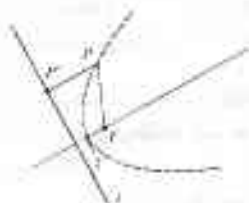


Direction cosines کسینوسهای هادی
 Direction components of the normal to a surface مؤلفه‌های راستای خط قائم بر یک سطح

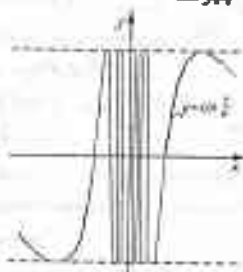
Direction field	میدان راستا
Direction numbers (or ratios)	اعداد (یا نسبت‌های) هادی
Direction of the asymptote	راستای (خط) مجانب
Direction parameter	پارامتر هادی
Direction ratios	نسبت‌های هادی
Direction vector	بردار هادی - بردار راستای خط
Directional	جهت دار - سوئی
Directional derivative	مشتق سوئی - مشتق جهت دار
Directivity	استقامت - راستا
Directly	مستقیماً - "فورا" - بلافاصله
Directly induced topology	توپولوژی مستقیماً "القاء" شده
Directly proportional	مستقیماً "متناسب"
Directly similar	مستقیماً "متشابه"
Directness	مستقیم بودن
Director	هدایت کننده - هادی
Director circle	دایره هادی
Director circle of a hyperbola	دایره هادی هذلولی



خط هادی
خط هادی سهمی



Dirichlet integral	انتهگرال دیریکله
Dirichlet kernel	هسته دیریکله
Dirichlet product	حاصلرب دیریکله
Dirichlet series	سلسله دیریکله
Dirichlet's test	آزمون دیر
Dirichlet's test for convergence of series	آزمون دیریکله برای همگرایی سلسله‌ها
Dirichlet's test for uniform convergence of series	آزمون دیریکله برای همگرایی یکنواخت سلسله‌ها
Disc	قرص - گرده - صفحه مذور
Disc of convergence	قرص همگرایی - گرده همگرایی
Disconnected	نا مرتبط - نا همبند - گسته
Disconnected metric space	فضای متریک گسته - فضای متریک نا همبند - فضای متریک نا مرتبط
Disconnected set	مجموعه نا مرتبط - مجموعه نا همبند - مجموعه گسته
Discontinuity	انفصال - عدم پیوستگی - نا پیوستگی
Discontinuous	منفصل - نا پیوسته - گسته
Discontinuous function	تابع منفصل - تابع نا پیوسته
Discontinuous oscillatory function	تابع نوسانی نا پیوسته

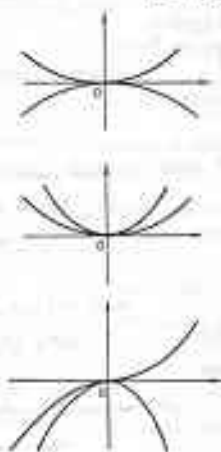


Discount	تخفیف - تنزیل - برأت را تنزیل کردن تخفیف دادن
Discount factor	عامل تخفیف - عامل تنزیل
Discount rate	نرخ تنزیل
Discounting	تخفیف - تنزیل
Discrepancy	اختلاف - تفاوت

Discrete	گسته - جدا - مجزا - جدا کردن - مجرا کردن	Disjointed	از هم جدا شده
Discrete deterministic process	فرایند قطعی گسته	Disjunction	ترکیب فعلی
Discrete distance	فاصله - مجزا - فاصله گسته	Disjunctive	فعلی
Discrete distribution	توزیع جدا - توزیع مجزا - توزیع گسته	Disjunctive composition	ترکیب فعلی
Discrete metric space	فضای متریک مجزا - فضای متریک گسته	Disjunctive normal form	صورت متعارف فعلی
Discrete moments	لحظات مجزا - لحظه های گسته	Disk	قرص - گرده
Discrete probability function	تابع احتمالی مجزا - تابع احتمالی گسته	Disk of convergence	قرص همگرایی
Discrete random variable	متغیر تصادفی مجزا - متغیر تصادفی گسته	Dislocation	جابجایی
Discrete set	مجموعه مجزا - مجموعه گسته	Dismember	جدا کردن - تجزیه کردن - بریدن اندام
Discrete space	فضای گسته	Dispersion	پراکندگی - انتشار - تجزیه نور
Discrete topology	توپولوژی گسته	Displacement	تغییر مکان
Discrete variable	متغیر جدا - متغیر منفصل - متغیر گسته	Displacement vector	بردار تغییر مکان
Discriminant	مبین	Display	نمایش دادن - آنکار کردن
Discriminant of a polynomial equation	مبین یک معادله چند جمله ای	Disproof	رد - ابطال
Discriminant of a quadratic equation	مبین معادله درجه دوم $ax^2+bx+c=0$ $\Delta=b^2-4ac$ عبارة تست از	Disproportion	بی تناسبی - بی تناسب کردن
Discuss	بحث کردن - مطرح کردن	Disproportionate	بی تناسب - بی تناسب کردن
Discussion	بحث - مذاکره	Disproportionately	نامتناسباً
Disequilibrium	عدم تعادل	Disproportionateness	بی تناسبی
Dishod	مقبره - گود	Dissimilar	نامتشابه
Disjoin	جدا کردن - جدا شدن	Dissipation	پراکندگی - اتلاف
Disjoined	جدا شده - مجزا	Dissipation of energy	اتلاف انرژی
Disjoint	از هم جدا	Dissociate	تفکیک کردن - جدا کردن
Disjoint cycles	حلقه های از هم جدا - حلقه های $(a_1 a_2 \dots a_n)$ و $(b_1 b_2 \dots b_n)$ را از هم $\forall i, j, a_i \neq b_j$ جدا گویند و قتیکه	Dissociation	تفکیک
Disjoint sets	مجموعه های از هم جدا - مجموعه های A و B از هم جدا هستند در صورتیکه $A \cap B = \phi$	Dissymmetric	نامتقارن
		Dissymmetry	نامتقارنی - عدم تقارن
		Distance	فاصله - مسافت - دوری
		Distance function	تابع فاصله
		Distance relations	روابط متری - روابط طولی
		Distance set	مجموعه فاصله
		Distant	فاصله دار - دور
		Distinct	متمايز - مجزا
		Distinct roots	ریشه های متمایز
		Distinction	تشخیص - فرق - امتیاز
		Distinguish	تمیز دادن - سازشناختن - فرق گذاشتن
		Distinguished	ممتاز - متمنخ
		Distort	از شکل انداختن - تغییر شکل دادن - منح
		Distortion	تغییر شکل - تحریف

Distributable	بخش پذیر - قابل بخش - قابل توزیع	Diverse	گوناگون - مختلف
Distribute	توزیع کردن - بخش کردن	Diverse ingredient	اجزاء مختلف
Distribution	بخش - توزیع	Divisibility	قابلیت تقسیم - بخش پذیری
Distribution curve	منحنی توزیع (درآمار و احتمالات)	Divisible	بخش پذیر - قابل قسمت
Distribution function	تابع توزیع	Division	قسمت - تقسیم - بخش
Distribution of primes	توزیع اعداد اول	Division algebra	جبر تقسیم
Distributional	بخشی - توزیعی	Divisional	تقسیمی
Distributive	توزیعی - بخشی	Division ring	حلقه تقسیم
Distributive law	قانون توزیعی - قانون بخش پذیری	Divisor	مقسوم علیه
Distributive properties of set operations	خواص توزیعی اعمال مجموعه‌ای	Divisor of zero	عادلکننده صفر - تقسیم کننده صفر - مقسوم علیه صفر
Distributive property	خاصیت توزیعی - خاصیت بخش پذیری	Divisor value	مقدار مقسوم علیه
Distributivity	توزیع پذیری	Dodeca	دوازده
Disturbance	اختلال	Dodecagon	دوازده ضلعی - دوازده گوشه
Divalent	دو ظرفیتی	Dodecahedral	مربوط به دوازده وجهی
Diverge	واگرا بودن - متباعد شدن	Dodecahedron	دوازده وجهی
Divergence	واگرایی - متباعد - دیورژانس	Dogmatic	جزمی - کوتاه فکر - متعصب - قاطع
Divergence of a vector field	دیورژانس	Domain	دامنه - قلمرو - محیط
	یک میدان برداری - اگر:	Domain of a mapping	دامنه یک نگاشت
	$\vec{a} = u(x, y, z)\vec{i} + v(x, y, z)\vec{j} + w(x, y, z)\vec{k}$	Domain of definition	دامنه تعریف
	$\text{div } \vec{a} = \frac{\partial u}{\partial x} + \frac{\partial v}{\partial y} + \frac{\partial w}{\partial z}$	Domain of a function	دامنه یک تابع
		Domain of Gaussian integers	دامنه اعداد صحیح گوسی - مجموعه تمام اعداد مختلط که مولفه‌های آنها صحیح هستند.
Divergence theorem	قضیه دیورژانس	Domain of quantification	دامنه سوریگری
Divergent	متباعد - واگرا	Domain of a relation	دامنه یک رابطه
Divergent product	حاصلضرب واگرا - حاصلضرب متباعد	Domain of a variable	دامنه یک متغیر
Divergent sequence	دنباله واگرا - رشته متباعد	Domain set	مجموعه قلمرو
Divergent series	سلسله متباعد	Dominant	مسلط - غالب - مشرف مسئولی
Diverging to zero	واگرابه صفر	Dominant vector	بردار غالب - بردار مسلط
Diverging	واگرا	Dominated	مستولی - غالب
Dividable	قابل تقسیم	Dominated convergence	همگرایی مستولی
Divide	بخش کردن - عادل کردن - تقسیم کردن	Dot	نقطه گذاردن - نقطه - خال
Divided	منقسم - تقسیم شده - مقسوم	Dot product	حاصلضرب داخلی - حاصلضرب نقطه‌ای
Dividend	سودسها م	Dotted	نقطه چین
Divider	تقسیم کننده - بخش کننده	Double	دو برابر - دوبرابر کردن - مضاعف - دوگانه - دوبرابر
		Double concave	دوگانه و مقعرالطرفین

Double connectivity	ارتباط مضاعف - همبندی مضاعف
Double convex	دوگوز - محدب الطرفين
Double coset	همدسته مضاعف - همدسته دو طرفه
Double cusp	نقطه با زنگت مضاعف

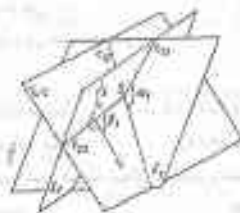


Double integral	انتهگرال دوگانه
Double limit	عدمضاعف
Double periodicity	تناوب مضاعف
Double pyramid	هرم مضاعف
Double precision	دقت مضاعف
Double prime	علامت ثانیه - علامت اینچ - علامت (")
Double product	حاصلضرب مضاعف
Double restriction	تحدید مضاعف
Double root	ریشه مضاعف
Double sequence	دنباله مضاعف - رشته مضاعف
Double series	سلسله مضاعف
Double sum	حاصلجمع مضاعف
Double-valued function	تابع دومقداری
Doublet	جفتی - زوج
Doubly	مضاعفا - بطوردوگانه
Doubly periodic function	تابع دوتناوبی
Downward	بطرف پایین
Downward concavity	تقعر به طرف پایین
Dozen	دوجین

Draft	حواله - برات - ترسیم کردن - نقشه کشیدن
Drafting	نقشه‌کشی - ترسیم
Draftsman	طراح - نقشه‌کش - رسام
Draftsmanship	نقشه‌کشی
Dram	درم - واحد وزن معادل $\frac{1}{16}$ اونس ویا $\frac{1}{27}$ گرم
Draw	فرعه‌کشی - رسم کردن - کشیدن - بیرون کشیدن
Draw a conclusion	نتیجه گرفتن
Draw out	استخراج کردن - بیرون کشیدن
Drawing	ترسیم - طراحی - طرح
Drawing board	تخته رسم
Drawing-paper	کاغذ رسم
Drawing-pin	پونز
Drop	قطره - افتادن - تنزل - کاهش یافتن - فرود آمدن
Dropped	تنزل یافته - کاهش یافته
Dual	دوگان
Dual basis	پایه دوگان
Dual space	فضای دوگان
Duality	دوگانگی - دوتوانگی - دوتوانیت
Ductile	شکل پذیر
Due	بدهی - طلب - حق
Due to	ناشی از
Due to the continuity of function	نظریه پیوستگی تابع
Dummy	مجازی
Dummy index	اندیس مجازی - پانویس مجازی
Dummy variable	متغیر مجازی
Duo	دو - زوج
Duodecimal system	دستگاه شمار دوازده
Duodecimal numeration system	روش شماره گذاری دوازدهی
Duodecimal scale	مقیاس دوازدهی
Duplicate	المثنی - دوتنسخه‌ای
Duplication	نسخه‌برداری - تکرار
Duplication formula for gamma function	فرمول دو برابر سازی برای تابع گاما

Duplication of the cube	تضعیف مکعب - مسئله ساختن مکعبی با دوبرابر حجم مکعب مفروض
Duration	استمرار - دوام
Dyad	زوج - جفت
Dyadic	ثنائتی - دوتائی
Dyadic system	دستگاه دوتائی - دستگاه شماردربینای دو
Dynamic	پویا
Dynamic optimization	بهینه سازی پویا
Dynamic programming	برنامه ریزی پویا
Dynamics	علم القوا - علم دینامیک - نیروشناسی
Dynamic system	دستگاه پویا
Dyne	دین (واحد نیرو در دستگاه C.G.S)

Economist	اقتصاددان
Economy	اقتصاد
Edge	کنار - لبه - نش
Edge-angle	زاویه یالی - زاویه بین هر دو یال حاصل از تقاطع سه صفحهء موازی بر یک نقطه



E

E	پنجمین حرف الفبای انگلیسی
E	اقتصادی برای انرژی
$E=e \frac{1}{n}$	عددی است اصم که به عددنبر مشهور بوده و عبارت است از عددنباله $(1 + \frac{1}{n})$ وقتی که $n \rightarrow \infty$ این عدد سنای لگاریتم طبیعی اعداد بوده، مقدار آن تقریباً "برابر با ۲/۷۱۸۲ میباید."
Earth	زمین
Eccentric	خارج از مرکز - مختلف مرکز
Eccentricity	خروج از مرکز (در مقاطع مخروطی)
Echelon	پله مانند
Echelon form	پیلکانی شکل
Echo	متعکس شدن - انعکاس صوت - پژواک
Eclipse	کسوف و خسوف - گرفتگی
Eclipse of the moon	ماه گرفتگی - خسوف
Eclipse of the sun	خورشید گرفتگی - کسوف
Ecliptic	خسوفی و کسوفی
Econometrics	اقتصادسنجی
Economic (al)	اقتصادی
Economically	از لحاظ اقتصادی
Economics	علم اقتصاد

Edit	ویراستن - تنظیم کردن
Edition	ویرایش
Educe	استنتاج کردن - استخراج کردن - استنباط کردن
Effect	اثر - اثر کردن
Effective	مؤثر
Effective address	نشانی مؤثر
Effective cross section	سطح مقطع مؤثر
Effective force	نیروی مؤثر
Effective time	زمان مؤثر
Efficiency	کارایی
Efficient	مؤثر - کارآمد
E.g.	برای مثال - مثلاً - علامت اختصاری <i>exempli gratia</i> در زبان لاتین
Eigenfrequency	بسامد ویژه
Eigenfunction	تابع ویژه - تابع خاص - تابع مشخصه
Eigenspace	فضای ویژه
Eigenstate	حالت ویژه
Eigenvalue	مقدار خاص - مقدار ویژه
Eigenvector	بردار خاص - بردار ویژه
Eight	هشت
Eighteen	هیجده
Eighteenth	هیجدهم - هجدهمین - یک هیجدهم
Eighth	هشتم - هشتمین - یک هشتم
Eightieth	یک هشتادم - هشتادمین
Eighty	هشتاد

Either	هر کدام - هریک
Eject	پس زدن - بیرون راندن - دفع کردن
Ejection	اخراج - دفع
Elapsed time	مدت زمان سپری شده
Elastic	کشدار - قابل ارتجاع
Elastic force	نیروی کشان
Elasticity	کشسانی - قابلیت ارتجاع
Elastic spring	فنر قابل ارتجاع
Elect	انتخاب کردن - منصوب کردن
Electric	کهربائی - برقی
Electrical condenser	خازن الکتریکی
Electric charge	بار الکتریکی
Electric intensity	شدت میدان الکتریکی
Electricity	الکتریسیته
Electric typewriter	ماشین تحریر الکتریکی
Electromagnetic	وابسته به نیروی مغناطیسی - برق کاهنر بایی
Electromotive force	نیروی محرکه الکتریکی
Electronic computer	رایانه الکترونیکی - حسابگر الکترونیکی
Electrostatic	الکتریسیته ساکن
Element	المان - عنصر - عضو - جزء بسیار کوچکی که برای انتگرال گیری بکار میرود.
Elemental	اصلی - بسط
Elementary	ابتدائی - مقدماتی - جزئی
Elementary algebra	جبر مقدماتی
Elementary analysis	آنالیز مقدماتی
Elementary diffusion equation	معادله مقدماتی پخش - معادله مقدماتی انتشار
Elementary function	تابع مقدماتی
Elementary matrix	ماتریس مقدماتی
Elementary row operations	عملیات سطری مقدماتی
Elementary symmetric functions	توابع متقارن مقدماتی
Elementary transformation	تبدیل مقدماتی
Elementary units	واحدهای مقدماتی
Elementary waves	امواج مقدماتی

عنصر یک مجموعه - هریک از
عنصر یک مجموعه
عنصر طول قوس -
عنصر طول قوس یک منحنی تخت $y=f(x)$ از رابطه:
 $ds = \sqrt{dx^2 + dy^2} = \sqrt{1 + [f'(x)]^2} dx$
بدست می آید



Element of integration	جزء انتگرال
Elements	مبانی - اجزاء
Elements of a matrix	اجزاء ماتریس - عناصر ماتریس - درایه های ماتریس
Elements of a triangle	اجزاء مثلث
Elements of geometry	مبانی هندسه
Elevation	ارتفاع - فراز
Elevation of a given point	فراز یک نقطه مفروض
Elide	حذف
Eliminate	حذف کردن - رفع نمودن
Elimination	حذف
Elimination method	روش حذف
Elimination of an unknown	حذف یک مجهول
Elimination process	فراآیند حذف
Ellipse	بیضی - نخم مرئی شکل
Ellipsis	حذف - انداختگی - انداختن لغات
Ellipsoid	بیضی گون - بیضی وار - بیضوی
Ellipsoid of revolution	بیضوی دوار
Ellipsoidal	شبه بیضی
Ellipsoidal coordinates	مختصات بیضوی
Elliptic	مربوط به بیضی
Elliptical cylinder	استوانه بیضوی
Elliptic cone	مخروط بیضوی
Elliptic function	تابع بیضوی
Elliptical geometry	هندسه بیضی - نوعی هندسه غیر اقلیدسی

Elliptic integral	انتگرال بیضوی	Endomorphism of rings	اندومورفیسم حلقه - درونسانی حلقه
Elliptical	مربوط به بیضی	Energy	انرژی
Elliptically	به شکل بیضی	Engineer	مهندس
Ellipticity	نسبت تفاضل دونیم قطری بیضی به قطر طول آن	Engineering	مهندسی
Elongation	ازدیا طول - تطویل	Enlarge	بزرگ کردن - گسترش دادن
Emanate	ناشی شدن - بیرون آمدن - سرچشمه گرفتن - جاری شدن	Ennead	یک دسته نه تایی
Embed	محاظ کردن - نشان دادن - خواباندن	Entire	کامل - تمام - تام - بکپا رچه
Embedded	محاظ شده - نشانده	Entire complex plane	صفحه مختلط کامل
Eminence	بلندی - برجستگی - تعالی	Entire function	تابع تام - تابع تمام - تابع کامل
Emission	نشر - انتشار	Entirely	بطور کامل - تماما - بکلی
Emitter	انتشار دهنده	Entity	نهاد - ذات - جوهر - وجود
Empirical	تجربی - آزمایشی	Entries	اجزاء - درایه ها - عناصر
Empirical curve	منحنی تجربی	Entries of a matrix	عناصر ماتریسی
Empirical formula	فرمول تجربی	Entropy	آنتروپی - کهنوت
Empty	خالی - تهی	Entry	درایه - هریک از اقلامی که در جدولی (مثلا: دریک ماتریس یا یک آرایه) یا در دفتری وارد شده.
Empty relation	رابطه تهی	Enumerable	شمارا - شمارش پذیر - قابل شمارش - شمردنی
Empty set	مجموعه تهی	Enumerate	شمردن - شماره گذاری کردن - برشمردن - بیک نام بردن
Empty space	فضای تهی - فضای بوج	Enumeration	شمارش
Emulsion	شیرابه - تطبیق جسمی بصورت ذرات ریزوپا بدار در محلولی	Enumerative	شمارشی
Encircle	احاطه کردن - دورزدن	Envelope	پوش - پوشش - لفاف - پیچیدن
Enclose	محصور کردن - درجوف قرار دادن - داخل پراکنش گذاشتن	Envelope of a one-parameter family of curves	پوش دسته ای از منحنی های یک پارامتری
Enclosed	محصور شده	Envelope of a one-parameter family of surfaces	پوش دسته ای از سطوح یک پارامتری
Encompass	شامل بودن - احاطه کردن	Environment	محیط - دوروبر
End	انتها - پایان - آخر	Environmental	محیطی
Ended	مختوم - پایان یافته	Epicyle	دایره ای که مرکزش روی محیط دایره بزرگتری باشد و در مدار آن حرکت کند.
Endless	بی انتها - لایتناهی - بی پایان	Epicycloid	ایپسیکلوسید - برون چرخا د - مکان هندسی نقطه ای واقع بر محیط دایره مفروض که متکی به دایره ای دیگر، در خارج آن می غلظد.
Endlessness	بی انتهای - بی پایانی	Epitrochoid	اپی تروکوئید - مکان هندسی نقطه ای برای متداشعاع دایره مفروض که متکی به دایره ای دیگر، در خارج آن می غلظد.
Endlong	ازدرازا - از طول		
Endo	درونی		
End point	نقطه پایان		
End use	کاربرد		
Endomorphism	اندومورفیسم - درونسانی		
Endomorphism of fields	اندومورفیسم هیئت - درونسانی هیئت		
Endomorphism of groups	اندومورفیسم گروه - درونسانی گروه		

Epitrochoidal curve	منحنی اپی تروکوئیدی
Epsilon(ϵ)	حرف بیجم الفباء یونانی - اپسیلون
Epsilon-chain	زنجیر اپسیلون
Equal	مساوی بودن - برابر - معادل - مساوی - مساوی
Equality	تساوی - برابری
Equality of functions	تساوی توابع
Equality of ordered pairs	تساوی زوجهای مرتب
Equality of sets	تساوی مجموعه‌ها
Equality of two complex numbers	تساوی دو عدد مختلط
Equality of vectors	همسنگی بردارها
Equalize	برابری کردن - مساوی کردن - یکسان کردن
Equalization	تسویه - برابری
Equally	متساویا - بطور مساوی - به تساوی
Equally likely events	پیش‌آمدهای متساوی الاحتمال
Equal sets	مجموعه‌های برابر
Equal vectors	بردارهای همسنگ - بردارهای مساوی
Equate	مساوی فرض کردن - مساوی کردن - برابر کردن - معادل کردن - معادل قرار دادن
Equation	معادله
Equational	معادله‌ای - تعدیلی
Equation of equinoxes	معادله اعتدالین
Equation of harmonic oscillator	معادله نوسانگر همساز
Equation of motion	معادله حرکت
Equator	خط استوا - دایره استوا
Equatorial	استوائی
Equator of an ellipsoid of revolution	دایره عظیمه بیضوی دوار
Equi	پیشوندی به معنی هم یا مساوی
Equiangular	مساوی الزویه
Equiangular polygon	چندضلعی متساوی الزویا
Equiangular spiral	مارپیچ هم زاویه - مارپیچ متساوی الزویا

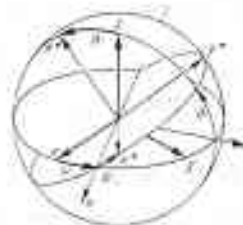
Equiangular triangle	مثلث متساوی الزویا
Equidistant	متساوی الفاصله - هم فاصله - متساوی البعد
Equilateral	متساوی الاضلاع
Equilateral hyperbola	هذلولی متساوی لسانین



Equilateral polygon	چند ضلعی متساوی الاضلاع
Equilateral spherical polygon	چند ضلعی منتظم کروی
Equilateral triangle	مثلث متساوی الاضلاع
Equilibrium	تعادل - موازنه
Equinox	اعتدال شب و روز (زمانی که طول روز و شب با هم مساوی باشند)
Equinumerous	همعدد
Equinumerous sets	مجموعه‌های همعدد
Equipment	تجهیزات - ساز و برگ - ابزار
Equipment compatibility	هماهنگی تجهیزات
Equipment failure	خرابی تجهیزات
Equipollent	هم قوه - هم نیرو - هم ارزش - هم معنی
Equipotency	هم توانی - هم قوه‌ای
Equipotent	هم توان - هم قوه
Equipotent sets	مجموعه‌های هم توان
Equipotential	هم ظرف - هم قوت - هم پتانسیل
Equipotential lines	خطوط هم پتانسیل
Equipotential surface	سطح هم پتانسیل
Equitable	عادلتانه - متمف
Equivalence	هم ارزی - هم ارزشی
Equivalence class	دسته هم ارزی - کلاس هم ارزی
Equivalence of paths	معادل بودن مسیرها
Equivalence relation	رابطه هم ارزی
Equivalent	هم ارز - هم ارزش - معادل

Equivalent equations (inequalities)	معادلات (نا مساوات) هم ارز
Equivalent figures	اشکال معادل
Equivalent fractions	کسرهاى معادل
Equivalent matrices	ماتریسهای هم ارز
Equivalent representation	نمایش معادل
Equivalent sets	مجموعه‌های هم ارز
Equivalent solids	اجسام معادل
Equivalently	معادلاً - بطور هم ارز
Equivocal	مبهم - دارای دو معنی - دویلهو
Erasable	پاک‌شدنی
Eraser	مدا دیاک‌کن
Ergodic	ارگودیک
Ergodic chains	زنجیره‌های ارگودیک
Ergodic source	منبع ارگودیک
Erratic	اشتباه آمیز - مللوظ - ناسازگار
Erroneous	نادرست - نامعقول
Error	خطا
Error function	تابع خطا
Error range	محدوده خطا - بردخطا
Error rate	نرخ خطا - میزان خطا
Error term	جمله نما بنده خطا - جمله خطا
Error theorem	قضیه خطا
Escribe	از خارج محاط کردن
Escribed	محاطی خارجی
Escribed circle	دایره محاطی خارجی
Escribed circle of a triangle	دایره محاطی خارجی مثلث
Essence	گوهر - هستی - وجود - اساس
Essential	اساسی - ضروری - اصلی - گوهری
Essential isolated singularity	نقطه منفرد مجزای اصلی
Essentially	ضرورتاً - اساساً - ذاتاً
Essentially indirect proof	استدلال ذاتاً غیر مستقیم
Essential singularity (singular point)	نقطه استثنائی اصلی
Establish	برقرار کردن - ثابت کردن - استدلال کردن - استوار کردن

Estimate	ارزیابی کردن - برآورد - تخمین - ارزیابی
Estimation	برآورد - تخمین - تقریب
Estimator	برآوردکننده
Etalon	معیار اوزان و اندازه‌ها
Eternal	جاودان - جاودانی
Etc (et cetera)	و غیره - الی آخر
Euclidean	اقلیدسی
Euclidean construction	ترسیم اقلیدسی
Euclidean algorithm	دستورالعمل اقلیدسی (تقسیم نردبانی) - روشی برای یافتن بزرگترین مقسوم علیه مشترک دو عدد
Euclidean distance	فاصله اقلیدسی
Euclidean geometry	هندسه اقلیدسی
Euclidean line	خط اقلیدسی
Euclidean metric	متریک اقلیدسی
Euclidean plane	صفحه اقلیدسی
Euclidean space	فضای اقلیدسی
Euclidean sphere	کره اقلیدسی
Euclidean vector space	فضای برداری اقلیدسی
Euclid's axioms	اصول اقلیدسی
Euclid's lemma	لم اقلیدس
Euclid's line	خط اقلیدسی
Euclid's plane	صفحه اقلیدسی
Euler angles	زوایای اویلر



Euler characteristic	مشخصه اویلر
Euler diagram	نمودار اویلر
Euler's equation	معادله اویلر

Euler's constant	ساخت اویلر - که عبارتست از حد دنباله :	Evidence	وضوح - صراحت - آشکاری
$C_n = 1 + \frac{1}{2} + \dots + \frac{1}{n} - \ln n$		Evident	واضح - صریح - آشکار
وقتی که $n \rightarrow \infty$ مقدار آن بطور تقریب برابری با 0.57724		Evoke	اجزا رکردن
Euler's formula	فرمول اویلر	Evolute	گسترنده
$e^{ix} = \cos x + i \sin x$		Evolute of a curve	گسترنده؛ یک منحنی
Euler's " ϕ " function	" اویلر " ϕ " تابع	Evolute of a surface	گسترنده؛ یک سطح
Euler's integral of the first kind	انTEGRال نوع اول اویلر	Exact	دقیق - کامل - درست
Euler's theorem for polyhedrons	قضیه اویلر در مورد چند وجهیها (قضیه‌ای که بیان میکند در هر چند وجهی محدب مجموع تعداد رئوس و وجوه برابر است با تعداد یالها به علاوه دو)	Exact differential	دیفرانسیل کامل
Euler's theorem on homogeneous functions	قضیه اویلر در مورد توابع همگن	Exact differential equation	معادله دیفرانسیل کامل
Euler-Lagrange equations	معادلات اویلر - لاگرانژ	Exact division	تقسیم کامل - تقسیم بدون باقیمانده
Euler product	حاصلضرب اویلر	Exact equation	معادله کامل
Euler sum formula	دستور جمع زنی اویلر	Exactitude	صحت - دقت
Euler-Venn diagrams	دیآگرامهای اویلر - ون	Exactly	بدرستی - بدقت - عیناً
Evaluate	تعیین کردن - ارزیابی کردن - محاسبه کردن	Exact sciences	علوم دقیقه
Evaluate of a curve	ارزیابی یک منحنی	Exact solution	حل دقیق - جواب دقیق
Evaluate of a surface	ارزیابی یک سطح	Examine	آزمایش کردن - امتحان کردن
Evaluation	ارزیابی - رفع ابهام	Example	مثال - نمونه
Evaluation of a limit	رفع ابهام از یک حد	Exceed	تجاوز کردن از - متجاوز بودن از
Even	زوج - هموار - حتی	Exceedingly	متجاوزاً
Even function	تابع زوج	Excenter of a triangle	مرکز دایره * محاطی خارجی مثلث
Even integer	عدد صحیح زوج	Excentricity	خروج از مرکز
Evenness	روحیت - خاصیت زوج بودن	Except	استثنا کردن - باستثنای - غیر از - بجز - مگر
Even number	عدد زوج - عدد حفت	Exception	استثنا
Even polynomial	جند جمله‌ای زوج	Exceptional	استثنائی
Event	پیدا شدن - رویداد (در احتمالات)	Excess	فزونی - زیادی - افزونی - بیشی - مازاد
Everywhere dense	همه جا چگال - همه جا متراکم	Exchange	معادله - معاوضه
Everywhere dense subset	بخش همه جا چگال - زیر مجموعه همه جا چگال	Exchange sort	چور کردن معادله‌ای
		Excircle of a triangle	دایره * محاطی خارجی مثلث
		Excited	برانگیخته - تهییج شده
		Exclude	خارج کردن - طرد کردن - مستثنی کردن
		Excluded	خارج شده - مطرود - منتفی شده
		Exclusion	استثنا
		Exclusive	مجدود - انحصاری - نافی - تنها
		Exclusively	منحصراً
		Exclusive or	یا مانعاً المجمع

Executive	اجرائی - مجری	Explanation	توضیح
Executive system	سیستم اجرائی	Explementary angles	زوایای مزدوج ازوایایی که مجموع آنها چهار قائمه میگردد
Exercise	تمرین	Explicit	برج - روشن - واضح - آشکار
Exert	اعمال کردن - بکار کردن - اجرا کردن	explicit function	تابع صریح
Exhaustion property of area	خاصیت اشباع مساحت	Explicitly	صریحا "
Exist	وجود داشتن - موجود بودن	Exponent	قوه - توان - نما
Existence	وجود - هستی	Exponential	قوهای - نمائی - توانی
Existence proof	اثبات وجود	Exponential behaviour	رفتار نمائی
Existence theorem	قضیه وجود	Exponential curve	منحنی نمائی
Existence - uniqueness theorem	قضیه وجود و یکتایی	Exponential equation	معادله نمایی
Existential quantifier	سور وجودی	Exponential form	شکل نمائی
Existential sentence	گزاره وجودی	Exponential form function	تابع با شکل نمایی
Expand	بسط دادن - گسترانیدن - گسترده	Exponential fourier transform	تبدیل نمائی فوریه
Expandability	بسط پذیری - قابلیت انبساط	Exponential function	تابع نمائی
Expandable	بسط پذیر - قابل انبساط	Exponential series	سری نمائی
Expanded	مبسوط	Exponential values of sin x and cos x	مقادیر نمائی سینوس و کسینوس
Expanded notation	شکل مبسوط		
Expanded order	ترتیب مبسوط		
Expansion	گسترش - انبساط - بسط	$\cos x = \frac{e^{ix} + e^{-ix}}{2}$	
Expansion in a series	بسط به سری	$\sin x = \frac{e^{ix} - e^{-ix}}{2i}$	
Expansion of a determinant	بسط دترمینان		
Expect	انتظار داشتن		
Expectation	امید (ریاضی) - توقع - انتظار	Express	متان دادن - بیان کردن
Expected	منتظره	Expression	عبارت
Expected value	امید ریاضی - مقدار منتظره - مقدار میانگین	Expressive	شاگرد - بیانگر
Expend	مصرف کردن	Exradius (ex-radius)	شعاع دایره محاطی خارجی
Expense	هزینه - خرج	Extend	گسترده - وسعت دادن - تمهیم دادن - بسط دادن - امتداد دادن - عمومیت دادن
Experience	تجربه - آزمایش - امتحان - آزمون - تجربه کردن	Extended	توسعه داده شده - گسترش یافته - وسعت یافت
Experiment	تجربه - آزمایش - تجربه کردن	Extended complex number system	سیستم اعداد مختلط گسترش یافته
Experimental	آزمایشی - تجربی	Extended complex plane	صفحه مختلط وسعت یافته - صفحه مختلط منبسط
Experimenter	آزمایشگر	Extended real line	خط حقیقی گسترش یافته
Expiration	انقضاء		
Expiration date	تاریخ انقضاء		
Expire	منقضی شدن - سبوی شدن		
Explain	شرح دادن - توضیح دادن		

Extended real number system

دستگاه اعداد حقیقی گسترش یافته

Extension - توسیع - گسترش - بسط - امتداد - توسعه - تممیم - عمومیت - تمدد

Extension ring - حلقه توسیعی

Extent - دامنه - وسعت

Exterior - بیرونی - خارجی - خارج

Exterior angle - زاویه خارجی

Exterior point - نقطه خارجی

Exterior product - ضرب خارجی

Exterior product of two vectors - ضرب خارجی دو بردار

$$b = b_x j + b_y k \quad a = a_x j + a_y k$$

آنگاه حاصلضرب خارجی

$$\vec{a} \times \vec{b} = \begin{vmatrix} i & j & k \\ a_x & a_y & a_z \\ b_x & b_y & b_z \end{vmatrix}$$

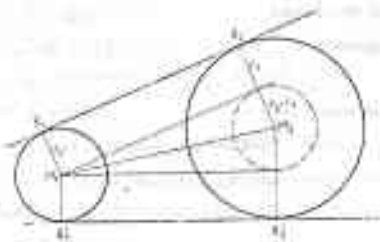
بروزار در بردار \vec{b}
عیارست از بردار

Exterior region - ناحیه بیرونی - ناحیه خارجی

External - خارجی - بیرونی

External operation - عمل خارجی

External tangent of two circles - مماس مشترک خارجی دو دایره



Extra - اضافی

Extract - بیرون کشیدن - استخراج کردن

Extract a root - ریشه گرفتن

Extract a root of a number - استخراج یک ریشه عدد

Extracting the cubic root

کعب گیری - ریشه سوم گیری

Extracting the square root

جذرگیری - ریشه دوم گیری

Extraction - استخراج

Extraneous - بیگانه - نامربوط

Extraneous root - ریشه اضافی - ریشه خارجی

Extrapolate - بیرون بایی کردن

Extrapolation - بیرون بایی

Extreme - نهایی - مفروض

Extremely - بغایت - شدت

Extreme point - نقطه نهایی - نقطه انتهایی

Extremes - طرفین (تناسب)

Extremes in a proportion (of a proportion) - طرفین در تناسب

Extreme value - مقدار اکستریم - مقدار نهایی

Extremity - انتها - نهایت - حدنهایی

Extremum - اکسترم - حداقل یا حداکثر تابع - ریاضی (ماکزیم یا مینیم)

Extremum of a function - حداکثر یا حداقل تابع

Extremum problems - مسائل اکسترم (ماکزیم یا مینیم)

F

		فاکتورگیری - تجزیه به عوامل	Factorization
		فاکتورگیری	Factorization of a transformation
		تجزیه یک تبدیل	Factorization theorem
		قضیه تجزیه	Factorize
		فاکتورگرفتن - صورت عوامل ضرب	
		درآوردن - تجزیه کردن به عوامل	
		عامل یک عدد صحیح	Factor of an integer
		عامل یک چند جمله ای	Factor of a polynomial
		فاکتوریک جمله	Factor of a term
		ضریب تناسب	Factor of proportionality
		عامل مشترک گرفتن - فاکتورگرفتن	Factor out
		دیاگرام درختی عوامل	Factor tree
		محوشدن	Fade
		رشدن - موفق نشدن - شکست خوردن	Fail
		تکست	Failure
		منظم - خوب	Fair
		تنزل - سقوط - هبوط - افتادن - سقوط کردن	Fall
		دروغ - بدل - نادرست - غلط - قلب	False
		آشنا	Familiar
		خانواده - دسته - گروه	Family
		دسته منحنی ها	Family of curves
		دسته خطوط	Family of lines*
		دسته مجموعه ها	Family of sets
		دسته سطوح	Family of surfaces
		دنباله فاری	Farey sequence
		سریع	Fast
		خطای مهلك	Fatal error
		عمق بیمائی کردن - واحد عمق	Fathom
		بیمائی که برابرش با رداست	
		خستگی	Fatigue
		لم فاتو	Fatou's lemma
		عیب - نقص - تقصیر - خطا	Fault
		تحلیل عیب - عیب کاوی	Fault analysis
		مطلوب - مساعد	Favourable
		حالاتهای مساعد	Favourable cases
		نتیجه مساعد	Favourable outcome
		امکان پذیر - قابل دسترس	Feasible
		تجزیه	Factoring
		پنجمین حرف الفبای انگلیسی	
		ماختن	Fabricate
		ساخت	Fabrication
		رو - وجه - نما - رخ	Face
		وجهی	Facial
		سهولت	Facility
		واقعییت - حقیقت یا جگوگی امر	Fact
		دسته بندی	Faction
		عامل - فاکتور	Factor
		قابل تجزیه - تجزیه شدنی	Factorable
		قابلیت تجزیه	Factorability
		گروه خارج قسمت	Factor group
		فاکتوریل - تابع فاکتوریل روی مجموعه $1, 2, \dots, n$ با منتهی با ستفرا	Factorial
		چنین تعریف میشود:	
		$\begin{cases} 0! = 1 \\ n! = (n-1)! \cdot n \end{cases}$	

Feasible point نقطه قابل دسترس - نقطه شدنی

Feasible region ناحیه عملی - ناحیه قابل دسترس

Feasibility امکان پذیری - قابلیت دسترسی

Feature مظهر - سیما - چهره - ریخت - شکل - طرح صورت

Feed کار برای (ماشین و غیره) رساندن - خوراک دادن

Feedback بازخور

Feeding تغذیه

Fejer's theorem قضیه فیچر

Fermat's last theorem آخرین قضیه فرما - این قضیه چنین بیان میشود که معادله $x^n + y^n = z^n$ ($n > 2$) قطع نظراً جوابهای بی‌مادهای که در آنها $xyz \neq 0$ می باشد ، در اعداد صحیح مستنع است .

Fermat numbers اعداد فرما - اعداد بصورت $2^{2^n} + 1$ که در آن عددی است طبیعی . این اعداد به ازاء $n=1, 2, 3, 4$ اولند ولی به ازاء $n=5$ مقدار این عدد مساوی 4294967297 است که عددیست غیر اول و بر ۶۷۱ قابل قسمت است .

Fermat's prime numbers اعداد اول فرما

Fermat's principle اصل فرما

Fermat's spiral مارپیچ فرما

Fermat's theorem قضیه فرما - معادله $z^n = x^n + y^n$ برای n های صحیح بزرگتر از ۲ جواب صحیح ندارد .

Ferraris' solution of the quartic حل معادله درجه چهار بر روش فراری

Ferrite core چنبره فربیتی - چنبره مغناطیسی

Feruloc خط کش پهن

Fibonacci numbers عددهای فیبوناچی

Fibonacci sequence دنباله فیبوناچی

Fiducial بر پایه اعتقاد یا اعتماد

Field حوزه - هیئت - میدان

Field axioms اصول موضوعه میدان

Field equations معادلات میدان

Field length طول میدان

Field of complex numbers میدان اعداد مختلط - هیئت اعداد مختلط

Field of events میدان پیشامدها

Field of fractions میدان کسرها - هیئت کسور

Field of numbers هیئت اعداد - میدان اعداد

Field of a quotients میدان خارج قسمتها - هیئت خارج قسمتها

Field of real numbers میدان اعداد حقیقی

Fifteen پانزده

Fifth پنجمین - پنجم

Fifth postulate of Euclid اصل پنجم اقلیدس

Fifty پنجاه

Figurable شکل پذیر

Figurate numbers اعداد دمورا - اعداد چندضلعی شکل

Figurate مجازی - تلویحی - اعدادی که در یک ترتیب چندضلعی مرتب میشوند

Figurative ثابت تلویحی - ثابت مجازی

Figurative constant ثابت تلویحی - ثابت مجازی

Figure بیکره - شکل - عدد - رقم

Figure out استنباط کردن - در یافتن

Figure up به حساب در آوردن - جمع زدن

File پرونده - فهرست - در پرونده گذاشتن - در بایگانی نگاه داشتن - ضبط کردن

Fill پر کردن - بر شدن

Filter صافی - فیلتر

Final نهائی - پایانی

Final result نتیجه نهایی

Final value ارزش نهائی

Find پیدا کردن - یافتن

Finding یافت - پایش - تشخیص

Fine ظریف - خوب

Finer ظریفتر - لطیفتر

Finger computing محاسبه سرانگشتی

Finish پایان رسانیدن - تمام کردن - خاتمه دادن

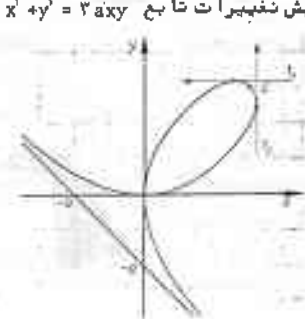
Finished محتوم - تمام - تمام شده

Finite محدود - منتهی - پایان دار - پایانی

Finite additive measure اندازه جمعی منتهای

Finite algebraic growth	موجودگی متناهی	Finite subcollection	زیرخانواده متناهی - زیرکلکسیون متناهی
Finite arithmetic	حساب - متناهی	Finite subcovering	زیر پوشش متناهی
Finite base	پایه متناهی	First	اولین
Finite cardinal number	عدداصلی متناهی	First coordinate	مختص اول
Finite collection	گردایه متناهی - کلکسیون متناهی	First derivative	مشتق مرتبه اول
Finite complement topology	توپولوژی مکملهای پاباندار	First element	عنصر ابتدا
Finite covering	پوشش متناهی	First element of a set	عنصر ابتدای یک مجموعه
Finite decimal representation	نمایش اعشاری متناهی	First kind	نوع نخست - نوع اول
Finite derivatives	مشتقات متناهی	First mode	اولین نما (درآمار)
Finite difference	تفاضل متناهی	First side of an equality	طرف اول یک تساوی
Finite difference method	روش تفاضل متناهی	First two	دو تای اول
Finite dimensional space	فضای متناهی البعد - فضای با بعد متناهی	Fission	شکافتن - انشقاق
Finite expansion	بسط پاباندار - بسط متناهی	Fit	مناسب بودن - برازیدن - سازندگان
Finite field	میدان یا پاندار - هیات	Fit into	گنجانیدن - گنجیدن
Finite group	پاباندار - میدان متناهی - هیات متناهی	Fitting	مناسب
Finite integral	گروه متناهی - گروه پاباندار	Fix	استوار کردن - پابرجا کردن - ثابت قرار دادن - ثابت شدن - ثابت ماندن - میزان کردن
Finite interval	انتگرال با حدود متناهی	Fixed	ثابت شده - ثابت - میزان
Finite interval	فاصله متناهی - فاصله کراندار	Fixed length	طول ثابت
Finite limits	حدود متناهی	Fixed point	نقطه ثابت
Finitely	متناهی	Fixed point theorem	قضیه نقطه ثابت
Finitely additive	متناهی جمع	Fixed value	مقدار ثابت
Finitely additive measure	اندازه متناهی جمع	Fix up	مرتب کردن
Finite number	عدد متناهی	Flat	سطح - تخت - هموار
Finite number of sets	تعداد متناهی از مجموعه ها	Flat angle	زاویه نیم صفحه - زاویه ۱۸۰ درجه
Finite ordinal number	عدد ترتیبی متناهی	Flatness	نختی
Finite point	نقطه متناهی	Flat spaces	فضاهای سطح - فضاهای تخت
Finite product	حاصل ضرب متناهی	Flex	عطف - برگشت
Finite product of topological spaces	حاصل ضرب پاباندار فضاهای توپولوژیک	Flexible	قابل انعطاف - خم شونده
Finite quantity	کمیت متناهی	Flexibility	قابلیت انعطاف - خمشی
Finite sequence	دنباله متناهی	Flexion - flection	خمیدگی - انحناء
Finite series	سلسله متناهی	Float	شناور شدن - غوطه ور شدن - شناور - شناور - معلق شدن در هوا
Finite set	مجموعه متناهی	Floating	شناور - غوطه ور
		Floating point	معمیر شناور
		Flow	جریان - جریان یافتن - روان شدن

Flow diagram	نمودار جریان
Flow direction	جهت جریان
Flow lines	خطوط جریان
Fluctuation	تلاطم - تموج
Fluent	زوان - سلیس
Fluent quantity	کمیت نیال - کمیت روان
Fluid	شاره - سیال
Fluid mechanics	مکانیک سیالات - مکانیک شارها
Flux	شارت جریان - فلو
Fluxion	میزان تغییرات نرخ تغییر - (اصطلاحی که در ریاضی به مشتق اطلاق شده است) - سیالیت
Flywheel	چرخ سنگر - چرخ طیار
Focal	کانونی
Focal chord	وتر کانونی
Focal chord of a conic	وتر کانونی یک مقطع مخروطی
Focal distance	فاصله کانونی
Focalization	تمرکز در کانون
Focalize	در کانون متمرکز کردن
Focal length	فاصله کانونی (در فیزیک نور)
Focal plane	صفحه کانونی
Focal point	نقطه کانونی
Focal property of an ellipse	خاصیت کانونی بیضی
Focus	کانون - به کانون آوردن
Focused	تمرکز یافته
Fold	تا کردن
Folium of Descartes	فولیوم دکارت



Follow	دنبال کردن - تعقیب کردن - دنبال آمدن - پشت سرهم قرار گرفتن - متابعت کردن
Following	ذیل - متعاقب
Foot	فوت - پای - واحد اندازه گیری طول ، تقریباً " معادل ۳۰/۵ سانتیمتر و یا ۱۲ اینچ
Footnote	پا ورقی - زیر نویس
For all values of x	بازا - جميع مفادیر x
Forbidden	ممنوع - غیر مجاز
Force	نیرو - نیرو وارد کردن
For instance	بدون مثال - مثلاً
Form	شکل - صورت - ریخت - فرم - تشکیل دادن - شکل دادن
Formal	صوری - شکلی
Formal expression	عبارت صوری
Formalism	صورتگرایی - اصالت شکل - فرمالیسم
Formalize	شکل دادن - فرم دادن
Formally	بطور صوری - ظاهراً
Formal logic	منطق صوری
Formal method	روش صوری
Formal prerequisite	پیش نیاز صوری
Formal statement	گزاره صوری
Formal system	دستگاه صوری
Formal variable	متغیر صوری
Format	قالب - هیئت - قالب بندی کردن
Formation	تشکیل - شکل - تکوین
Formative	تشکیل دهنده
Formula	فرمول - قاعده - دستور
Formulate	فرموله کردن - بشکل فرمول درآوردن - بقاعده درآوردن
Formulation	فرمول بندی
Formulize	فرمول بندی کردن
For some	به ازاء بعضی
For sufficiently large values	به ازاء مقادیر بزرگ کافی بزرگ
Fortune	دارائی - شانسی
Forward	پیش - جلو - به پیش - پیشرو
Forward equation	معادله پیشرو

Found	بنا نهادن - تا - سین کردن
Foundation	اساس - بنیاد - شالوده - پایه - بنیان
Founder	مؤسس - بنیانگذار - پایه گذار
Four	چهار
Four - color problem	مسئله چهار رنگ
Four face	چهار وجهی
Four fold	چهار جهش - چهار برابر - چهار گانه
Fourier- coefficients	ضرایب فوریه
Fourier - cosine series	سری کسینوسی فوریه
Fourier- cosine transform	تبدیل کسینوسی فوریه
Fourier integral	انتگرال فوریه
Fourier's integral theorem	قضیه انتگرال فوریه
Fourier series	سری فوریه - سلسله فوریه
Fourier - sine series	سری سینوسی فوریه
Fourier - sine transform	تبدیل سینوسی فوریه
Fourier transform	تبدیل فوریه
Four principal operations	چهار عمل اصلی
Fourscore	هشتاد تایی
Four sided	چهار بر - چهار ضلعی
Foursquare	مربع
Four- step rule	قانون چهار مرحله ای
Fourth	چهارم - چهارم صبی
Fourth proportional	جزء چهارم تناسب
Fraction	کسر
Fractional	کسری
Fractional equation	معادله کسری
Fractional exponent	توان کسری - نمای کسری - قوه کسری
Fraction line	خط کسری
Fractional part	قسمت کسری - جزء کسری
Fragment	تکه - خرد - خرد کردن
Fragmentation	جزء جزء - تکه تکه
Frame	قاب - چهار رچوب - قاب کردن - چهار رچوب گرفتن

Free	آزاد
Freedom	آزادی
Freedom degree	درجه آزادی
Free variable	متغیر آزاد
Free vector	بردار آزاد
Frequency	تواتر - بسامد - حرکتی
Frequency distribution	توزیع تواتر
Frequency domain	دامنه تواتر
Frequent	مکرر
Frequently	مکرراً
Fresnel's integrals	انتگرالهای فرزنل

$$\int_0^{\infty} \cos(\tau^2) d\tau = \sqrt{\frac{\pi}{8}}$$

$$\int_0^{\infty} \sin(\tau^2) d\tau = \sqrt{\frac{\pi}{8}}$$

Friction	اصطکاک - مالش
Frictional	اصطکاکی - مالشی
Frictionless	بی اصطکاک - بی مالش
Front	پیش - جلو
Frontal	پیشی - جلویی
Frontier	مرز
Frontier of a set	مرز مجموعه
Front line	خط جبهه - خط مقدم
Frustum of a cone	مخروط ناقص



Frustum of a pyramid

هرم ناقص



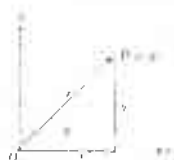
Fulfill	صدق کردن - برآوردن - تمام کردن - تکمیل کردن	Fundamental theorem of algebra	قضیه اساسی جبر
Function	تابع	Fundamental theorem of arithmetic	قضیه اساسی حساب
Function of two variables	تابع دو متغیره	Fundamental theorem of calculus	قضیه اساسی حساب دیفرانسیل و انتگرال
Functional	تابعی	Fundamental trigonometric identities	اتحادهای اساسی مثلثاتی
Functional analysis	آنالیز تابعی	Funicular	مربوط به کشش کابل یا ریسمان
Functional design	طرح تابعی	Furlong	واحد اندازه گیری طول ، تقریباً ۲۰۱/۶۷ متر
Functional determinant	دترمینان تابعی	Further	بعلاوه - بیشتر - دیگری
Functional equations	معادلات تابعی	Furthermore	بعلاوه - از این گذشته - وانگهی
Functionary	تاسی	Furthest	دورترین
Function of a complex variable	تابع از یک متغیر مختلط	Furthest	دورترین
Function of a function	تابع یک تابع (تابع مرکب)	Furthest point of a curve	دورترین نقطه
Function of bounded variation	تابع با تغییر محدود - تابع با تغییر کراندار	Future	آینده - آتی
Functions of class C^n	توابع متعلق به طبقه C^n		
Functions of class L^p	توابع متعلق به طبقه L^p - توابع از دسته L^p		
Function of one real variable	تابع از یک متغیر حقیقی		
Function space	فضای تابعی		
Function table	جدول تابع		
Function theory	نظریه تابع		
Function value	مقدار تابع		
Fundament	اساس - پایه - بنیاد		
Fundamental	اساسی - بنیادی - اصلی		
Fundamental determinant	دترمینان بنیادی		
Fundamental equation	معادله بنیادی		
Fundamental group	گروه اساسی		
Fundamentally	اساساً		
Fundamental operations	اعمال اصلی		
Fundamental sequence	دنباله اساسی		
Fundamental system of neighborhoods	دستگاه اصلی همسایگی ها		
Fundamental theorem	قضیه اساسی - قضیه اصلی		

G

Gap	رخنه - شکاف - درز
Gather	گردآمدن - گردآوردن
Gather up	جمع آوری کردن
Gauge	سنجیدن - اندازه گرفتن - مقیاس - مقیار - پیمانہ - نمونہ
Gauge length	طول نمونہ
Gauss differential equation	معادله دیفرانسیل گوس $x(x-1)y'' + [(a+\beta)x - \gamma]y' + \alpha\beta y = 0$ α و β و γ پارامتر می باشد
Gauss hypergeometric differential equation	معادله دیفرانسیل فوق هندسی گوسی
Gaussian	گوسی
Gaussian curvature	انحنای گوسی
Gaussian distribution	توزیع گوسی
Gaussian elimination	روش حذف گوسی
Gaussian integer	عدد صحیح گوسی (اعداد مختلطی بصورت $a+bi$ که در آن a و b اعداد صحیح هستند)
Gaussian plane	صفحه گوسی
Gaussian process	پروبه گوسی - روندگوسی
Gaussian sum	مجموع گوسی
Gauss-jordan process	روندگوس زردان - فرآیندگوس زردان - پروبه گوس زردان
Gauss-type quadrature	تعیین مساحت زیر منحنی بروش گوس
G.C.D	علامت اختصاری بزرگترین مقسوم علیه مشترک
G.C.F	علامت اختصاری بزرگترین عامل یا فاکتور یا مقسوم علیه مشترک
General	کلی - عمومی - عام
General context	زمینه کلی
General fourier coefficient	ضرایب عمومی فوریه
Generality	عمومیت - کلیت
Generalization	تعمیم
Generalizations	کلیات
Generalize	تعمیم دادن - عمومیت دادن
G	هفتمین حرف الفبای انگلیسی
Gain	افزایش - بهره - فزونی - بود - بدست آوردن
Gal	گال - واحد شتاب برابر با یک سانتیمتر بر مجذور ثانیه
Galactic	کهکشانی
Galaxy	کهکشان
Gallon	گالن - واحد حجم برابر با ۳/۷۸۵۳ لیتر
Game	یک دوره بازی - بازی
Game of chance	بازی شانسی - بازی تصادفی
Games	بازی ها
Game theory	نظریه بازی
Gamma	سومین حرف از حروف یونانی که با γ یا Γ (حرف بزرگ) نشان داده میشود.
Gamma function	تابع گاما $\Gamma(x) = \int_0^{\infty} e^{-t} t^{x-1} dt \quad (x > 0)$
Gamma integral	انتگرال گاما $\Gamma(x) = \int_0^{\infty} e^{-t} t^{x-1} dt \quad (x > 0)$
Gang	گروه - دسته

Generalized تعمیم یافته - عمومیت داده شده
 Generalized form شکل تعمیم یافته - فرم کلی
 Generalized function تابع تعمیم یافته
 Generalized volume حجم تعمیم یافته
 Generally عموماً " - کلاً" - بطور کلی
 General mathematics ریاضیات عمومی
 General principle of convergence ضابطه کلی تقارب - اصل کلی تقارب
 General setting وضعیت عمومی
 General solution جواب عمومی
 Generally speaking بطور کلی - قطع نظر از جزئیات
 General term جمله عمومی - عبارت عمومی
 General term of a series جمله عمومی سلسله
 General topology توپولوژی عمومی
 General theory of groups نظریه عمومی گروه‌ها
 Generate تولید کردن - ایجاد کردن
 Generated پدید آمده - تولید شده
 Generating مولد - ایجاد کننده
 Generating curve منحنی مولد
 Generating function تابع مولد
 Generating line خط مولد
 Generation تولید - نسل - پیدایش
 Generatrix مولد - نقطه، خط یا سطحی که حرکت آن سبب ایجاد خط، سطح یا جسمی شود
 Generator مولد - تولید کننده
 Generator of a surface of translation مولد یک سطح انتقالی
 Generic کلی - عمومی - نوعی - جنسی
 Genetics علم تکوین - علم وراثت
 Genus جنس - رده - نوع
 Geodesic (line) کوتاه‌ترین خطی که بین دو نقطه در روی سطح رسم شود - خط ژئودزیک
 Geodetic مربوط به کوتاه‌ترین خط اتصال
 Geology زمین‌شناسی
 Geometer هندسه دان
 Geometric هندسی
 Geometrical به روش هندسی - هندسی
 Geometrical construction ساختمان هندسی

Geometrically بطریق هندسی - بطور هندسی
 Geometrical progression صفا عددهندی
 Geometrical representation نمایش هندسی
 Geometrical representation of a complex number نمایش هندسی یک عدد مختلط



Geometric figure شکل هندسی
 Geometric interpretation تفسیر هندسی
 Geometric locus مکان هندسی
 Geometric mean واسطه هندسی n عدد مثبت

$$\sqrt[n]{x_1, x_2, \dots, x_n}$$

عبارتست از
 Geometric relation رابطه هندسی - نسبت هندسی

Geometric sequence and series دنباله و سلسله هندسی

Geometric vector بردار هندسی
 Geometry هندسه

Get بدست آوردن
 g.l.b علامت اختتامی بزرگترین کرانه پایین

Gibb's phenomenon پدیده گیبس
 Giga یک بیلیون (10⁹)

Given داده شده - مفروض
 Global فسر بگیر - گروی

Global property خاصیت عمومی (کلی)
 Globe گوی - کره

Globoid گروی - گوی مانند
 Globular گروی - گوی مانند

Globule گویچه - گلسول
 Glossary فهرست لغات

Golden ratio نسبت طلائی
 Gompertz curve منحنی گومپرتز - منحنی نمایش تغییرات تابع

$$G(t) = ke^{(-Ae^{-Bt})}$$

که در آن A, k و B مقادیر مثبت ثابتی هستند.

Goniometer	زاویه سنج -- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه
Goodness	شانس
Googol	عددیک با صدصدهر جلوی آن (۱۰۱۰۰)
Govern	اداره کردن
Governing	حکومت
Governing laws	قوانین حاکم
Governor	تنظیم کننده
Grad	یکمدم زاویه، قائمه
Gradate	درجه بندی کردن
Gradation	درجه بندی
Graded	مدرج
Gradient	گرادیان - شیب - شیب دار
Gradient of a function	گرادیان تابع
Gradient of a straight line	ضریب زاویه، خط راست
Gradient vector	بردار گرادیان
	اگر: $\phi(x, y, z)$ تابعی اسکالری باشد، بردار گرادیان آن در نقطه (x, y, z) چنین خواهد بود:
	$\nabla\phi = \text{grad}\phi = \frac{\partial\phi}{\partial x} \vec{i} + \frac{\partial\phi}{\partial y} \vec{j} + \frac{\partial\phi}{\partial z} \vec{k}$
Grading	درجه بندی
Gradual	تدریجی
Graduate	مدرج کردن - درجه بندی کردن
Graduated	مدرج - درجه بندی شده
Graduation	درجه بندی - اعطای درجه
Gram	واحدوزن برابر یکهزارم کیلوگرم
Graph	نگار - نمودار - گراف - شکل - نمایش هندسی - ترسیم هندسی
Graphical	ترسیمی
Graphic method	روش ترسیمی
Graphics	علم ترسیم
Graphical solution	حل ترسیمی
Graph of a binary relation	نمودار یک رابطه دوتایی
Graph of a function	نمودار یک تابع
Graph of a correspondence	نمودار یک تناظر
Gravitate	گرانیدن - از قانون جاذبه پیروی کردن

Gravitation	ثقل
Gravitational	ثقلی
Gravitational attraction	جاذبه ثقلی
Gravity	ثقل - گرانی - جاذبه زمین
Great	بزرگ
Great circle	دایره عظیمه
Greater	بزرگتر
Greater than	بزرگتر از
Greatest	بزرگترین
Greatest common divisor (g.c.d)	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
Greatest common factor (g.c.f)	بزرگترین عامل مشترک
Greatest common measure	بزرگترین اندازه مشترک
Greatest element	بزرگترین عنصر
Greatest - integer function	تابع بزرگترین عدد صحیح - تابع جز صحیح



Greatest lower bound	بزرگترین کرانه پایین
Green's formulas	روابط گرین - دستورهای گرین
Greek alphabet	الفبای یونانی
Greatest member	بزرگترین عضو
Greatest possible error	بزرگترین خطای ممکن
Green's function	تابع گرین
Green's theorem	قضیه گرین
Gregory - Leibniz formula	فرمول گریگوری - لایب‌نیتس

$$\text{arc tg } x = x - \frac{x^3}{3} + \frac{x^5}{5} - \dots + (-1)^{k-1} \frac{x^{2k-1}}{2k-1} + \dots \quad (-1 \leq x \leq 1)$$

که برای $x=1$ خواهیم داشت:

$$\frac{\pi}{4} = 1 - \frac{1}{3} + \frac{1}{5} - \frac{1}{7} + \dots$$

Grid	شیکه
Groove	شیار - شیار کندن
Gross	دوازده دوجین - معادل ۱۴۴ عدد
Ground	زمین - زمینه - اساس
Group	مجموعه G با عمل دو تایی \otimes را یک گروه نامیم هرگاه خواص زیر برآید هر a و b و $c \in G$ برقرار باشند:
$(a \otimes b) \otimes c = a \otimes (b \otimes c)$	۱- خاصیت شرکت پذیری
$a \otimes e = e \otimes a = a$	۲- وجود عضو خنثی e
$a \otimes a^{-1} = a^{-1} \otimes a = e$	۳- وجود عضو معکوس $a^{-1} \in G$
Group axioms	اصول گروه
Grouping	دسته بندی - گروه بندی
Grouping terms	دسته بندی جملات
Groupoid	گروه وار
Group representation	نمایش گروه
Group theory	نظریه گروه ها
Grow	رشد کردن - نمو کردن
Growth	نمو - رشد
Gudermanian	گودرمانی - تابع گودرمانی
Guess	حدس - حدس زدن
Gyrate	دایره ای - دورا - دوران کردن
Gyration	ژبراسیون - چرخش - دوران
Gyratory	دورانی
Gyre	گردش دایره ای - دوران
Gyro compass	قطب نمای ژيروسکوپ
Gyroidal	ما رپیچی
Gyroscop	ژيروسکوپ - گردش نما
Gyroscopic	چرخه نمايي - گردش نمايي

WWW.TXT.IR

H

H	حرف هشتم الفبای انگلیسی -
H	علامت اختصاری ساعت یا ارتفاع
Ha	اختصار برای هکتار
Hachure	ها شور - ها شورزدن
Hadamard's three-Circles theorem	قضیه سه دایره، هادامارد
Hade	زاویه انحراف از قائم
Half	نیمه - نیم - نصف - بیثوندی به معنی نصف
Half-closed	نیم بسته
Half-infinite interval	فاصله نیمه نامتناهی
Half-life	نیمه عمر
Half-line	نیم خط
Half-open	نیم باز
Half-open interval	فاصله نیم باز
Half-plane	نیم صفحه
Half-spacc	نیم فضا
Halve	نصف کردن
Halved	نصف شده
Halving	تَنصیف

Hamilton-cayley theorem

قضیه هامیلتون - کیلی

Hamiltonian function

تابع هامیلتون

Ham sandwich theorem

قضیه ساندویچ هام

اگر $\{a_n\}$ $\{b_n\}$ $\{c_n\}$ دنباله‌ها بی‌تناهی

سوده بطوریکه اولاً $a_n < b_n < c_n$ هر n

و ثانیاً $\lim_{n \rightarrow \infty} a_n = L = \lim_{n \rightarrow \infty} c_n$

آنگاه $\lim_{n \rightarrow \infty} b_n = L$

Hand

طرف - سمت - دست

Hankel function

تابع هنکل

Hankel transform

تبدیل هنکل

Happening

رویداد

Harmonic

همساز - هماهنگ - توافق - موزون

Harmonic conjugate

مزدوج توافقی

Harmonic conjugates of two points

مزدوج‌های توافقی دو نقطه

Harmonic division

تقسیم توافقی

Harmonic division of a line

تقسیم توافقی یک خط

Harmonic function

تابع همساز

Harmonic mean

واسطه توافقی میانگین همساز

Harmonic motion

حرکت همساز - حرکت هماهنگ

Harmonic pencil

دسته خطوط توافقی -

اشعه توافقی

Harmonic progression

تعداد توافقی -

تعداد همساز (تعدادی که جمله‌های آن

معکوس جمله‌های یک تعداد عددی باشد)

Harmonic range

رشته توافقی - چهار نقطه

A و B و C و D که روی یک خط راست واقعند به ترتیب

$AB \times DC = -AD \times CB$

تتکیل یک رشته توافقی می‌دهند.

Harmonic ratio

نسبت توافقی

Harmonic series

سلسله توافقی -

سری توافقی - سلسله $\sum_{k=1}^{\infty} \frac{1}{k}$

را سلسله توافقی می‌نامند.

Harmony

تطابق - هماهنگی - همساز

Hatch

ها شورزدن - ها شور

Hatched

ها شورخورده

Hatching

ها شور

Hausdorff	هاسدراف
Hausdorff space	فضای هاسدراف
Inverse sine	توان دوم سینوس نصف قوس
	$\frac{1}{r} (1 - \cos \theta) = \frac{1}{r} [1 - (1 - r^2 \sin^2 \frac{\theta}{r})]$
	$-\frac{1}{r} (r \sin^2 \frac{\theta}{r}) = \sin^2 \frac{\theta}{r}$
Hazardous	تصادفی - اتفاقی
Hazard	تصادف
Head	سر - نوک
Head line	سرمقاله - تیتر
Head or tail	شیر یا خط
Heat	گرما - حرارت
Heaviside unit function	تابع یکپهه هوی ساید
	$H(t) = \begin{cases} 0 & t < 0 \\ \frac{1}{r} & t = 0 \\ 1 & t > 0 \end{cases}$
Hebrew number symbols	علائم عددی عبری
Hecta-Hectare	پیشوندی به معنی صد برابر هکتار - واحد سطح برابر با ۱۰ ^۴ متر مربع
Hecto	پیشوندی بمعنی صد برابر
Hectohedron	صدوجهی
Height	ارتفاع - بلندی
Heighten	بلند کردن - بلندتر نمودن - ارتفاع دادن
Heine-Borel's theorem	قضیه هاینه - بول
Helical	حلزونی - مارپیچی
Helices	منحنی های فنری - منحنی های مارپیچی
Helicoid	سطح مارپیچی
Helicoidal	مارپیچی - فنری
Helix	منحنی فنری - منحنی مارپیچی
Hemi	پیشوندی بمعنی نیم - نصف - نیمه
Hemicycle	نیم دایره - منحنی نیم دایره مانند
Hemisphere	نیم کره
Hemispherical	نیمکره
Hence	از این رو - بنابراین
Hendecagon	یازده گوشه - یازده ضلعی
Hept	هفت

Hepta	هفت
Heptad	هفت گانه - هفت نایی
Heptagon	هفت ضلعی - هفت گوشه
Heptagonal	هفت ضلعی - هفت گوشه
Heptahedral	هفت وجهی
Heptahedron	هفت وجهی
Hereditary	موروثی
Heritable	قابل توارث
Hermite differential equation	معادله دیفرانسیل هرمیت - معادله دیفرانسیل
	$y'' - 2xy' + 2\lambda y = 0$
	که در آن λ عددی است ثابت
Hermito polynomials	چندجمله ای های هرمیت
	$H_n(x) = (-1)^n e^{x^2} \frac{d^n}{dx^n} (e^{-x^2})$
Hermitian	هرمیتی
Hermitian matrix	ماتریس هرمیتی
Hermitian space	فضای هرمیتی
Hermitian transformation	تبدیل هرمیتی
Hermitian triangle	مثلث هرمیتی - مثلثی که کلیه اضلاع و مساحتش اعدادی گویا باشند.
Heron's formula	فرمول هرون
	$S = \sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$
	که در آن a, b, c اضلاع مثلث غیر متخمس ABC نصف محیط آن و S مساحت آن می باشد.
Heterogeneous	نا همگن - نامجانس
Heuristic	راهگشا - راهنما
Hew	قطع کردن - شقه کردن - شقه
Hex	شش - شش تایی
Hexa	شش
Hexaangular	شش گوشه
Hexad	شش تایی
Hexagon	شش ضلعی - سدس
Hexagonal	شش ضلعی - سدس
Hexagonal prism	مشور - سدس القاعده
Hexagram	ستاره شش پر - شکل حاصل از ساختن مثلثهای متساوی الاضلاع بر روی هریک از اضلاع یک شش ضلعی منتظم

Hexahedra شش وجهی
 Hexahedral شش وجهیگون
 Hexahedron شش وجهی
 High بلند - عالی
 Higher بلندتر - بالاتر
 Higher arithmetic حساب عالی
 Higher mathematics ریاضیات عالی
 Highest بالاترین - بلندترین - عالیترین
 Highest common factor بزرگترین عامل مشترک
 High-order درجه عالی
 Hilbert space فضای هیلبرت
 Hindu-arabic numerals ارقام هندو عربی
 شماره‌های از یک تا ۹ به‌علاوه صفر
 Hint راهنمایی
 Histogram نمودار ستونی
 Hodograph هودوگراف - شتاب‌نما
 Hold صدق کردن
 Holder condition شرط هولدر - تابع f روی مجموعه Ω در شرط هولدر صدق میکند، هرگاه اعداد p و q و α موجود باشند بطوریکه $0 < \alpha < 1$ و $x, y \in \Omega$

$$|f(x) - f(y)| < k|x - y|^\alpha$$

 ناماوی هولدر، اگر با زاویه دنباله‌های $\{a_n\}$ ، $\{b_n\}$ ، مجموع‌ها زیر

$$\sum_{n=1}^{\infty} |a_n|^p, \sum_{n=1}^{\infty} |b_n|^q, \frac{1}{p} + \frac{1}{q} = 1$$

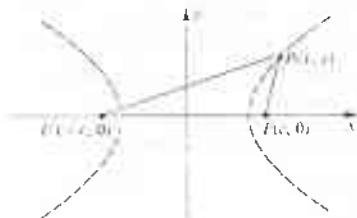
 متناهی باشند، نگاه

$$\sum_{n=1}^{\infty} |a_n b_n| < \left[\sum_{n=1}^{\infty} |a_n|^p \right]^{1/p} \left[\sum_{n=1}^{\infty} |b_n|^q \right]^{1/q}$$

 Hole حفره - سوراخ - چاله
 Halo پیشوندی بمعنی کامل - تمام - متشابه
 Holohedron حالت کریستالی - کاملاً متناظر
 Holomorphic هولومرف - تحلیلی
 Holomorphic continuation ادامه تحلیلی
 Holomorphic function تابع هولومرف
 تابع تحلیلی
 Homeomorphism همسانی
 Homeomorphic هم ساختمان - همانسان - دوفضای E و F را همانسان گویند، هرگاه تناظری یک به یک و از دو طرف پیوسته بین آنها برقرار باشد

Homo پیشوند بمعنی همجنس - نظر - مانند
 Homocentric هم مرکز - متحدالمرکز
 Homogeneity تجانس - همگوسی - همگنی
 Homogeneity property خاصیت همگنی
 Homogeneous متجانس - همگن - یکنواخت
 هموزن
 Homogeneous coordinates مختصات متجانس
 Homogeneous differential equation معادله دیفرانسیل همگنی
 معادله دیفرانسیل $y' = f(x, y)$ را همگن گویند هرگاه $f(x, y)$ تابعی از $\frac{y}{x}$ باشد
 Homogeneous distribution توزیع همگن
 Homogeneous equations معادلات همگن
 Homogeneous expression عبارت همگن
 Homogeneous function تابع همگن
 Homogeneous integral equation معادلات انتگرالی همگن
 Homogeneous polynomial چندجمله‌ای همگن
 Homogeneous property خاصیت همگنی
 Homogeneous system دستگاه همگن
 دستگاه متجانس
 Homogeneous transformation تبدیل همگن
 Homography همنگاری
 Homologous همانند - متشابه
 Homologous elements عناصر منظر
 Homology همسانی - مشابهت - تناظر یک به یک
 Homomorphic همان - هم ساختمان
 Homomorphic image تصویر همسان
 Homomorphism همسانی - هم ساختمانی
 Homomorphism of fields همومورفیسم هیئت‌ها
 همسانی هیئت‌ها - همسانی میدانها
 Homomorphism of groups همومورفیسم گروه‌ها
 Homomorphism of rings همومورفیسم حلقه‌ها
 همسانی حلقه‌ها
 Homomorphy همسانی - هم ساختمانی
 Homothetic متجانس

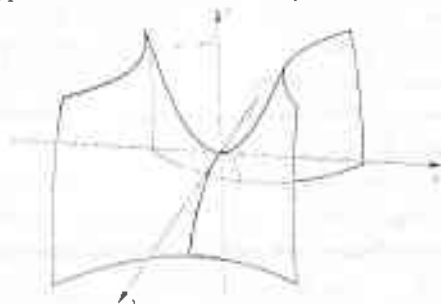
Homothety	تجانس
Homotopic	هموتوپیک - هم مکان
Homotopic paths	مسیرهای هم مکان
Homotopy	هم مکانی - هموتوبی
Hook's law	قانون هوک - اگر یک فنر را بمیزان $F = -kx$ از طرف فنر x تغییر طول دهیم نیروی F از طرف فنر بر عامل تغییر طول اعمال می شود
Horizon	افق - خط افق - سطح افق
Horizontal	افقی - تراز
Horizontal axis	محور افقی
Horizontal base	پایه افقی
Horizontal direction	جهت افقی
Horizontal line	خط افقی
Horizontal projection	تصویر افقی
Horner's method	روش هورنر
However	با این وجود، بهر حال، صدهذا
Hub	مرکز
Hull	پوست، پوسته - اسکلت کشتی
Hundred	صد - ۱۰۰
Hundreds	صدگان - مرتبه صدگان - صدها
Huygens' formula	رابطه هویگنس
Hybrid	هیبرید
Hydraulics	علم حرکت مایعات
Hydrodynamic	مربوط به علم اخوای مایعات هیدرودینامیک
Hyper	فوق - فراتر - بالاتر - ابر
Hyperbola	هذلولی - مکان هندسی نقاطی از صفحه که تفاضل فواصل آنها از دو نقطه ثابت از صفحه بنام کانون مقدار ثابت ممتدی باشد



Hyperbolic cosine کسینوس هذلولی
کسینوس هیپربولیک

$$\cos h x = \frac{e^x + e^{-x}}{2}$$

Hyperbolic cotangent	کتانژانت هذلولی
$\cotg h x = \frac{e^x + e^{-x}}{e^x - e^{-x}}$	کسانژانت هیپربولیک
Hyperbolic cylinder	استوانه هذلولی
Hyperbolic function	تابع هذلولی
Hyperbolic paraboloid	سهمی گون هذلولی



Hyperbolic partial differential equation معادله دیفرانسیل جزئی هذلولی

Hyperbolic point of a surface نقطه‌ای از سطح که انحنا یگونی سطح در آن نقطه منفی است، نقطه هیپربولیک یک سطح

Hyperbolic sine سینوس هذلولی - سینوس هیپربولیک

$$\sin h x = \frac{e^x - e^{-x}}{2}$$

Hyperbolic spiral مارپیچ هذلولی

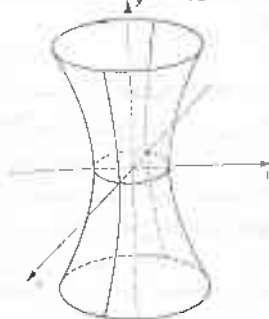
Hyperbolic tangent تانژانت هذلولی

$$\operatorname{tg} h x = \frac{e^x - e^{-x}}{e^x + e^{-x}}$$

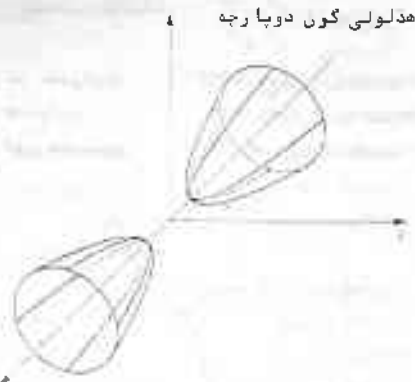
Hyperbolic trigonometry مثلثات هذلولی

Hyperboloid هذلولی گون

Hyperboloid of one sheet هذلولی گون یکپارچه



Hyperboloid of two sheets



هدلولی گون دویا رجه

Hypercomplex numbers ، اعداد فوق مختلط ،
 $a+bi+cj+dk$ اعدادی بصورت

با جمع عضویه عضو و ضرب با قاعده:

$$i^2 = j^2 = k^2 = -1$$

$$ij = -ji = k, jk = -kj = i, ki = -ik = j$$

Hypercube ابرمکعب - فوق مکعب
Hypergeometric فوق هندسی

Hypergeometric - differential equation
 معادله دیفرانسیل فوق هندسی

Hypergeometric function تابع فوق هندسی

Hypergeometric series سری فوق هندسی

Hypergeomtry فوق هندسه

Hyperplane ابرصفحه

Hyperspace ابرصفحه

Hypersphere ابرکره - فوق کره

Hypersurface ابر سطح - ابر رویه - فوق سطح

Hypervolume ابر حجم

Hyphen خط فاصله (-)

Hypo تحت - زیر - کمتر از حد معمول

Hypocenter نقطه‌ای سر روی سطح زمین که درست زیر مرکز آنجا ریمب اتمی واقع شده است

Hypocycloid درون چرخ د - هیپوسیکلوئید مسیر نقطه‌ای روی یک دایره وقتی که این دایره درون دایره دیگری می‌غلتد

Hypotenuse وتر مثلث قائم‌الزاویه

Hypothesis (در ترکیب شرطی) نرهن - مخدم

Hypothetic فرضی

Hypothetical فرضی

Hypotrochoid هیپوتروکوئید - مسیر نقطه‌ای

روی شعاع یا امتداد شعاع یک دایره (ونه واقع بر محیط آن) وقتی که این دایره درون دایره دیگری می‌غلتد

	Ident	تعیین هویت کردن - تشخیص دادن - تطبیق دادن - تطبیق
	Idented	مشخص شده - تعیین هویت شده
	Identic	هما بند - همسان
	Identical	هما نند - همسان
	Identical figures	اشکال هما نند
	Identically	عیناً - بطوریکمان
	Identical sets	مجموعه های هما بند
	Identification	تشخیصی - تعیین هویت
	Identify	تشخیص دادن - تعیین هویت کردن - هما نند کردن - هما نند شدن
	Identity	اتحاد - همانندی
	Identity element	عضوختی - عضوی اثر
	Identity function	تابع همانی - تابع بی اثر - تابع $\phi: X \rightarrow X$ را که در آن X مجموعه ای دلخواه است ، تابع همانی مجموعه گویند هرگاه $\forall x \in X \Rightarrow \phi(x) = x$
	Identity mapping	نگاشت همانی
1	Identity matrix	ماتریس همانی - ماتریس واحد - ماتریس یک
	Identity operation	عمل همانی
	Identity relation	رابطه همانی - نسبت همانی
	Identity theorem for analytic functions	قضیه اتحاد برای توابع تحلیلی
	Identity theorem for power series	قضیه همانی برای سری های توانی
	Identity transformation	تبدیل همانی
	ie=that is	یعنی (مخفف کلمات یونانی Id est)
	Idle	بیهوده
	Idler	چرخ هوزه گرد
	If and only if	اگر و تنها اگر
	If clause	عبارة شرطی - جزء شرطی جمله
	If statement	عبارة شرطی
	If.....then	اگر..... آنگاه
	Ignore	چشم پوشی کردن - نادیده گرفتن
	Illustrate	با مثال توضیح دادن - مصور کردن
	Illustration	مثال - تصویر
	Illustrative	روشنگر - گویا - توضیح دهنده
		نهمین حرف الفبای انگلیسی
	Icon	تصویر - شکل
	Icosa	بیست
	Icosahedron	بیست وجهی
	Icosi	پیشوندی به معنی بیست و بیست تایی
	Idea	انگاره - تصور - اندیشه
	Ideal	ایده آل - دلخواه - خیالی - آرمانی
	Ideal line	خط ایده آل - خط فرضی که هر نقطه آن یک نقطه ایده آل است.
	Ideal point	نقطه ایده آل - نقطه فرضی که روی تمامی خطوط یک دسته خطوط موازی قرار دارد.
	Ideal spanned by a set	ایده آل بوجود آمده توسط یک مجموعه
	Idealize	بصورت ایده آل درآوردن - دلخواه سازی
	Idea of the proof	نحوه اثبات
	Ideate	تصور کردن
	Idempotence	خودتوانی
	Idempotent	خود توان
	Idempotent law	قانون خودتوانی

Image	تصویر - تصویر کردن	Imperfection	نقص
Image of x under F	تصویر x تحت F	Imperfectly	بطور ناقص
Imaginary	موهومی - انگاری - تصویری	Impermeable	نا تراوا - غیر قابل نفوذ
Imaginary axis	محور موهومی	Implement	انجام دادن - فراهم نمودن
Imaginary circle	دایره موهومی - دایره ای که دارای شعاع موهومی باشد مثلاً "دایره"	Implementation	انجام - اجرا
$(x-a)^2 + (y-b)^2 + R^2 = 0$		Implication	ایجاب - استلزام - ضرورت
Imaginary curve	منحنی موهومی	Implicit	ضمنی
Imaginary function	تابع موهومی	Implicit differentiation	مشتق گیری ضمنی
Imaginary line	خط موهومی	Implicit function	تابع ضمنی
Imaginary number	عدد موهومی	Implicit function theorem	قضیه تابع ضمنی
Imaginary part	جزء موهومی - قسمت موهومی	Implicit relation	رابطه ضمنی
Imaginary part of a complex number	جزء موهومی عدد مختلط	Imply	تلقیحا "فهمانندن یا دلالت کردن بر - اشاره داشتن بر - دربرداشتن"
Imaginary point	نقطه موهومی	Important	مهم - قابل ملاحظه - چشمگیر
Imaginary quantity	کمیت موهومی	Important identity	اتحاد مهم
Imaginary roots	ریشه های موهومی	Impossibility	عدم امکان
Imaginary unit	یکه موهومی - واحد موهومی	Impossible	ناممکن - غیر ممکن - محال - ممنوع
عدد مختلط $i = (0, 1)$ را که $i^2 = -1$ است بکه موهومی می نامند.		Improbability	عدم احتمال
Imagination	تصور - قدرت خلاقه - قدرت مقابل با مسائل	Improbable	غیر محتمل - بعید
Imaginative	فرمی	Improper	ناویژه - ناسره
Imaginatively	صورا - بطور تهوری	Improper fraction	کسر نام - کسری که صورتش از مخرجش کمتر نباشد.
Imagine	تصور کردن - انگاشتن	Improper integral	انتگرال ناویژه
Imbed	محاظ کردن - فرو کردن - جا سازی کردن	Improper integral of the first	انتگرال ناویژه نوع اول
Immaterial	غیر مادی - ناچیز - جزئی	Improper integral of the second kind	انتگرال ناویژه نوع دوم
Immeasurable	اندازه ناپذیر	Improper Riemann integral	انتگرال ناویژه ریمنان
Immediate	موری - بلافاصله - بلافاصله	Improper transformation	تبدیل ناویژه - تبدیل پرامعنا مدعی نامیم هرگاه
Immediate predecessor	مقدم بلافاصله	$pp^T = I$	
Immediate successor	تالی بلافاصله	$(p^T \text{ ترا نهاده } p \text{ است })$	تبدیل متعامد
Immense	بی اندازه - بی کران	$pp^T = I$	
Immensely	بطور بی اندازه - خیلی	$\det p = -1$	
Immensity	بی کرانی - زیادی	Improve	بیشتر کردن - بهتر کردن و بهتر شدن
Immersion	غوطه وری	Improvement	بیشرفت - بهبود
Immoderate	بیش از حد - افراطی	Impulse	تحریک - برانگیزش
Immutable	تغییرنا پذیر	Impure	ناخالص
Immutability	تغییرنا پذیری		
Immutably	بطور تغییرنا پذیر		

Impurity	ناخالصی	Inclinometer	شیب سنج
In	در - درون	Include	شامل شدن - دربرداشتن - شامل بودن
Inaccessible	غیرقابل دسترسی	Including	شامل
In accordance with	به موجب	Inclusion	شمول
Inaccuracy	عدم دقت - بی دقتی	Inclusion and exclusion principle	اصل رد و قبول
Inaccurate	نا درست - غیردقیق	Inclusion relation	رابطه شمول
Inaccurately	بدون دقت	Inclusive	شامل - متمول
In addition to	بعلاوه	Inclusive "or"	یا، منطقی - یا به معنی منطق
Inadequacy	نا رسانی - بی کفایتی - عدم تکافو	Incommensurability	سنان ناپذیری طولهای دو پاره خط بوسیله، اعداد گویا نسبت به هم مقیاس طول
Inadequate	نا کافی	Incommensurable	بی مقیاس مشترک - ناموافق - دو پاره خط را متوافق مینامیم هرگاه با انتخاب یک واحد مناسب هر دو را بتوان بوسیله، اعداد گویا سنان کرد
Inalienable	انتقال ناپذیر	Incommutable	تبعوی ناپذیر - جا بجایی نا پذیر - غیر جا بجایی
Inalienably	بطور انتقال ناپذیر	Incomparable	قیاس ناپذیر - بی قیاس - ناسنجیدگی
Inappreciable	نا چیز - بی بها	Incompatibility	ناسازگاری
Incalculability	محاسبه ناپذیری	Incompatible	ناسازگار - ناهمراز - متناقض
Incalculable	محاسبه نشدنی - غیر قابل محاسبه	Incomplete	ناقص - ناتمام
Incandescence	افروختگی - گداختگی	Incomplete Gamma functions	نواع گامای ناقص
Incandescent	فروزان - گداخته - تابان	Incompletely specified	بطور ناقص تعیین شده
Incenter	مرکز دایره - محاطی داخلی مثلث - مرکزگروه، محاطی داخلی چهار وجهی	Inconceivable	غیر قابل تصور - غیر قابل فهم
Incenter of triangle	مرکز دایره محاطی داخلی مثلث	Inconsiderable	بی اهمیت - نا چیز - جزئی
Inch	اینچ، واحد طول انگلیسی که تقریباً ۲/۵۴ سانتیمتر است	Inconsistency	ناسازگاری - تضاد
Incidence	حدوث - وقوع - برخورد - تلاقی	Inconsistent	ناسازگار - نامتوافق - متناقض
Incident	واقعه - حادثه	Inconsistent equations	معادلات ناسازگاری
Incidentally	اتفاقاً	Inconvertible	تبدیل ناپذیر
Incircle of triangle	دایره، محاطی داخلی مثلث	Incorporate	یکی کردن - تلفیق کردن
Inclinable	تمایل پذیر	Incorporation	تلفیق - ترکیب
Inclination	میل - شیب - تمایل	Incorrectness	نا درستی
Inclination of a line in a plane	شیب یک خط واقع در صفحه	Increasable	قابل افزایش - افزایش پذیر
Inclination of a line in space	شیب خط در فضا - شیب یک خط فضائی	Increase	سوی کردن - صعود کردن - افزایش یافتن - افزایش
Inclination of a plane	شیب یک صفحه	Increasing	صودی - افزایشی
Inclinator	متمایل - تمایل پذیر	Increasing function	تابع صعودی
Incline	شیب دادن - منحرف شدن - متمایل کردن	Increasing mapping	نگاشت صعودی
Inclined	مورب - شیب دار		
Inclined plane	سطح شیب دار - سطح مایل		

Increasing sequence	رشته صعودی - دنباله صعودی	Indeterminate	میهم - نامعین - نامشخص
Increase	افزایش	Indeterminate equation	معادله سیاله
Increment	نموب رشد	Indeterminate forms	صورتا معین - صورمیهم
Incremental	نموی - افزایشی	Indeterminate quantity	کمیت میهم
Incremental compiler	همگردان نموی	Indeterminate system	دستگاه میهم
Incremental data	داده‌های نموی - داده‌های افزایشی	Indetermined	میهم - نامعین
Increment of a function	نمویک تابع	Index	اندیس - زیرنویس شاخص - فرجه فهرست - اندیس گذاشتن - زیرنویس گذاشتن
Increment of a variable	نمویک متغیر	Index of a permutation	شاخص یک جایگشت
Increment of $x(\Delta x)$	نموی x	Index of radical	فرجه رادیکال
Incurvate	بداخل خمیده - بداخل خمیدن	Index set	مجموعه اندیس
Incurvation	بداخل خمیدگی	Indicate	مشان دادن - ذکرکردن - اشاره کردن - مشخص کردن
Indefinable	غیرقابل تعریف	Indication	نشان - اشاره - دلالت - نشانه
Indefinite	نامعین - نامشخص	Indicator	شاخص - معرف - نشانگر
Indefinite description	توصیف نامعین	Indicator of an integer	معرف یکعدد صحیح
Indefinite integral	شرح نامشخص	Indicatrix	اندیکاتوریس
Indefinitely	انتگرال نامعین	Indices	اندیسها - زیرنکاشتها - زیرنویسها
Indefiniteness	بظور نامعین	Indirect	غیرمستقیم
Indefinite number	ابهام	Indirect control	کنترل غیرمستقیم
Indefinitiveness	عددنا معین	Indirect differentiation	مشتق گیری غیرمستقیم
Indent	کنگره‌دار کردن - دنداندار کردن	Indirect jump	جهش غیرمستقیم
Indentation	کنگره - دندان	Indirect measurement	اندازه گیری غیرمستقیم
Indented	کنگره‌دار - دندان‌های	Indirect method	روش غیرمستقیم
Independence	استقلال - نابسنگی	Indirect proof	اثبات غیرمستقیم
Independent	مستقل - ناوابسته	Indiscriptibility	ناگمستگی
Independent equations	مبادلات مستقل	Indiscriptible	گسته نندنی
Independent event	بی‌آمد مستقل	Indiscrete	ناگمسته
Independent functions	توابع مستقل	Indiscrete topology	توپولوژی ناگسته
Independent of the path	مستقل از مسیر	Individual	فرد - فردی
Independent set	مجموعه مستقل	Individual variable	متغیر فردی
Independent set of functions	مجموعه مستقل توابع	Indivisible	بخش ناپذیر - غیرقابل تقسیم - تقسیم نندنی
Independent trials	آزمایش‌های مستقل	Indivisibility	بخش ناپذیری
Independent variable	متغیر مستقل	Induce	انگیختن - القاء کردن - موجب شدن
Indestructibility	پایداری - فنا نپذیری - استواری	Induced	القاء شده - انگبخته
Indestructible	فنا ناپذیر - تخریب ناپذیر	Induced operation	عمل القاء شده
In detail	با ذکر جزئیات - بتفصیل	Induced order	ترتیب القاء شده
Indeterminacy	ابهام		

Induced ordering relation	نسبت ترتیبی القاء شده	Infinite decimal fraction	کسرا عشری نامتناهی
Induced relation	رابطه القاء شده	Infinite decimal representation	نمایش اعشاری نامتناهی
Inducement	موجب - القاء - انگیزش	Infinite descent	نزول نامتناهی
Induct	هدایت کردن - القاء کردن	Infinite dimensional	با بعد نامتناهی - نامتناهی البعد
Inductance	خودالقای - خودالقاء	Infinite dimensional space	فضای با بعد نامتناهی - فضای نامتناهی البعد
Induction	استقراء	Infinite discontinuity	ناهیوستگی نامتناهی
Induction mathematics	ریاضیات استقرائی	Infinite group	گروه نامتناهی
Induction principle	اصل استقراء	Infinite integral	انستگرال نامتناهی
Induction property	خاصیت استقراء	Infinite interval	فاصله نامحدود
Inductive	استقرائی	Infinite limits	حدود نامتناهی
Inductive assumption	فرض استقرائی	Infinite point	نقطه نامتناهی
Inductive definition	تعریف استقرائی	Infinite product	حاصلضرب بی پایان
Inductive hypothesis	فرض استقرائی	Infinite product of topological spaces	حاصلضرب بی پایان فضای توپولوژیک
Inductive proof	اثبات استقرائی	Infinite root	ریشه بینهایت
Inductive set	مجموعه استقرائی	Infinite sequence	دنباله نامتناهی - رشته نامتناهی
Inductor	القاء کننده - سلف	Infinite series	سلسله های نامتناهی - سری های نامتناهی
Inequal	نامساوی - نابرابر	Infinite set	مجموعه نامتناهی
Inequality	نامساوی - نابرابری - عدم تساوی	Infinite small quantity	کمیت بینهایت کوچک
Inequilateral	مختلف الاضلاع	Infinite topology	توپولوژی نامتناهی
Inequivalence	ناهم ارزی	Infinitely	بی نهایتا
Inertia	اینرسی - ماند	Infinitely differentiable	بینهایت بار مشتقپذیر
Inertial	جبری - خاصیت جبری - قوه جبری	Infinitely great	بینهایت بزرگ
Inessential	غیرضروری - غیراساسی	Infinitely great quantity	کمیت بینهایت بزرگ
Inexact	نادقیق	Infinitely large	بینهایت بزرگ
Inextensibility	انبساط ناپذیری	Infinitely many times	بینهایت بار
Infer	استنتاج کردن - استنباط کردن - پی بردن به - حدس زدن - اشاره کردن به	Infinitely small	بینهایت کوچک
Inference	استنتاج	Infinitely small quantity	کمیت بینهایت کوچک
Inferior	پائینی - اسفل	Infinitesimal	بینهایت کوچک
Inferior limit	حد اسفل - حدپائینی	Infinitesimal analysis	آنالیز بینهایت کوچکها
Inferior point	نقطه اسفل - نقطه پائینی		
Infimum	اینفیموم - بزرگترین کرانه پائینی		
Infinite	بی پایان - نامتناهی - بینهایت		
Infinite branch of a curve	شاخه نامحدود بگ منحنی		
Infinite cardinal number	عدداصلی نامتناهی		
Infinite collection	مجموعه نامتناهی - کلکسیون نامتناهی - گردآیه نامتناهی		

Infinitesimal calculus	حساب بینهایت کوچکها	Informer	آگاه‌گر - محرر - خبردهنده
Infinitics	بینهایت‌ها	Infra	مادون - پائین
Infinitude	حالت یا کیفیت نامتناهی بودن - لاسنماهی - عدد بینهایت - کمیت غیر شمارش پذیر	Infra-red	مادون قرمز
Infinity	بینهایت	In general	بطور کلی
Infinity in C*	بینهایت در دستگاه اعداد مختلط منبسط	Ingredient	جزء - جزء ترکیبی - [در جمع] اجزاء - عوامل - عناصر
Infinity in R*	بینهایت در دستگاه اعداد حقیقی منبسط	Inheritance	میراث
Infix	میان‌نوند	Inhibit	جلوگیری کردن - نهی کردن
Inflection (inflexion)	عطف - خمش - خمیدگی	Inhibition	منع - جلوگیری
Inflectional	عطفی	Inhomogeneity	ناهمگنی
Inflectional tangent to a curve	مماس بر	Inhomogeneous	ناهمگن - غیرهمگن
Inflection point	منحنی در نقطه عطف نقطه عطف	Initial	آغازی - ابتدائی - بدوی - نخستین - اولیه
Inflexible	غیرقابل انحاء - خم نندنی	Initial and terminal lines	خطوط آغازی و پایانی
Inflexion	عطف - تنبیر انحناء*	Initial conditions	شرایط آغازین - شرایط ابتدائی
Inflexion point	نقطه عطف	Initially	در آغاز - در ابتدا - ابتدا*
Influence	اثر	Initial point	نقطه ابتدائی - نقطه آغاز
Inform	آگاه ساختن - مطلع کردن	Initial state	حالت آغازی
Informatics	آنفورماتیک - خودکاری آگاهانه	Initial value	مقدار اولیه
Information bits	ذره‌های اطلاعات	Initial - value problem	مسئله مقدار اولیه
Information content	مضمون اطلاعات	Initial velocity	سرعت اولیه
Information feedback	بازگشت اطلاعات - بازخور اطلاعات	Initiate	آغاز کردن - براه انداختن
Information flow	گردش اطلاعات - جریان اطلاعات	In itself	بخودی خود
Information interchange	تبادل اطلاعات	Injection	انژکسیون - تابع یک به یک
Information link	پیوند اطلاعات - بهم پیوستن اطلاعات	Injective	انژکتیو - یک به یک
Information processing	پردازش داده‌ها	Inner	داخلی - درونی
Information retrieval	بازیابی اطلاعات - دوباره بدست آوردن اطلاعات	Inner measure	سنج درونی
Information source	منبع اطلاعات	Inner product	حاصلضرب داخلی - ضرب داخلی اگر
Information system	دستگاه اطلاعات		
Informatique	آنفورماتیک - خودکاری آگاهانه		
Informed	آگاه - مطلع - باخبر		

$$\vec{a} = x\vec{i} + y\vec{j} + z\vec{k}$$

$$\vec{b} = u\vec{i} + v\vec{j} + w\vec{k}$$

آنگاه حاصلضرب داخلی بردارهای \vec{a} و \vec{b} عبارتست از:

$$\vec{a} \cdot \vec{b} = xu + yv + zw$$

حاصلضرب داخلی مجموعه‌ها

Inner product of two vectors

ضرب داخلی دو بردار

Inner product space	فضای حاصلضرب داخلی - فضای ضرب داخلی	Integrable	انتگرال پذیر
Inner region	ناحیه داخلی	Integrable differential equation	معادله دیفرانسیل انتگرال پذیر
Innovate	نوآوری کردن	Integrable function	تابع انتگرال پذیر
Innovation	نوآوری - ابداع	Integrability	انتگرال پذیری
Innumerable	بشمار	Integral	انتگرال - صحیح - تام - تمام - کامل
Innumerably	بطور بشمار	Integral calculus	حساب انتگرال - حساب جامعه
Innumerable	بیشمار	Integral curves	منحنی های انتگرال
Input	ورودی	Integral curves	منحنی های جواب یک معادله دیفرانسیل
Inradius	شعاع دایره یا کره - محاطی	Integral depending on a parameter	انتگرال وابسته به یک پارامتر
Inscribable	قابل محاط - محاط شدنی	Integral domain	حوزه صحیح - میدان دوسته
Inscribe	محاط کردن	Integral equation	معادله انتگرال
Inscribed	محاطی - محاط شده - محاط	Integral function	تابع تام - تابع صحیح
Inscribed angle	زاویه محاطی	Integral index	اندیس صحیح
Inscribed circle	دایره محاطی	Integrally	بطور کلی
Inscribed circle of a triangle	دایره محاطی یک مثلث	Integral number	عدد صحیح
Inscribed circle of a polygon	دایره محاطی یک چندضلعی	Integral of the second kind	انتگرال نوع دوم
Inscribed polygon	چندضلعی محاطی	Integral of the third kind	انتگرال نوع سوم
Inseparable	جدانا شدنی	Integral part	جزء صحیح
Insert	درج کردن - جا بگزین کردن	Integral power	توان صحیح - قوه صحیح
Insertion	درج - جا بگزینی	Integral representation	نمایش انتگرالی
Inside	داخل - درون - تو	Integral root	ریشه صحیح
In some areas	در پاره ای موارد	Integral symbol (\int)	علامت انتگرال
Instalment	قسط	Integral test	آزمون انتگرال
Instant	دم - لحظه - آن -	Integral test for convergence	آزمون انتگرال برای همگرایی
Instantaneous mean	میانگین لحظه ای	Integral transforms	تبدیلات انتگرالی
Instantaneous rate	نسبت لحظه ای - نرخ لحظه ای	Integral value	مقدار صحیح
Instantaneous rate of change	میزان لحظه ای تغییر - نرخ لحظه ای تغییر	Integral with respect to x	انتگرال نسبت به x
Instantaneous velocity	سرعت لحظه ای	Integrand	تابع زیر انتگرال
Instead	بجای	Integrand	مکمل - جزء یکپارچه - مؤلفه - عنصر
Instead of	سجای - در عوض	Integrating	انتگرال - وسیله ای که بطور مکانیکی نمودار منحنی تابع اولیه یک تابع داده شده را رسم میکند
Insulate	مجازا کردن - جدا کردن	Integrate	انتگرال گرفتن - بدست آوردن تابع اولیه - جمع کردن
Insulation	جدا سازی	Integrating	انتگرال گیری
In summary	بطور خلاصه	Integrating factor	فاکتور انتگرال
Integer	عدد صحیح - عدد درست	Integration	انتگرال گیری
Integer number	عدد صحیح		
Integer part	قسمت صحیح		

Integration by parts	انتگرال گیری جزء به جزء	Interior of a set	درون یک مجموعه
Integration by partial fraction	انتگرال گیری با استفاده از کسرهای جزئی	Interior point	نقطه درونی - نقطه داخلی
Integration by substitution	انتگرال گیری بوسیله تغییر متغیر	Interior region	ناحیه درونی
		Interjacont	مماسی - واقع در میان
Integration by use of series	انتگرال گیری با استفاده از سری ها	Intermediate-value theorem	قضیه مقدار میانی
Integration factor	عامل انتگرال گیری	Intermittent	متناوب
Integrator	انتگراتور	In terms of	سرحسب
Integri	تمام - کامل	Internal	داخلی - درونی
Integro differential equation	معادله انتگرال و دیفرانسیل	Internal angle	زاویه داخلی
		Internal angle bisector	سیمساز زاویه داخلی
Intense	شدید - متمرکز	Internal bisector	سیمساز داخلی
Intensity	شدت - تمرکز	Internal common tangent	مماس مشترک داخلی
Intensive	متمرکز - متوجه به یک نقطه - شدید	Internal composition law	قانون ترکیب درونی
Intensive lines	خطوط شدیداً متمرکز	Internal-external angles	زوایای داخلی - خارجی
Inter	بین - میان - در میان قرار دادن	Internal operation	عمل داخلی
Interaction	فعل و انفعال - اندرکنش - اثر متقابل	Internal tangent of two circles	مماس مشترک داخلی دو دایره
Interalia	میان چند چیز دیگر	Interpolate	درون‌نمایی کردن - واسطه سازی کردن
Intercept	بازداشتن - حائل شدن - جلوگیری کردن - محدود شدن بین دو نقطه، دو منحنی یا دو سطح.	Interpolation	درون‌نمایی - درون‌یابی - واسطه‌نمایی
		Interpret	تعبیر کردن - تفسیر کردن
Intercept elevation	بخش جدا شده - قسمتی از محورهای مختصات که بین مبدأ و نقطه تقاطع یک منحنی با محورهای مختصات واقع شده باشد.	Interpretation	تعبیر - تفسیر
Intercepter	عرض از مبدأ	Interquartile	بین چارکها - میان چارکی
Interception	بازدارنده - حائل	Interquartile range	حوزه میان چارکی
		Interrupt	اجرا دوقفه کردن
Interceptor	برش - انقطاع - فصل - جلوگیری	Interruption	انقطاع - وقفه
		Intersect	برخوردن - قطع کردن - متقاطع بودن - اشتراک داشتن - قطع کردن
Interchange	بازدارنده - حائل	Intersecting	متقاطع
		Intersection	تقاطع - مقطع - فصل مشترک - اشتراک
Interest	معاوضه کردن - مبادله کردن	Intersection of planes	نقاط صفحات
Interfere	بهره - تنزیل - سود	Intersection of relations	اشتراک روابط - مقطع روابط
Interfere	مداخله کردن	Intersection of sets	مقطع مجموعه‌ها
Interference	تداخل (امواج)		اشتراک مجموعه‌ها
Interior	داخلی - درونی - داخل - درون		
Interior angles	زوایای داخلی		
Interior common tangent	مماس مشترک داخلی		
Interior measure	سیمج داخلی - اندازه داخلی		

Intersection of two lines	تقاطع دوخط	Invariant direction	ا متدا دیا یا -
Interspace	فاصله - حائل - جدا ساختن	Invariant subgroup	ا متدا د تعبیر با پذیر
Interspatial	میان فضائی	Invariant vector	زیرگروه یا با -
Interstice	فضای واقع بین اشیاء سردک بهم	Invariant vector	زیر گروه تغییرنا پذیر
Interstitial	مربوط یا واقع در فضای با اشیاء نزدیک بهم	Invent	بردار یا با -
Interval	فاصله - بازه	Invent	بردار تغییرنا پذیر
Intervallic	فاصله ای	Invent	اختراع کردن - جعل کردن - ابداع کردن
Interval of constancy	فاصله تغییرنا پذیری	Inventive	اختراعی - ابداعی
Interval of convergence	فاصله همگرایی	Inventor	مخترع - حائل
Interval of integration	فاصله استقرال گیری	Inverse	معکوس - عکس - وارون - برعکس
Into	به توده غیربوسا	Inverse element	عکس معکوس - عنصر وارون
Into mapping	نگاشت غیربوسا	Inverse formula	فرمول معکوس
Intra	داخل - درونی - به سوی داخلی	Inverse formula for Fourier transforms	فرمول معکوس برای تبدیلات فوریه
Intrinsic	ذاتی - باطنی	Inverse function	تابع معکوس - تابع وارون
Intrinsic equations of a space curve	معادلات ذاتی یک منحنی فضائی	Inverse function theorem	قضیه تابع معکوس
Intrinsic geometry	هندسه ذاتی	Inverse hyperbolic functions	نواع هذلولوی معکوس - توابع معکوس هایپربولیک
Intrinsic properties of a curve	خصوصیت ذاتی منحنی	Inverse image	تصویر معکوس
Introduce	معرفی کردن - آشنا کردن - مطرح کردن	Inverse image of ... under	تصویر معکوس ... تحت
Introduction	مقدمه - پیش گفتار - دنیا چه	Inverse logarithm	لگاریتم معکوس
Introductory	پیشگامی	Inverse mapping	نگاشت وارون
Intuition	درک مستقیم - دریافت ناگهانی - بصیرت - بینش - شهود - اسراق	Inverse of a function	معکوس یک تابع
Intuitionism	شهودگرایی	Inverse of a proposition	نقیض یک گزاره
Intuitionistic	شهودی - ادراکی - اشرافی	Inverse operation	عمل معکوس
Intuitionistic mathematics	ریاضیات شهودی	Inverse proportion	تناسب معکوس
Intuitive	دریافتی - شهودی - ادراکی	Inverse ratio	کسر معکوس - نسبت معکوس
Intuitively	شهودی	Inverse relation	رابطه معکوس - نسبت معکوس
Intuitive principle of abstraction	اصل شهودی تجرید	Inverse transformation	تبدیل معکوس
Invalid	نا درست - ناکافی - معیض	Inverse trigonometric functions	توابع مثلثاتی معکوس
Invalidity	عدم اعتبار - بی اعتباری	Inversely	برعکس - بطور معکوس
Invariable	تغییرنا پذیر - نا تغییرنا تب - با	Inversely proportional	معکوسا " متناسب
Invariance	پایایی - استواری - تغییرنا پذیری	Inversely similar	معکوسا مثلثا به .. معکوسا " متناهی
Invariance under translation	پایایی تحت انتقال	Inversion	قلب - انعکاس - واروی
Invariant	پایا - پایدار - تغییرنا پذیر - نا تغییر	Inversion formulas	فرمولهای انعکاسی
		Inversion formula for Fourier transform	فرمول معکوس برای تبدیل فوریه

Inversion formula for Laplace transform
فرمول معکوس برای تبدیل لاپلاس

Invert وارون کردن - معکوس کردن -
عکس کردن معکوس

Inverted معکوس شده - عکس تده

Inverted transform تبدیل وارون

Inverter عکس کننده

Invertibility وارون پذیری

Invertible وارون پذیر - معکوس شدنی

Investigate پژوهش - با زجوشی کردن
و ارسی کردن - تحقیق کردن

Investigation پژوهش - مطالعه - بررسی

Investigator پژوهشگر - محقق - با زجو

Invisible نامرئی

Invoice صورت حساب

Involute گسترده

Involute curve منحنی گسترده

Involute of a space curve
گسترده، بگ منحنی فضائی

Involute of a surface گسترده، یک سطح

Involute of the circle گسترده، یک دایره

Involve شامل شدن - متضمن بودن -
ایجاب کردن - مستلزم بودن

Inward درونگرا - بطرف داخل

Inward vector بردار درونگرا

Irrationable نامناسب - نامستدل

Irrational اصم - گنگ

Irrational algebraic surface سطح جبری گنگ

Irrational equation معادله اصم

Irrational exponent نمای گنگ - توان گنگ

Irrationality گنگی

Irrational number عدداصم - عددگنگ

Irrational root ریشه اصم

Irreducibility کاهش نا پذیری - تحویل نا پذیری

Irreducible ساده نشدنی - تحویل نا پذیر -
تجزیه نا پذیر - کاهش ناپذیری

Irreducible form

صورت تحویل نا پذیر - صورت ساده نشدنی

Irreducible polynomial

چند جمله ای تحویل نا پذیر

Irreducible radical رادیکال تحویل نا پذیر

Irreflexive ضد انعکاسی - ضد با زنا بی

Irregular بی قاعده - غیر عادی - نامنظم

Irregular permutation هایگشت نامنظم

Irregular polygon چندضلعی غیر منظم

Irregular surface سطح نامنظم

Irremovable انتقال نا پذیر

Irremovable discontinuity

نا پیوستگی رفع ناشدنی

Irrotational بیچرخش - غیر چرخشی

... Is contained in ...

... در ... جای دارد ... محتوای ... است .

Isochronous همزمان

Isochronous curve منحنی همزمان

Isoclinal هم شیب - هم شیبی

Isocline هم شیب

Isodiametric متناوی القطر

Isogonal هم زاویه - دارای زاویه های برابر

Isogonal line خط فرضی و یا خطی بر روی نقطه
جنرافیائی که نقاطی بر روی سطح کره زمین با
انحراف مغناطیسی یکسان را بهم وصل می کند .

Isogonal transformation تبدیل حافظ زاویه

Isogonic متناوی الزوایا

Isolate جدا کردن - مجزا کردن

Isolated منزوی - منفرد - جدا - تنها

Isolated point نقطه منزوی - نقطه جدا

نقطه منفرد - نقطه مجزا

Isolated real root ریشه حقیقی منفرد -

ریشه حقیقی منزوی

Isolated set مجموعه منفرد - مجموعه ای

که شامل هیچیک از نقاط جمعش نباشد

Isolated singularity نقطه منفرد مجزا

Isolated zero صفر منفرد

Isolation تنهائی - انفراد

Isomer هم ترکیب - هم فرمول - ایزومر

Isomerism	هم ترکیبی - هم فرمولی	Isothermal lines	خطوط هم دما
Isometric	هم مقیاس - ایزومتریک	Isothermic	هم دما
Isometric projection	تصویر هم مقیاس	Isothermic family of curves on a surface	دسته منحنی های هم دمای روی یک سطح
Isometry	تبدیل حافظ طول	Isothermic system of curves on a surface	دستگاه منحنی های هم دمای روی یک سطح
Isomorph	هم ریخت - همان - ایزومورف	Isotone	اتمهای که هسته آنها حاوی - تعدادی مساوی نوترون باشند.
Isomorphic	هم ریخت - همان - ایزومورفیک	Isotrope	متحدالخواص - ایزوتروپ
Isomorphism	هم ریختی - همسانی - ایزومورفیسم	Isotropic	همگن
Isomorphism of fields	هم ریختی هیئت ها - ایزومورفیسم میدان ها	Istropic curve	منحنی همگن - منحنی ایزوتروپ
Isomorphism of groups	هم ریختی گروهها - ایزومورفیسم گروهها	Isotropic plane	صفحه ایزوتروپ - صفحه ای که تمام نقاط آن دارای یک خاصیت فیزیکی باشند.
Isomorphism of ordered sets	ایزومورفیسم مجموعه های مرتب - هم ریختی مجموعه های مرتب	Isotropy	ایزوتروپی - متحدالخواصی
Isomorphism of rings	هم ریختی حلقه ها - ایزومورفیسم حلقه ها	Issue	انتشار دادن - ناشی شدن - صادر شدن - موضوع - شماره - عمل - نتیجه بحث
Isomorphous	هم ریخت - هم شکل - همان	Item	نقشه - بخش - قلم
Isomorphy	ایزومورفی - هم ریختی	Itemize	قلم ب قلم نوشتن - جز به جز تجزیه و تحلیل کردن - جزء به جزء مرتب کردن
Isoperimetric	هم پیرامون - متساوی المحيط	Iterate	تکرار کردن
Isoperimetric inequality	متساوی المحيط - هم پیرامون	Iterated	مکرر
	نا مساوی هم پیرامونی	Iterated integral	انتگرال مکرر
	اگر A مساحت یک منحنی مسطحه بسته و L پیرامون آن باشند آنگاه	Iterated integration	انتگرالگیری مکرر
	$L^2 \geq \frac{4}{\pi} A$	Iterated limit	حد مکرر
	ناوی فقط درحالتی برقرار است که منحنی دایره باشد.	Iterated series	سری های مکرر - سلسله های مکرر
Isoperimetric problem	مسئله هم پیرامونی :	Iteration	تکرار
	درین تمام اشکال سطح هم پیرامون دایره بیشترین مساحت را داراست و درین کلیه احجام که سطح کل آنها مساوی است کره دارای بیشترین حجم است.	Iterative	تکراری
Isosceles	متساوی الساقین	Iterative method	روش تکراری
Isosceles trapezoid	دوزنقه متساوی الساقین		
Isosceles triangle	مثلث متساوی الساقین		
Isothere	ایزوترم - منحنی واقع روی نقشه جغرافیائی سطح زمین که تمام نقاط آن دارای میانگین حرارت تابستانی یکسان باشند		
Isothermal	هم دما		
Isothermal conjugate system of curves on a surface	دستگاه مزدوج منحنی های هم دما روی یک سطح		

Jointly	مشترکاً - "توأم" ما
Jointly distributed	مشترکاً توزیع شده
Joint probabilities	احتمالات توأم م احتمالات مشترک
Jordan arc	قوس ژردان - کمان ژردان
Jordan content	محتوای ژردان
Jordan curve	منحنی ژردان - منحنی هرتا به یک به یک از فاصله واحد $[0, 1]$ بداخل صفحه دو بعدی اقلیدسی، یعنی هر منحنی با معادلات پارامتری

$y(x) = y(1), x(0) = x(1) \leq t \leq 1 \quad x = x(t), y = y(t)$
 را منحنی ژردان گویند. از آنجا که سمتایع یک به یک
 است منحنی نمی تواند خود را قطع کند.

Jordan curve theorem - قضیه منحنی ژردان -
 این قضیه امری بدیهی را ثابت میکند که هر
 منحنی ساده بسته در صفحه، صفحه را به دو
 ناحیه، خارجی و داخلی منحنی تقسیم میکند.

Jordan matrix - ماتریس ژردان -
 هر ماتریس $k \times k$ که عناصر قطری آن مساوی و عناصر
 فوق قطری آن برابر ۱ باشند، یک ماتریس ژردان
 نامیده میشود.

$$J(\alpha; \alpha) = \begin{pmatrix} \alpha & 1 & 0 & \dots & 0 & 0 \\ 0 & \alpha & 1 & \dots & 0 & 0 \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \vdots \\ 0 & 0 & \dots & \alpha & 1 & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 & 0 & \alpha \end{pmatrix}$$

Jordan measure اندازه ژردان
Jordan measurable set مجموعه اندازه پذیر ژردان
Jordan test آزمون ژردان
Jordan theorem on Fourier series قضیه ژردان در مورد بسط‌های فوریه

Joukowski transformation تبدیل ژوکوفسکی -
 تبدیل حافظ زاویه $w = \frac{1}{2} \left(z + \frac{1}{z} \right)$
 که در تئوری آیرودینامیک دارای اهمیت است.

Joule واحد کار،
 انرژی و حرارت در دستگاه SI تقریباً "معادل
 ۰/۲۳۹۰ کالری

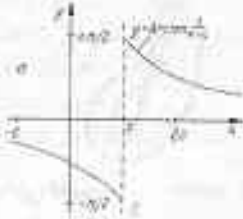
Judgement داورى - رایى - فتوى - حکم
Jump جهش - پرش - افزایش ناگهانی

J

ج	دهمین حرف الفبای انگلیسی
Jacobian elliptic functions	توابع بیضوی ژاکوبی
Jacobian matrix	ماتریس ژاکوبین
Jacobian of "n" functions in "n" variables	ژاکوبین n تابع n متغیره
Jacobi's polynomials	چند جمله ایهای ژاکوبی
Jacobi's theorem	قضیه ژاکوبی
Jag	دندان - بریدگی - دنداندار کردن
Jagged	دنداندار - اره مانند
Jaggy	دندانهای
Jansen's inequality	نامساوی جانسن
Jargon	زبان نامفهوم
Join	اتصال - ملحق کردن - وصل کردن - منصل کردن - پیوستن - ملحق شدن
Joint	مفصل - لولا
Joint distribution	توزیع مشترک - توزیع توأم

نا پیوستگی جهشی - Jump discontinuity

انفصال جهشی - وقتی که حد چپ و راست یک تابع در نقطه‌ای موجود ولی متفاوت باشند تابع را در آن نقطه نا پیوسته جهشی می نامیم، ما نندشکل زیر



Junction اتصال - نقطه اتصال - برخوردگاه

Junior کوچکتر - کهنتر

Jupiter سیاره مشتری

Justifiable قابل توجیه - توجیه پذیر

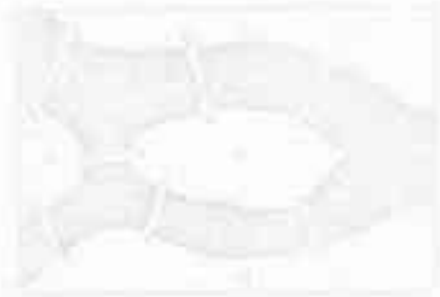
قابل تصدیق - صدق پذیر

Justification توجیه - صدق

Justify دلیل آوردن - توجیه کردن - صدق کردن

Juxtapose بهلوی هم گذاشتن

Juxtaposition بهلوی هم گذاری



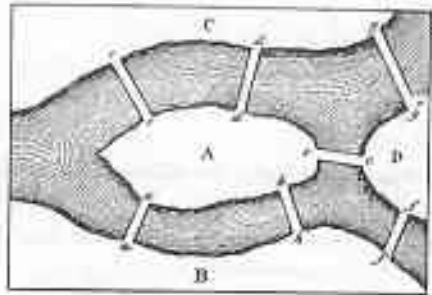
Kinetics علم اثر نیرو بر حرکت اجسام مادی
 Kink تاب - گره - پیچ دار کردن - گره - تاب - گره زدن - گره خوردن
 Klein bottle بطری کلاین



Klein's four group گروه چهار تایی کلین
 چهار جا بگشت ۱۰۲۰۳۰۴ و ۱۰۲۰۳۰۴ و ۱۰۲۰۳۰۴
 ۳۰۴۰۱۰۲ و ۲۰۱۰۴۰۳ و ۱۰۲۰۳۰۴
 ۱۰۲۰۳۰۴ تشکیل یک گروه می دهند که به گروه چهار تایی کلاین مشهور است .

K

Knack فن - مهارت
 Königsberg bridges problem مسئله پل‌های کونیگس برگ - مسئله اینکه آیا می توان از یک نقطه شروع کرده پس از عبور درست یکبار از هر یک از هفت پل شکل زیر به نقطه عزیمت بازگشت ؟



Knot گره - گره دریایی - واحد سرعت دریایی معادل با ۱/۶۰۴۶ فوت در ساعت
 Knowing that با علم باینکه
 Knowledge دانش
 Kronecker delta دلتای کرونکر، که به δ_{mn} نشان داده شده و مقدار آن چنین میباشد
 $\delta_{mn} = 1$ اگر $m=n$ و $\delta_{mn} = 0$ اگر $m \neq n$

K با زدهمین حرف الفبای انگلیسی
 Kappa(k) کاپا - حرف دهم الفبای یونانی
 Kernel هسته - کرنل
 Kernel of a transformation هسته یک تبدیل
 KEV واحد انرژی مساوی هزار الکترون ولت
 Key کلید - خار
 Kilo پیشوندی بمعنی هزار
 Kilogram کیلوگرم - هزار گرم - کیلوگرم که معادل هزار گرم است
 Kilometer کیلومتر - یک هزار متر
 Kilometric کیلومتری
 Kinematics سینما تیک - علم الحركات
 Kinetic جنبشی
 Kinetic energy کارما به جنبشی - انرژی جنبشی

Kummer relation رابطه کومر :

$$\sum_{n=0}^{\infty} \frac{(a)_n (b)_n}{(c)_n} \frac{(-1)^n}{n!} = \frac{\Gamma(1+a-b) \Gamma(1+\frac{1}{c}a)}{\Gamma(1+a) \Gamma(1+\frac{1}{c}a-b)}$$

$(a)_n = a(a+1)\dots(a+n-1)$ که در آن

و غیره، و Γ نشانگر تابع گاما می باشد.

Kummer's equation معادله کومر :

$$xy'(x) + (b-x)y' - ay = 0$$

Kummer's test for convergence

آزمایش همگرایی

کومر

اگر $a_n > 0$ و $d_n > 0$ و $\sum d_n^{-1}$ واگرا باشد

با تشکیل دادن $b_n = (d_n (a_n / a_{n+1}) - d_{n+1})$

اگر $b_n > 0$ سری $\sum a_n$ همگرا واگر

$b_n < 0$ سری $\sum a_n$ واگرا خواهد بود.

Lagrange's formula of interpolation

فرمول درون یابی لگرانژ - واسطه درون یابی لگرانژ

$$(x_i, y_j) \quad 0 \leq i \leq n \quad \text{اگر}$$

$n+1$ نقطه از صفحه باشد، آنگاه :

$$p(x) = \sum_{i=0}^n \left(\prod_{j \neq i} \frac{x - x_j}{x_i - x_j} \right) y_j$$

کثیرالجمله‌ای از درجه n است که از $(n+1)$ نقطه فوق میگذرد.

Lagrange's identity

اتحاد لگرانژ

Lagrangian theorem

قضیه لگرانژ

هر عدد طبیعی را می‌توان به صورت مجموع مربعات حداث کثیرها عدد طبیعی نمایش داد.

Lagrangian

لاگرانژی

Lagrangian function

تابع لگرانژ

Laguerre functions

شوابع لاگر

(که جوابهای معادله دیفرانسیل لاگرمی باشند)

Laguerre's differential equation

معادله دیفرانسیل لاگر، معادله دیفرانسیل

$$xy'' + (1-x)y' + \alpha y = 0$$

که در آن α عددی ثابت است.

Lambda (λ, Λ)

لاندا حرف یا زدهم الفبای

یونانی

Laplace operator

عملگر لاپلاس -

عملگر برداری div grad که آنرا به ∇^2 و یا

به نمایش می‌دهند، در دستگاه مختصات

دکارتی عملگر لاپلاس عبارتست از :

$$\frac{\partial^2}{\partial x^2} + \frac{\partial^2}{\partial y^2} + \frac{\partial^2}{\partial z^2}$$

Laplace's differential equation

معادله دیفرانسیل لاپلاس

$$\frac{\partial^2 \phi}{\partial x^2} + \frac{\partial^2 \phi}{\partial y^2} + \frac{\partial^2 \phi}{\partial z^2} = 0$$

که با استفاده از عملگر لاپلاس بصورت زیر

$$\nabla^2 \phi = 0$$

بیان میشود :

L دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی

Label طبقه بندی کردن - برچسب زدن -

علامت - نشانی

Lacuna حفره - رخنه

Lacunary حفره‌ای

Ladder network شبکه نردبانی

Lagrange multipliers ضرایب لگرانژ -

در روش درون یابی لگرانژ ضرایب کثیرالجمله

برابرند با :

$$L_i(X) = \prod_{\substack{k=0 \\ k \neq i}}^n \frac{x - x_k}{x_i - x_k}$$

که n تعداد نقاط است .

Lagrange's form of the remainder for

تaylor's theorem صورت باقیمانده

لاگرانژ در قضیه تیلور - یک عدد $0 < \theta < 1$ موجود است

بطوریکه :

$$R_n = \frac{h^{n+1}}{(n+1)!} F^{(n+1)}(X_0 + \theta h)$$

Laws of logic قوانین منطقی
 Law of parallelogram قانون متوازی الاضلاع
 Law of pascal's triangle قانون مثلث پاسکال (جیام)

$$\binom{n+1}{r} = \binom{n}{r-1} + \binom{n}{r}$$

دا ریم :
 یعنی هر عنصر درونی این مثلث برابر مجموع دو عنصر سمت چپ و راست آن در نظر قبیل است .



Law of quadratic reciprocity قانون تقابل مربعی - دو عدد فرد اول p و q و گزاره
 $(\frac{q}{p}) = (-1)^{\frac{p-1}{2} \cdot \frac{q-1}{2}} (\frac{p}{q})$ نشاهای
 را در نظر می گیریم. قانون تقابل مربعی اینست
 که اگر p و q هر دو بصورت $4k+3$ باشند یکی
 از (۱) و (۲) ممکن و دیگری ممنوع است و اگر
 حداقل یکی از p و q به صورت $4k+1$ باشد هر
 دو گزاره نما ممکن یا هر دو ممنوع اند .

Law of right distributivity قانون بخش پذیری از راست
 Law of total probability قانون احتمال مجموع - قانون مجموع احتمالات
 Lay قرارداد
 Lay down کتا رگذاشتن سپا به گذاری کردن
 Layer لایه
 L b علامت اختصاری پیوند و محدودزن معادل ۴۵۲/۷ گرم

Lead منجر شدن - سوق دادن
 Leading پیشرو
 Leading term جمله پیشرو
 Leak نشت کردن - نشت - چکه - رخنه
 Leap جست - پرش
 Leap day روز کیبسه - روز آخر سال کیبسه
 Leap year سال کیبسه - سالیکه مدت آن ۳۶۶ روز است
 Learn فراگرفتن - آموختن

Least کمترین - اقل
 Least absolute remainder کوچکترین باقیمانده مطلق
 Least amount کمترین مقدار - کوچکترین مقدار
 Least common denominator (L.C.D) کوچکترین مخرج مشترک
 Least common multiple (L.C.M) کوچکترین مضرب مشترک
 Least element عنصر کمینه - عنصر اقل
 Least member عضواقل - عنصر کمینه
 Least significant کم اهمیت ترین
 Least squares law قانون کمترین مربعات
 Least upper bound کوچکترین بند بالا - قضیه کوچکترین کرانه بالایی
 Least upper bound theorem قضیه کوچکترین بند بالا - هر زیر مجموعه غیر تهی از اعداد حقیقی که از بالا محدود باشد، دارای کوچکترین بند بالا خواهد بود .
 Leave باقی گذاردن - واگذار کردن - ترک کردن
 Lebesgue bounded convergence theorem قضیه تقارب محدود لیبگ
 Lebesgue criterion آزمون لیبگ
 Lebesgue criterion for riemann معیار لیبگ برای انتگرال پذیری ریمان
 integrability تابع
 Lebesgue integrable function انتگرال پذیر به تعبیر لیبگ
 Lebesgue intergal انتگرال لیبگ
 Lebesgue intergal of a complex function انتگرال لیبگ یک تابع مختلط
 Lebesgue measure سنج لیبگ - اندازه لیبگ
 Ledger دفتر کل - تیر - تخته
 Left چپ
 Left cancellation law قانون حذف از سمت چپ
 Left coset همسسته چپ
 Left distributive بخش پذیر از چپ
 Left factor عامل چپ
 Left - hand سمت چپ
 Left - hand continuity پیوستگی چپ
 Left - hand derivative مشتق چپ

Laplace transform	اگر تابع F به ازاء کلیه اعداد حقیقی مثبت x تعریف شده باشد آنگاه:
$L(f(x))=F(s)=\int_0^{\infty} f(x)e^{-sx} dx$	را تبدیل لاپلاس f گویند.
Lapse	افت - کاهش
Lapse rate	نرخ افت (درجه حرارت دروازش از دیا دارتفاع)
Large	بزرگ
Largely	بطور فراگیر - جا معا "
Largen	بزرگ کردن - وسعت بخشیدن
Larger than	بزرگتر از
Largest	بزرگترین
Largest number	بزرگترین عدد
Last	آخرین - واپسین - یا شیدن - دوام آوردن
Last element	آخرین عضو - آخرین عنصر
Latent root	مقدار ویژه
Latent root of a matrix	مقدار ویژه یک ماتریس
Lateral	جانبی - پهلوئی
Lateral area	مساحت جانبی
Lateral edge	پال جانبی
Lateral face	وجه جانبی
Laterally	جانبا " - از پهلو
Lateral surface	سطح جانبی
Latin squares	مربعات لاتین -
	یک مربع لاتین $n \times n$ عبارتست از یک ترتیب n عنصر متفاوت در n سطوح n ستون بطوریکه هر عنصر دقیقاً یک بار در هر سطوح و هر ستون ظاهر میشود. چنین ترتیبی برای هر n صبر است. مثلاً:
A B C D	
B A D C	
C D A B	
D C B A	
Latitude	عرض - عرض جغرافیائی
Latus rectum	وتری که برکانون مقطع مخروطی گذشته و بر محور کانونی آن عمود باشد.
Latter	اخیر

Lattice	شبکه - مجموعه آباد و عمل اشتراک (\cap) و اجتماع (\cup) را یک شبکه گویند هرگاه به ازاء عناصر دلخواه a, b و \dots از اصول زیر برقرار باشند:
$a \cap b = b \cap a$, $a \cup b = b \cup a$	اصل جا بجا می
$(a \cap b) \cap c = a \cap (b \cap c)$, $(a \cup b) \cup c = a \cup (b \cup c)$	اصل شرکت پذیری
$a \cup (a \cap b) = a$, $a \cap (a \cup b) = a$	اصل جذب
Laurent expansion	بسط لورن
Laurent series	سلسله لورن
	اگر تابع تحلیلی $F(z)$ در ناحیه $R' < z-a < R''$ هیچ نقطه منفرد نداشته باشد، آنگاه می توان بصورت یک سلسله همگرا به شکل $F(z) = \sum_{n=-\infty}^{\infty} A_n (z-a)^n$ که بنا به سلسله لورن مشهور است بیان شود که ضرایب A_n عبارتند از:
$A_n = \frac{1}{2\pi i} \int_C \frac{f(z)}{(z-a)^{n+1}} dz$	که C یک دایره با شعاع $R' < r < R''$ است.
Law	قانون
Law of associativity	قانون شرکت پذیری
Law of cancellation	قانون حذف
Law of combination	قانون ترکیب
Law of commutativity	قانون جا بجا می
Law of composition	قانون ترکیب
Law of conservation of momentum	قانون بقا اندازه حرکت
Law of cooling	قانون تبرید
Law of cosines	قانون کسینوسها
Law of distributivity	قانون پخشی
Law of exponents	قانون نمای
Law of growth	قانون رشد
Law of inertia	قانون ماند
Law of large numbers	قانون عددهای بزرگ -
	قانونی در آمار: در نمونه گیری از جامعه های آماری، وقتی که تعداد عناصر یک نمونه زیاد شود، احتمال آنکه میانگین آن بیش از مقدار معینی با میانگین جامعه آماری مربوطه اختلاف داشته باشد به سمت صفر میل میکند.
Law of left distributivity	قانون پخش پذیری از چپ .

Left - handed چپ گرد
 Left-handed curve منحنی چپ گرد
 Left-handed trihedral کنج چپ گرد
 Left-hand jump پرش چپ
 Left-hand limit حد چپ
 Left inverse وارون چپ - معکوس چپ
 Left limit حد چپ
 Left most منتهی‌الیه سمت چپ
 Left open interval فاصله از سمت چپ باز
 Left shift تغییر مکان به چپ - انتقال به چپ
 Left simplifiable element عضواده شدنی از چپ

Log لاق
 Legendre's differential equation معادله دیفرانسیل لژاندر

$$(1-x^2) \frac{d^2 y}{dx^2} - 2x \frac{dy}{dx} + n(n+1)y = 0$$

Legendre's polynomials چندجمله‌ای‌های لژاندر -
 کثیرالجمله‌های

$$P_n(x) = \frac{1}{n!} \frac{d^n}{dx^n} (x^2-1)^n$$

Legs of a triangle ساقهای یک مثلث

Leibniz test for convergence آزمون همگرایی لایبنیتز - یک سری متناوب همگراست اگر قدرمطلق جملات آن تشکیل یک دنباله نزولی همگرا به صفر دهند.

Leibniz' theorem or formula قضیه بارابطه لایبنیتز

$$\frac{d^n}{dx^n}(uv) = \frac{d^n u}{dx^n} v + \binom{n}{1} \frac{d^{n-1} u}{dx^{n-1}} \frac{dv}{dx} + \dots$$

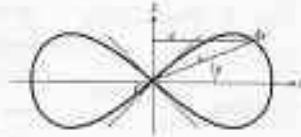
$$+ \dots + \binom{n}{r} \frac{d^{n-r} u}{dx^{n-r}} \frac{d^r v}{dx^r} + \dots + u \frac{d^n v}{dx^n}$$

که در آن u و v توابعی از x هستند

Lemma لم

Lemniscate (of Bernoulli)

پروانه - لمینسکات
 منحنی نمایی تغییرات تابع
 در دستگاه مختصات قطبی



Length درازا - اندازه - طول
 Lengthen درازکردن
 Length of a curve طول یک منحنی

Length of a line segment طول یک باره خط
 Length of a rectangle طول یک مستطیل
 Lengthways طولی - در امتداد طول
 Lengthwise طولی - در امتداد طول
 Lengthy طولیل

Lens عدسی - ذره بین
 Lenticular ذره بین - عدسی وار
 Less کمتر

Lessen کم کردن
 Let گرفتن - گذاردن - فرض کردن

Letter حرف

Level مسطح کردن - تراز کردن - تراز - رتبه
 Level curves منحنی های تراز

Level line خط تراز

Levelling تراز بندی - تراز یابی

Level surface سطح تراز

Lever اهرم

Levy مالیات

Lexical analysis تحلیل لغوی

Lexicographic قاموسی

Lexicographic ordering ترتیب قاموسی

L'Hospital's theorem(rule) - قاعده هوییتال -
 $\lim_{x \rightarrow a} g(x) = 0, \lim_{x \rightarrow a} f(x) = 0$ اگر

$$\lim_{x \rightarrow a} \frac{f(x)}{g(x)} = \lim_{x \rightarrow a} \frac{f'(x)}{g'(x)} \quad (-\infty < a < +\infty)$$

مشروط به آنکه حد نسبت مشتقها موجود (متناهی) باشد
 نامتناهی (باشد).

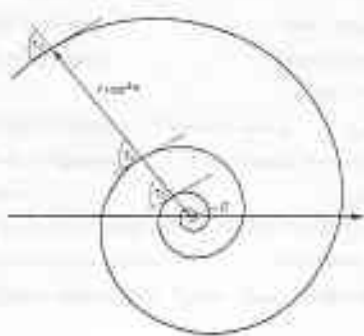
Liberate	آزاد کردن	Linear differential equation	معادله دیفرانسیل خطی
Lie	قرارداشتن - قرارداد	Linear differential equation of order n	معادله دیفرانسیل خطی از مرتبه n
Lift	بلند کردن - بالا بردن	$q_0(x) \frac{d^n y}{dx^n} + q_1(x) \frac{d^{n-1} y}{dx^{n-1}} + \dots + q_{n-1}(x) \frac{dy}{dx} + q_n(x)y = f(x)$	
Light	نور	Linear displacement	جابجایی خطی
Light year	سال نوری	Linear element	عنصر خطی
Like	مثل - مشابه	Linear equation	معادله خطی
Likelihood	بخت - شانس	Linear equation or expression	معادله یا عبارت خطی
Likelihood function	تابع بخت	Linear function	تابع خطی
Likely	متناهما	Linear functional	تابع عددی خطی - تابعی خطی
Liken	تشبیه کردن	Linear functional	تابع خطی f که به هر عنصر فضای X یک عدد حقیقی با مختلط را نسبت می‌دهد یک تابع عددی خطی نامیده می‌شود.
Likewise	بطور مشابه	Linear independence	استقلال خطی
Limb	عضو	Linear interpolation	درون‌یابی خطی - میان‌یابی خطی
Limit	حد	Linearisation	خطی سازی
Limitation	تحدید	Linearity	کیفیت خطی بودن
Limit comparison	مقایسه حدی	Linearity property	خاصیت خطی بودن
Limit comparison test	آزمون مقایسه حدی	Linearity with respect to the integrand	خطی بودن نسبت به تابع تحت انتگرال
Limited	محدود	Linearly	بطور خطی
Limited integrator	انتگرال گیر محدود	Linearly dependent	وابسته خطی
Limit function	تابع حد	Linearly independent	مستقل خطی
Limit inferior	حد اسفل	Linearly independent quantities	کمیت‌های مستقل خطی
Limiting	حدی	Linearly independent set	مجموعه مستقل خطی
Limiting frequency	بسامد حدی	Linearly independent vectors	بردارهای مستقل خطی
Limiting process	روش حدی	Linearly ordered set	مجموعه مرتب خطی
Limiting value	مقدار حدی		مجموعه A را با رابطه R مرتب خطی گویند هرگاه رابطه R، تعریف شده بر روی مجموعه A، دارای شرایط زیر باشد:
Limitless	بی حد		(1) - R انتقالی باشد، یعنی:
Limit of a function	حدیک تابع		
Limit of a sequence	حدیک دنباله		
Limit of a variable	حدیک متغیر		
Limits of integration	حدود انتگرال گیری		
Limit point	نقطه حدی		
Limit value	مقدار حدی		
Line	خط		
Lineal	خطی		
Lineal measure	مقیاس طول		
Linear algebra	جبر خطی		
Linear array	آرایه خطی		
Linear combination	ترکیب خطی		
Linear congruence	هم‌ارزی خطی		
Linear dependence	وابستگی خطی - بستگی خطی		

$xRy \wedge yRz \implies xRz \quad \forall x, y, z \in A$	
(۲) - دقیقاً یکی از حالات زیر برقرار باشد :	
$xRy \vee x=y \vee yRx \quad \forall x, y \in A$	
Linear mapping	نگاشت خطی
Linear measure	مقیاس طول
Linear momentum	اندازه حرکت خطی
Linear motion	حرکت خطی
Linear order	ترتیب خطی
Linear ordering relation	رابطه ترتیبی خطی
Linear part	قسمت خطی
Linear polynomial	چند جمله ای خطی
Linear programming	برنامه ریزی خطی
Linear space	فضای خطی
Linear space of functions	فضای خطی توابع
Linear system	دستگاه خطی
Linear transformation	تبدیل خطی
Line at infinity	خط ایده آل
Lineation	خط گذاری - ترتیب روی خط و یا در امتداد آن
Line by line	سطحوبه نظر
Line concentrator	متمرکز کننده خطی
Line feed	تعویض نظر
Line integral	انتهگرال خطی
Line of best fit	مناسبتترین خط - خطی که از روش کمترین مربعات بدست می آید.
Line of centers	خط انمرکزین
Line of sight	خط دید
Line segment	قطعه خط - پاره خط
Lines of flow	خطوط جریان
Line spacing	فاصله سطرها
Line with the greatest slope	خط بزرگترین شیب
Link	پیوند - پیوند دادن - بهم پیوستن
Linkage	مفصل - ترکیبی از مفصلها - پیوند - اتصال - نوعی ابزار که با آن منعکس یک منحنی را رسم می کنند.

Linking	اتصال
Lipschitz condition	شرط لیپشیتز - تابع $F(X, Y)$ در میدان D در شرط لیپشیتز ما دق است هرگاه عدد ثابتی مانند K یافت شود بطوریکه به ازاء هر (X_1, Y_1) و (X_2, Y_2) در D داشته باشیم :
	$ \mathcal{F}(x, y_1) - \mathcal{F}(x, y_2) < k y_1 - y_2 $
Lipschitz functions	توابع لیپشیتز - توابعی که در شرط لیپشیتز صدق می کنند.
Lipschitz mapping	نگاشت لیپشیتز - نگاشتی که در شرط لیپشیتز صدق کند.
Liquid	مایع
Listing	صورت - صورت برداری
Liter (litre)	لیتر - واحد حجم معادل یک دسیمتر مکعب تقریباً برابر ۱۰۰۰/۶۱ اینچ مکعب
Literal	حرفی - بصورت حرف
Literal coefficients	ضرایب حرفی
Literal constant	ثابت حرفی
Literal expression	عبارت حرفی
Literal equation	معادله حرفی
Literal numbers	ارقام حرفی
Litotes	اشبات گزاره ای از راه نفی آن
L^p norm	نرم L^p - هنجار L^p - هرگاه برای تابع مختلط f که روی مجموعه S تعریف شده است ، انتگرال لیگ $\int_S f(x) ^p dx$ متناهی باشد f متعلق به فضای $L^p(S)$ نامیده نرم f را بصورت زیر نمایش میدهند :
	$\ f\ _p = \left[\int_S f ^p dx \right]^{1/p}$
Load	بار
Load sharing	تقسیم بار
Local	موضعی
Local behaviour	رفتار موضعی
Local compactness	فشردهگی موضعی
Local extremum	اکسترم موضعی - اکسترم نسبی
Local inverse function	تابع معکوس موضعی
Locally	موضعا "
Locally compact space	فضای موضعا " فشرده
locally constant	موضعا " ثابت
Local maximum	ماکزیم موضعی - ماکزیم نسبی

Local minimum می نیمم موضعی - مینیمم نسبی
 Local property خاصیت موضعی
 Local stability پایداری موضعی
 Locate محل گیری را تعیین کردن - مسخر کردن
 Location موقعیت - مکان - تعیین محل
 Locus مکان همدی
 Locus of an equation مکان همدی معادلی که مختصات آنها در معادله مفروضی صدق میکنند .
 Logarithm لگاریتم
 Logarithm function تابع لگاریتم
 Logarithmic لگاریتمی
 Logarithmic convex function تابع محدب لگاریتمی
 Logarithmic curve منحنی لگاریتمی
 Logarithmic derivative مشتق لگاریتمی
 Logarithmic derivative of a function مشتق لگاریتمی یک تابع
 Logarithmic differentiation مشتق گیری لگاریتمی
 Logarithmic equation معادله لگاریتمی
 Logarithmic function تابع لگاریتمی
 Logarithmic integral انتگرال لگاریتمی

$$Li(x) = \int_0^x \frac{dt}{\ln t}$$
 Logarithmic scale درجه بندی لگاریتمی
 Logarithmic series سلسله لگاریتمی - سری لگاریتمی
 Logarithmic spiral مارپیچ لگاریتمی - منحنی سمایش تابع $r = ae^{k\theta}$ در دستگاه مختصات قطبی



Logarithmic table جدول لگاریتمی
 Logarithm of a complex number لگاریتم یک عدد مختلط - هرگاه : $z = r(\cos\theta + i \sin\theta) = re^{i\theta}$
 $w = Lnz = Lnr + i(\theta + 2k\pi)$ باشد ، آنگاه :
 Logic منطقی
 Logic add جمع منطقی
 Logical منطقی
 Logical add جمع منطقی
 Logical analysis تحلیل منطقی
 Logical analysis of mathematics تحلیل منطقی ریاضیات
 Logical connective رابطه منطقی
 Logical connector رابط منطقی
 Logical difference تفاضل منطقی
 Logical design طرح منطقی - طراحی منطقی
 Logical equivalence هم ارزی منطقی
 Logical expression مبین منطقی
 Logical form فرم منطقی - صورت منطقی
 Logical function تابع منطقی
 Logical implication استلزام منطقی
 Logical not نفی منطقی - نفی منطقی
 Logical operation عمل منطقی
 Logical operator عملگر منطقی
 Logical "0" state حالت صفر منطقی
 Logical "1" state حالت یک منطقی
 Logical shift تغییر مکان منطقی
 Logical sum مجموع منطقی
 Logical trace رد منطقی
 Logical value ارزش منطقی
 Logic analyzer تحلیل گر منطقی
 Logic- arithmetic unit واحد منطقی و حساب
 Logic design طرح منطقی - طراحی منطقی
 Logic diagram نمودار منطقی
 Logic element عنصر منطقی
 Logic function تابع منطقی
 Logician منطق دان
 Logic instruction دستورالعمل منطقی
 Logic multiply ضرب منطقی

Logic network	شبکه منطقی	Lower bound	کرانه پائینی - بند پائینی
Logic operation	عمل منطقی	Lower case	حروف کوچک الفبای انگلیسی - حالت اسفل - حالت پائین تر
Logic product	حاصل ضرب منطقی	Lower class	طبقه پائین
Logic shift	تعمیر مکان منطقی	Lower integral	انتگرال پائینی
Logic sum	مجموع منطقی	Lower limit	حد پائینی
Logic switch	گزینه منطقی	Lower limit of an integral	حد پائین یک انتگرال
Logic symbol	نماد منطقی	Lower limit of summation	حد پائینی جمع بندی
Logic unit	واحد منطقی	Lower Riemann sum	مجموع پائینی ریمان
Logic variable	متغیر منطقی	Lower-Stieltjes Sum	مجموع پائینی استیلتس
Logistic	منطق نما دی - مربوط به منطق نما دی	Lower sum	مجموع پائینی
Logistic curve	منحنی لژیستیک - منحنی که نماش دهنده یک تابع نماشی بوده و به شکل S می باشد.	Lower than	پائین تر از
Logistic - spiral	مارپیچ هم زاویه	Lowest	پائین ترین
Long	دراز - طولانی - طویل - مدید	Low order	مرتبه پائین
Long distance	راه دور	Low - pass filter	ثافی پائین گذر
Long division	عمل تقسیم با ذکر کلیه مراحل آن	Lozenge	لوزی
Longer	درازتر - اطول	Luminescence	پرتو افشانی - تابناکی
Long-haul	دور - دوربرد	Lunar	قمری
Longitude	طول جغرافیائی - طول	Lunar month	ماه قمری
Longitudinal	طولی - در امتداد طول	Lune	هلال - قسمتی از سطح کره واقع بین دو دایره عظیمه
Long measure	مقیاس طول		
Long-range	دوربرد - درازمدت		
Long run	مدت زمان کافی برای انجام یک روند		
Long-term	درازمدت		
Longwise	در طول - در جهت درازا		
Look up	جستجو کردن		
Loop	حلقه - طوق		
Loop body	حجم حلقوی		
Loop of a curve	حلقه یک منحنی		
Lose	تلف کردن - کم کردن - زیان کردن - باختن		
Loss	زیان - ضرر - هت - اتلاف		
Loss factor	ضرب اتلاف		
Loss function	تابع زیان		
Loss of accuracy	فقدان دقت		
Lossy	اتلاف گر		
Lottery	بخت آزمائی		
Low	پائین		
Lower	پائین تر - اسفل		

Magnetic meridian	نصف النهار مغناطیسی - نصف النهاری که از قطب مغناطیسی می گذرد.
Magnetic poles	قطب های مغناطیسی
Magnetic variation	ناپایداری مغناطیسی
Magnification	بزرگ سازی - انبساط
Magnifier	درشت کننده - ذره بین
Magnify	درشت کردن - بزرگ کردن
Magnifying power	ضریب بزرگنمایی - ضریب درشت نمایی
Magnitude	بزرگی - قدر
Main	اصلی
Main diagonal	قطر اصلی
Major	ارشد - بیشتر - بزرگتر - مهیا
Major and minor premise	صغری و کبری قیاس
Major arc	کمان بزرگتر - قوس اطول
Majorate	محدود کردن
Major axis	محور اطول
Major object	هدف عمده
Major premise	کبری قیاس - کبری قضیه منطقی
Make up	آراستن
Making decision	تصمیم گیری
Manipulation	انجام با مهارت - دستکاری
Manner	طریقه - روش
Mantissa	مانتیس - جزء اعشاری لگاریتم یک عدد
Many-sided	چند ضلعی - چندجنبه ای
Many to many function	تابع چندبه چند
Many valued	چندارزشی - چندمقداری
Many valued function	تابع چندمقداری - تابع چندارزشی
Map	نقشه - نگاشتن - تصویر کردن
Mapping	نگاشت
Marginal	نهایتی
Marginal cost	هزینه نهائی
Marginal cost function	تابع هزینه نهائی
Marginal distribution	توزیع کناری
Marginal revenue	درآمد نهائی
Mark	علامت - علامت گذاشتن
Marked	علامت دار

M

M بیزدهمین حرف الفبای انگلیسی ، در اعداد رومی ۱۰۰۰

Maclaurin's formula دستور مک لورن

$$f(x) = \sum_{k=0}^{n-1} \frac{f^{(k)}(0)}{k!} x^k + \frac{f^{(n)}(\theta x)}{n!} x^n$$

که در آن $0 < \theta < 1$ می باشد.

Maclaurin's series سری مک لورن - سلسله

$$\sum_{k=0}^{\infty} \frac{f^{(k)}(0)}{k!} x^k$$

Magic square مربع جادویی - مربع وقتی - مربع
شواقی - یک مربع شامل تعدادی عدد صحیح مثبت
بطوریکه مجموع عناصر هر سطری هر ستون و یا هر
قطر آن مقدار ثابتی است ، مثال :

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

Magnetic مغناطیسی

Marking	لامت‌گذاری
Markov chains	رنجبرهای مارکوف
Mascheroni's constant	ثابت ماسکرونی - حد دنهاله
$c_n = 1 + \frac{1}{\sqrt{1}} + \frac{1}{\sqrt{2}} + \dots + \frac{1}{\sqrt{n}} - \ln(n)$	وفنی‌که
Mass	جرم - توده
Mass density	جرم مخصوص
Match	جور کردن - جور بودن
Material	ماده - مادی
Material implication	استلزام منطقی
Mathematical	ریاضی - آزاره ریاضی
Mathematical analysis	آنالیز ریاضی - تجزیه و تحلیل ریاضی
Mathematical analysis of logic	تحلیل ریاضی منطق
Mathematical definition	تعریف ریاضی
Mathematical equation	معادله ریاضی
Mathematical expectation	امید ریاضی
Mathematical framework	چارچوب ریاضی
Mathematical induction	استقراء ریاضی
Mathematical logic	منطق ریاضی
Mathematically	بطور ریاضی - به طریق ریاضی
Mathematical model	مدل ریاضی - نمونه ریاضی - قالب ریاضی
Mathematical physics	فیزیک ریاضی
Mathematical point of view	نظرگاه ریاضی
Mathematical probability	احتمال ریاضی
Mathematical problems	مسائل ریاضی
Mathematical programming	برنامه‌ریزی ریاضی
Mathematical recreations	تفریحات ریاضی
Mathematical structure	ساختار ریاضی
Mathematical system	دستگاه ریاضی
Mathematician	ریاضی‌دان
Mathematics	ریاضیات
Mathieu's differential equation	معادله دیفرانسیل ماتیو - معادله دیفرانسیل

$$\frac{dy}{dx} + (\lambda + \gamma \cos \omega t)y = 0$$

Mating surfaces	سطوح تماس
Matrices	ماتریسها - آرایه‌ها
Matrix	ماتریس - زهدان - آرایه
Matrix algebra	جبر ماتریسها
Matrix calculus	حساب ماتریسها
Matrix of a linear transformation	ماتریس یک تبدیل خطی
Matrix of change of basis	ماتریس تغییر پایه
Matrix of transition probability	ماتریس احتمال انتقال - ماتریس احتمال تغییر از حالتی به حالت دیگر در یک زنجیر مارکوف
Matrix product	حاصلضرب ماتریس
Matrix representation	نمایش ماتریسی - نمایش آرایه‌ای
Maximal	ماکزیمال - بزرگترین - حداکثر - مهینه - بیشینه
Maximal element	عنصر ماکزیمال - عنصر بیشینه
Maximal member of a set	عضو بیشینه - بزرگ‌مجموعه
Maximization	بیشینه‌سازی - مهینه‌سازی
Maximize	بیشینه‌سازی - مهینه‌سازی
Maximum	ماکزیمم - مهینه - حداکثر مقدار - بیشینه
Maximum element	بزرگترین عنصر
Maximum height	حداکثر ارتفاع
Maximum length	حداکثر طول
Maximum likelihood	حداکثر احتمال
Maximum-modulus theorem	قضیه حداکثر قدر مطلق - فرض کنید تابع F روی ناحیه S در B تحلیلی بوده و مقدار آن ثابت نباشد، همچنین فرض کنید T و ناحیه داخلی آن درون S قرار می‌گیرند اگر روی $ F(z) < m$ باشد نگاه در تمام نقاط داخلی T خواهیم داشت:
	$ F(z) < m$
Maximum point on a curve	نقطه اوج یک منحنی
Mean	معدل - واسطه - میانگین - متوسط - مفهوم - معنی

محور متوسط بیضی گون - Mean axis of ellipsoid

$$\frac{x^2}{a^2} + \frac{y^2}{b^2} + \frac{z^2}{c^2} = 1$$

اگر در بیضی گون

داشته باشیم $a > b > c$

آنگاه c را محور متوسط بیضی گون می گویند.

Mean convergence

همگرایی میانگینی - تقارب میانگینی

Mean deviation

انحراف از میانگین

Mean distance

فاصله متوسط - میانگین حداکثر و حداقل فاصله

Mean effective value

مقدار مؤثر متوسط

Meaningless

بی معنی

Mean ordinate

عرض متوسط - مقدار متوسط تابع

Mean point

نقطه میانگینی - نقطه میانگین

Mean proportional

واسطه هندسی

Means

وسطین تناسب

Mean solar day

روز متوسط خورشیدی

Mean-square error

خطای میانگین مجذورات

Mean terms of proportion

وسطین تناسب

Mean value

مقدار میانگینی - مقدار متوسط - مقدار میانگین

Mean value formula

دستور مقدار میانگین

Mean value of a function

مقدار میانگین یک تابع

$a < x < b$ - برای تابع حقیقی f که در فاصله $a < x < b$

انتگرال پذیر است داریم :

$$m_f[a, b] = \frac{1}{b-a} \int_a^b f(x) dx$$

و بطور کلی برای هر تابع انتگرال پذیر روی ناحیه s

$$m_{f,s} = \frac{1}{m(s)} \int_s f ds$$

Mean value theorem

قضیه مقدار میانگینی -

هرگاه تابع حقیقی f در فاصله $a \leq x \leq b$ پیوسته

و در فاصله $a < x < b$ مشتق پذیر باشد آنگاه

$a < c < b$ موجود است چنانکه :

$$\frac{f(b) - f(a)}{b - a} = f'(c)$$

Mean value theorem of the differential

قضیه مقدار میانگینی حساب دیفرانسیل - calculus

هرگاه تابع $y=f(x)$ روی فاصله بسته $[a, b]$

پیوسته و روی فاصله باز (a, b) مشتق پذیر بوده

$f(a) = f(b)$ باشد آنگاه نقطه ای مانند

$\xi \in (a, b)$ موجود است بطوریکه $f'(\xi) = 0$

Mean value theorem for integral

قضیه مقدار میانگینی برای انتگرال

Measurable

اندازه پذیر

Measurable function

تابع اندازه پذیر

Measurable set

مجموعه اندازه پذیر

Measure

اندازه گرفتن - سنجیدن - اندازه

Measured

سنجیده

Measureless

بی اندازه

Measurement

سنجش - اندازه گیری

Measure of length

مقیاس طول

Measure of a set

اندازه یک مجموعه

Measure space

فضای اندازه

Measure theory

نظریه اندازه - تئوری اندازه

Mechanical

مکانیکی

Mechanical drawing

رسم مکانیکی - ترسیم

Mechanical engineering

مهندسی مکانیک

Mechanics

علم مکانیک - علمی که درباره رابطه

Mechanics rules

قوانین مکانیک

Medial

میانی

Median

خط میانه - میانگین (در آمار)

Median in statistics

میانگین (در آمار) - عنصر میانی

Median of a trapezoid

میانگین ذوزنقه

Median of a triangle

میانگین مثلث

Median point of a triangle

نقطه میانی مثلث

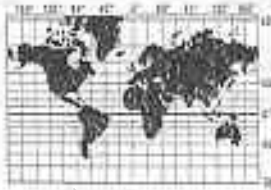
Medium

واسطه - متوسط - معتدل - وسیله

Medium

میانگینی - رسانه

Medium wave سوج متوسط
 Meet برخورد کردن - برخورد - تلاقی
 Meet of two sets مقطع دو مجموعه - اشتراک دو مجموعه
 Mega پیشوندی به معنی یک میلیون
 Mellin transform تبدیل ملین - تبدیل ملین
 تابع f که آنرا به $\bar{f}(p)$ نمایش می دهند.
 بصورت زیر تعریف میشود: $\bar{f}(p) = \int_0^{\infty} f(x)x^{p-1} dx$
 Melt گداختن - ذوب کردن
 Member عضو - جز
 Member of a set عضو یک مجموعه
 Membership عضویت - تعلق
 Membership symbol نماد تعلق - نماد عضویت
 Members of an equation عضوهای یک معادله
 Meniscus عدسی از یک سوم مقعر و از سوی دیگر محدب -
 هلال یا جسم هلالی شکل - سطح محدب یا مقعر
 Mense خیلی زیاد
 Mensuration اندازه گیری - عمل اندازه گیری
 به کار بستن علم هندسه برای اندازه گیری طول
 سطح یا حجم بر مبنای اندازه های طولی یا زاویه ای
 داده شده.
 Mental arithmetic حساب ذهنی
 Mercator projection نقشه مرکاتور
 نقشه ای که نصف النهارات آن با هم موازی و مدارات
 آن نیز موازی یکدیگر باشند.



Mercury سیاره عطارد
 Merely فقط - صرفاً
 Meridian نصف النهار - دایره عظیمه ای
 که از قطبین زمین می گذرد.
 Meridian of celestial sphere نصف النهار کره سماوی
 Meridian plane صفحه نصف النهاری

Meromorphic function تابع مرمورفیک - تابع
 F را روی مجموعه M باز مرمورفیک گویند هرگاه F
 صرفنظر از نقاط منفرد یا قطبها بیش روی M تحلیلی
 باشد.
 Mersenne numbers اعداد مرسن -
 اعداد صحیحی به صورت $m = 2^n - 1$ ($n > 1$)
 Mersenne prime numbers اعداد اول مرسن - عدد
 اولی را گویند که بتوان آنرا به صورت $m_n = 2^n - 1$
 $n > 1$ نوشت.
 Mesh سوراخ - چشمه - شبکه - تورما شندی
 مشبک کردن - گیرانداختن - جورشدن - درهم گیر
 افتادن (مثل دنده های ماشین)
 Mesne میانی - وسطی
 Meta پیشوندی به معنای فوق
 Metadiscriminant فوق مبین
 Meta logic فوق منطق
 Metamathematics فوق ریاضیات
 Metaproof فوق دلیل
 Metastale فوق پایدار
 Metatheorem فوق قضیه
 Metavariable فوق متغیر
 Meter متر - معادل ۳۹/۳۷ اینچ
 Meteorite سنگ آسمانی
 Method طریقه - راه و روش - أسلوب
 Method of false position روش موقعیت نادرست
 Method of least squares روش حداقل مجذورات -
 روش کمترین مربعات
 Method of successive bisections روش
 تصنیفات متوالی
 Method of undetermined coefficients روش ضرایب نامعلوم
 Metric فاصله ای - تابع فاصله - متریک
 Metric geometry هندسه متریک
 Metric space فضای متریک - فضای فاصلهای
 Metric subspace زیر فضای متریک -
 زیر فضای فاصلهای
 Metric system دستگاه متریک - دستگاه
 فاصلهای
 Metrizable space فضای فاصله پذیر

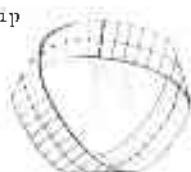
Micro	پیشوندی به معنی یک میلیونیم
Micron	میکرون - یک هزارم میلیمتر
Microstructure	ساختار ذره‌ای
Mid	پیشوندی به معنی وسط
Middle	وسط - میان
Middling	میانی
Middlingly	بطور میانی
Midland	بین النواحي
Mid-line	خط واصل اوساط دوسای دوزنقه - خط میانه
Midmost	دقیقا " واقع شده در وسط - وسط ترین
Midpoint	نقطه وسط - نقطه میانی
Midpoint of a line segment	نقطه وسط یک پاره خط
Midst	قسمت وسط
Midway	نیمه راه
Mile	میل - مایل - واحد طول معادل ۱۶۰۹ متر ۱۶۰۹ متر
Mille	هزار
Milli	یک هزارم - پیشوندی به معنی یک هزارم
Milliard	میلیارد - هزارمیلیون - ۱۰ ^۹
Million	میلیون - هزارهزار - ۱۰ ^۶
Minding	انگاشت - تصور
Miniature	کوچک - ظریف
Minimal	مینیمال - کمینه - کمینه - اقل
Minimal polynomial	کتیرالجمله مینیمال - کتیرالجمله کمینه
Minimax	مینیمیماکس
Minimax point	نقطه مینیمیماکس
Minimax theory	نظریه مینیمیماکس
Minimization	کمینه سازی
Minimize	کمینه ساختن - مینیمم کردن - به حداقل رساندن
Minimum	حداقل - کمینه - کمین - مینیمم
Minimum element	عنصر کمینه - عنصر کمینه
Minimum height	حداقل ارتفاع
Minimum point	نقطه حداقل
Minkowski's inequality	نامساوی مینکوفسکی - اگر X یک فضای اندازه با اندازه μ ، $1 < p < \infty$

$\int_X f g$ و توابع اندازه پذیر با قلمرو X و حوزه
مقادیر در $[0, \infty]$ باشند، آنگاه :

$$\left\{ \int_X (f+g)^p d\mu \right\}^{\frac{1}{p}} \leq \left\{ \int_X f^p d\mu \right\}^{\frac{1}{p}} + \left\{ \int_X g^p d\mu \right\}^{\frac{1}{p}}$$

Minor	کمین - اقص - کوچکتر
Minorant	پاشین - مادون
Minor arc	کمان کوچکتر - قوس اقص
Minor axis	محور اقص - محور کوچکتر
Minor axis of an ellipse	محور اقص بیضی
Minor determinant	دترمینان جزئی - دترمینان جز
Minor of an element in a determinant	کمین یک عنصر در دترمینان - زیر دترمینان یک عنصر
Minor of matrix	زیر ماتریس - ماتریس جز
Minor Premise	صغرای قضیه
Minor sector	قطاع کوچکتر
Minor segment	قطعه کوچکتر
Minuend	کاهش یاب - مفرق منه
Minus	منها - منفی
Minus infinity	منهای بی نهایت
Minute	دقیقه - یک شصت ساعت - یک شصت درجه
Miscalculate	اشتباه محاسبه کردن
Miscalculation	محاسبه غلط
Miscast	اشتباه محاسبه کردن
Miscellaneous	متفرقه - پراکنده
Miscellaneous problems	مسائل متفرقه
Miscourt	بدتصرفی - بدحساب کردن
Misprint	اشتباه چاپی
Mistake	اشتباه
Mix	آمیختن - مخلوط کردن
Mixed	مخلوط شده - آمیخته - مخلوط
Mixed decimal	عددا اعشاری غیر صحیح
Mixed partial derivative	سبب جزئی مخلوط
Mixed partial derivatives of the second order	سبب جزئی مخلوط مرتبه دوم
Mixed recurrent fraction	کسر متناوب مرکب

Mixed recurring	متناوب مرکب
Mixture	مخلوط - آمیزه
Mobile	متحرک - جسم متحرک - پویا
Mobility	تحرک - پویایی
Mobius strip	نوار موبیوس



Mobius' transformation	تبدیل موبیوس - تبدیل یک به یکی بصورت
$w = \frac{az+b}{cz+d}$	که بین صفحات w و z تعریف می شود.

Mode	طریقه - روش - طرز - نما (درآمار)
Mode of a distribution	نمای یک توزیع
Model	سرمشق - نمونه - قالب - مدل - طرح ریختن - ساختن - شکل دادن

Modeling	نمونه سازی
Modern	نوین - جدید - مدرن
Modern algebra	جبر نوین - جبر مدرن
Modification	تعدیل - اصلاح - پیرایش
Modified Bessel function	تابع بسل تعدیل شده

Modifier	تعدیل کننده - اصلاح کننده - پیراینده
Modify	پیراستن - اصلاح کردن - تعدیل کردن

Modular arithmetic	حساب هنگی - حساب هم نهستی
--------------------	---------------------------

Module	مدول - سنج - هنک
Modulo m	به سنج m
Modulus	قدرمطلق - ضریب تغییر واحد دستگاهها
Modulus of a complex number	قدرمطلق یک عدد مختلط

Modulus of elasticity	ضریب ارتجاع
Modulus of logarithms	ضریب تعبیر پایه لگاریتمها
Modulus of rigidity	ضریب صلبیت
Moiety	نصفه

Moment	گشتاور
Momentary	گشتاوری
Moment of couple	گشتاور زوج نیرو
Moment of inertia	گشتاور ماند
Momentum	اندازه حرکت
Monic	تکین
Monaxial	تک محوری
Monochromatic	تکبام - تک رنگ
Monodirectional	یک جهتی - یک سوئی
Monoid	تکواره
Monomial	یک جمله ای
Monomial expression	عبارت تک جمله ای
Monotone	یکنواخت - یکنوا
Monotonic	یکنواخت - یکنوا
Monotonic decreasing	نزولی یکنواخت
Monotonic decreasing quantity	کمیت نزولی یکنواخت
Monotonic function	تابع یکنواخت - تابع یکنوا
Monotonic increasing	صعودی یکنواخت
Monotonicity	یکنواختی
Monotonicity law	قانون یکنواختی
Monotonic sequence	دنباله یکنواخت
Monotony	یکنواختی
Month	ماه - یک دوازدهم سال خورشیدی
Most	بیشترین
Most probable value	محتصل ترین مقدار
Moreover	بعلاوه
More thane	بیشتر از - بزرگتر از
Mortality	میرائی
Motion	حرکت
Motion in a circle	حرکت روی یک دایره
Motion in a straight line	حرکت روی یک خط راست
Motivation	محرک - انگیزه
Mount	زیاد شدن - انباشتن
Movable	قابل حرکت
Move	حرکت کردن - حرکت دادن
Movement	جنبش - حرکت - تغییر مکان

Moving	متحرک - در حال حرکت	Multiplicative property	خاصیت ضربی
Much	زیاد بسیار	Multiplicative sequence	دنباله ضربی
Multi	بیشوندی به معنی چند	Multiplicity	چندگانگی - تعدد - تکرار
Multidimensional	چندبعدی	Multiplicity of a root of an equation	تکرار ریشه یک معادله
Multiform	چندصورتی - چندشکلی	Multiplier	مضرب
Multiform function	تابع چندفرمولی - تابع چندسانی - تاسی که روی مواصل مختلف با فرمولهای متفاوتی تعریف میشود.	Multiply	ضرب کردن
Multilateral	چند وجهی - چند جنبه‌ای	Multiply by	ضرب کردن در
Multinomial	چندجمله‌ای - بسجمله‌ای	Multiply connected	چندپارچه
Multinomial coefficients	ضرایب چندجمله‌ای	Multiply connected domain	ناحیه چندپارچه
Multinomial expression	عبارت چندجمله‌ای	Multipolar	چندقطبی
Multinomial theorem	قضیه چندجمله‌ای	Multistage	چندمرحله‌ای
Multiple	مضرب - چندگانه - چندبار مکرر - مضاعف	Multivalued	چندارزشی - چندمقداری
Multiple integral	انTEGRال چندگانه	Multivalued function	تابع چند ارزشی - تابع چندمقداری
Multiple point	نقطه مضاعف - نقطه مکرر	Multivariable differential calculus	حساب دیفرانسیل چندمتغیره
Multiple Riemann integral	انTEGRال چندگانه ریمان	Multivariate	چندورداشی - چندمتغیره
Multiple root	ریشه مکرر - ریشه چندگانه - ریشه مضاعف	Mutation	تغییر بزرگ - تغییر اساسی و چشمگیر
Multiple root of an equation	ریشه چندگانه یک معادله	Mutual	دوسره - متقابل - دوطرفه - مشترک - دوسویی
Multiple valued	چندمقداری - چندارزشی	Mutuality	تقابل - دوسره بودن
Multiple valued function	تابع چندمقداری - تابع چندارزشی	Mutually	مشترکاً - دویبدو
Multiplicable	قابل ضرب - ضرب شدنی	Mutually disjoint	دوسومجرا
Multiplicand	مضروب	Mutually disjoint sets	مجموعه‌های دوسومجرا
Multiplication	ضرب	Mutually exclusive	مانع‌الجمع - دویبدو
Multiplication factor	عامل ضرب - ضریب		ناسازگار
	تکثیر	Mutually exclusive events	پیشامدهای دوسودوناسازگار
Multiplication of determinants	ضرب دترمینان‌ها	Myriad	بیشوندی به معنی ده هزار
Multiplication table	جدول ضرب	Myriagram	ده هزارگرم
Multiplicative	ضربی	Myrialiter	ده هزارلیتر
Multiplicative function	تابع ضربی		
Multiplicative group	گروه ضربی		
Multiplicative identity	عضو حنثی ضربی - همایی ضربی		
Multiplicative inverse	وا رون ضربی - معکوس ضربی		

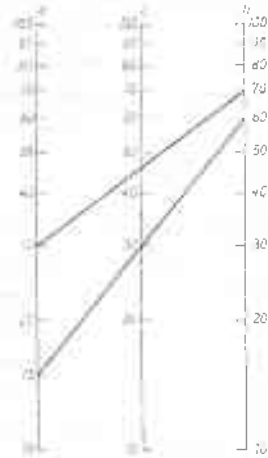
N

N	چهاردهمین حرف الفبای انگلیسی
N	علامت مجموعه، اعداد طبیعی
Nadir	حصیص
Nano	پیشوندی بمعنی 10^{-9}
Naperian logarithm	لگاریتم نپری
	لگاریتم طبیعی - لگاریتم در پایه $e = 2.718$
Napier's analogies	صومول نپر - فرمولی برای حل مثلثهای کروی
Napier's bones	دستگاهی متشکل از یازده میله که برای محاسبات عددی بکار می رود.
Napier's rules	قوانین نپر (در مورد مثلث کروی قائم الزاویه)
Nappe	هریک از دو مخروطی که در رأس مشترک اند
Narrow	باریک - کم عرض
Natural	طبیعی
Natural boundary	مرز طبیعی
Natural logarithm	لگاریتم طبیعی - لگاریتم نپری - لگاریتم در مبنای e
Natural numbers	اعداد طبیعی
Natural order	ترتیب طبیعی
Nature	ماهیت - طبیعت
Naught	هیچ - خطا
Nautical mile	میل دریائی - واحد طول انگلیسی برابر ۶۰۸۰ فوت یا ۱۸۵۲/۲ متر
N-dimensional	n بعدی
N-dimensional closed interval	فاصله بسته n بعدی

N-dimensional euclidean space	فضای اقلیدسی n بعدی
N-dimensional open interval	فاصله باز n بعدی
N-dimensional region	ناحیه n بعدی
N-dimensional space	فضای n بعدی
N-dimensional vector	برداری n بعدی
Necessarily	لزوماً "
Necessary	لازم - ضروری - بایسته
Necessary and sufficient	لازم و کافی
Necessary and sufficient condition	شرط لازم و کافی
Necessary condition	شرط لازم
Necessary condition for convergence	شرط لازم برای همگرایی
Necessity	لزوم - بایستگی
Needle problem	مسئله بافون - مسئله سوزن بافون - احتمال آنکه سوزنی بطول l که بطور اتفاقی روی یک صفحه کاغذی افتد، یکی از دو خط موازی به فاصله a را قطع کند $p = \frac{2l}{\pi a}$ است.
Negate	نفی کردن
Negation	نفی
Negation of a statement	نفی یک گزاره
Negative	منفی
Negative angle	زاویه منفی - زاویه‌ای که جهت آن خلاف جهت مثلثاتی است.
Negative exponent	توان منفی - قوه منفی - نمای منفی
Negative integer	عدد صحیح منفی
Negatively	بطور منفی
Negatively oriented	با جهت منفی
Negatively oriented path	مسیر با جهت منفی
Negativeness	کیفیت منفی بودن - منفیت
Negative numbers	اعداد منفی
Negative part	قسمت منفی
Negative quantity	کمیت منفی
Negative semi-definite matrix	ماتریس نیمه منبسط منفی

Negative variation	تغییر منفی
Negativity	کیفیت منفی بودن - منفیت
Neglect	صرف نظر کردن - اغماض کردن
Negligible	ناچیز - جزئی - قابل اغماض
Neighborhood	همسایگی
Neighborhood of a point	همسایگی یک نقطه
Neper	واحد لگاریتمی اندازه گیری شدت صوت
Nested intervals	فاصله های تودرتو
Net	تاب - روشن - خالص - شبکه
Net price	بهای خالص
Network	شبکه
Neumann's formula	فرمول نویمن
Neumann function	تابع نویمن
Neumann's law	قانون نویمن
Neumann's polynomials	چند جمله ای های نویمن
Neumann's problem	مسئله نویمن
Neumann's series	سلسله نویمن
Neumann triangle	مثلث نویمن
Neutral	خنثی - بی اثر
Neutral element	عضو خنثی - عضوی اثر
Neutral equilibrium	تعادل بی تفاوت
Never ending	بی پایان - لایتناهی
Nevertheless	با وجود این - معیندا
Newton-cotes quadrature formulas	روابط انگرال نیوتن - کنز
Newtonian mechanics	مکانیک نیوتنی - مکانیک کلاسیک
Newton's identity	انحاد نیوتن
	$(u+b)^n = \sum_{k=0}^n \binom{n}{k} a^k b^{n-k}$
Newton's law of cooling	قانون سردی
	نیوتن - میزان تبادل حرارت بین یک جسم و محیط اطراف آن با اختلاف درجه حرارت جسم و محیط نسبت مستقیم دارد.
Newton's trident	منحنی نمایش تعبیرات تابع
	$xy = ax^2 + bx^2 + cx + d$ (a ≠ 0)
Next	متتابع - بعد

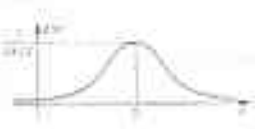
N-factorial	تابع n که به استقرای بدین صورت تعریف میشود:
	$[^0] = 1$ $[^{n+1}] = (n+1) n !$
n = 0, 1, 2, ...	که در آن
N-gon	n ضلعی
Nil	پوچ - تهی
Nilpotent	پوچ توان - معرف توان
Nine	نه - 9
Nine-point circle	دایره نه نقطه - دایره ای که از اواسط اضلاع، یا های سه ارتفاع، و اواسط قطعی از ارتفاعات که بین نقطه نفارب آنها و رئوس متناظر آن از یک مثلث واقعند می گذرد.
Nodal	گره ای
Node	گره
Node of a curve	گره منحنی
Node point	گره
Noise	صدای نامطلوب - اختلال در کانال ارتباطی - پارازیت
Nominal	اسمی - صوری
Nominal definition	تعریف صوری
Nomogram	نموگرام - نموداری که برای بدست آوردن مقدار یک متغیر وابسته به چند متغیر مستقل بکار می رود.



Nonagon	نه ضلعی
Non-asymptotic	غیرمجاہمی
Non-associative	غیر شرکت بدبدر

Non-collinear points	مقاطع غیرواضع بزرگ خط راست	Non-measurable set	مجموعه اندازه ناپذیر - مجموعه سنج ناپذیر
Non-commutative	غیرجابجائی	Non-metric	غیرطولی
Non-commutative matrices	ماتریسهای غیرجابجائی	Non-metric geometry	هندسه غیرطولی
Non-comparable	غیرقابل مقایسه	Nonnegative	غیرمنفی - نامنفی
Non-constant	غیرثابت	Nonnegative function	تابع غیرمنفی
Non-constructive method	روش غیرسازنده	Nonnegative numbers	اعداد غیرمنفی
Non-decreasing	غیرکاهشی	Non-parallel	غیرموازی - ناموازی
Non-degenerate	زوال ناپذیر	Non-periodic	نامتناوب - غیرمتناوب - غیرتناوبی
Non-degenerated	زوال ناپذیر	Non-positional	غیرموضعی
Non-denumerable	شمارش ناپذیر	Non-positional notation	دستگاه عدد نویسی غیرموضعی
Non-denumerable set	مجموعه غیرقابل شمارش - مجموعه شمارش ناپذیر - مجموعه شمارش ناپذیر	Non-positive numbers	اعداد غیرمثبت
Non-deterministic	نامعین	Non-radiative	غیرتشنعی
Non-empty	غیرخالی - ناپهلی	Non-random	غیرتصادفی
Non-empty set	مجموعه ناپهلی	Non-real	غیرحقیقی
Non-enumerable	شمارش ناپذیر	Non-real roots	ریشه های غیرحقیقی
Non-enumerable set	مجموعه شمارش ناپذیر	Non-rectifiable curve	خم غیرقابل اصلاح - منحنی که طول آن بزرگ فاصله منتهی موجود نیست
Non-essential	غیراساسی - غیرضروری	Non-regular	نامنتظم - بیقاعد
Non-Euclidean	غیراقلیدسی - نااقلیدسی	Non-removable	غیرقابل حذف
Non-Euclidean geometry	هندسه نااقلیدسی	Non-simple closed curve	منحنی بسته - غیرساده - منحنی بسته ای که حداقل یکبار خودش را قطع می کند
Non-Euclidean space	فضای نااقلیدسی	Non-singular	غیرتنگین
Non-existent	ناموجود	Non-singular matrix	ماتریس غیرتنگین - ماتریس مربع را غیرتنگین گوئیم اگر $\det A \neq 0$ باشد
Non-homogeneous	ناهمگن - غیرهمگن	Non-singular transformation	تبدیل غیرتنگین
Non-homogeneous equation	معادله غیرهمگن	Non-terminating-	بی پایان - بدون پایان - بدون انتها
Non-homogeneous system	دستگاه غیرهمگن	Non-trivial	غیربدیهی - غیرمبتذل
Nonillion	نازیلیون - عدد 10^{30} در دستگاه امریکائی و 10^{27} در دستگاه انگلیسی	Non-trivial solution	جواب غیربدیهی - جواب غیرمبتذل
Non-increasing	غیرصعودی	Non-uniformity	غیریکنواختی - ناهمگونی
Non-isolated	غیرمتعدد - غیرتنها	Non-void	نا تهی - غیرتهی
Non-isomorphic	غیرایزومرف - غیریکسان	Non-zero	غیرصفر
Non-linear	غیرخطی		
Non-linear programming	برنامه ریزی غیرخطی		
Non-linear system	دستگاه غیرخطی		
Non-mathematical	غیرماتمی		
Non-measurable	اندازه ناپذیر - سنج ناپذیر		

Norm نرم - هنج - طول
 Norma قاعده - مدل - استاندارد
 Normal نرمال - قائم - هنجاری - معمولی - طبیعی
 Normal acceleration شتاب قائم
 Normal component مؤلفه قائم
 Normal curvature of a surface انحناى نرمال سطح
 Normal distribution توزیع نرمال - توزیع

$$y = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{x^2}{2}}$$
 Normal distribution curve منحنى توزیع نرمال

 Normal equation معادله متعارف
 Normal equation of a straight line معادله متعارف خط راست
 $x \cos \alpha + y \sin \alpha - p = 0$
 که در آن p فاصله مبدأ از خط و α زاویه خط با جهت مثبت محور x می باشد
 Normal form صورت متعارف
 Normal form of an equation صورت متعارف یک معادله
 Normalized نرمال شده
 Normalizer نرمال کننده
 Normal force نیروى قائم
 Normal line خط قائم
 Normal plane صفحه قائم - صفحه‌ای مانند p که از نقطه M واقع بر منحنى L گذشته و بر خط مماس بر منحنى در این نقطه عمود باشد صفحه قائم بر منحنى را نامیده می شود.
 Normal projection تصویر قائم
 Normal reaction عکس العمل عادى - عکس العمل طبیعى
 Normal subgroup زیرگروه نرمال
 Normal to a curve قائم بر منحنى

قائم بر صفحه
 قائم بر یک سطح
 بردار قائم
 دارای نرم - نرم‌دار - هنج‌دار
 فضای نرم‌دار - فضای هنج‌دار
 فضای برداری نرم‌دار - فضای برداری هنج‌دار
 نرم ماتریس - منظرار نرم
 ماتریس $A = [a_{ij}]$ عددی حقیقی مانند $\|A\|$ است بطوریکه:
 (a) $\|A\| > 0, \|A\| = 0$ اگر و تنها اگر $A=0$
 (b) $\|\alpha A\| = |\alpha| \|A\|$ (α اسکالر است)
 و در حالت خاص $\|-A\| = \|A\|$
 (c) $\|A+B\| \leq \|A\| + \|B\|$
 (d) $\|AB\| \leq \|A\| \|B\|$
 و A و B ماتریسهائی هستند که اعمال مربوطه در مورد آنها قابل تعریف است .
 نرم یک بردار - طول یک بردار
 North pole قطب شمال
 Notate نشان دادن - نمایش دادن
 Notation نمایش - علامت گذاری - نماد
 Note توجه کردن - توجه
 Not equal to نامساوی با
 Nothing هیچ
 Notion پنداره - تصور - ادراک
 Nought هیچ - خطا
 Nth nام - nامین
 Nth-coordinate مختص nام - مؤلفه nام
 Nth derivative مشتق مرتبه nام - مشتق nام
 Nth factor عامل nام
 Nth iterate تکرار nام
 Nth partial product حاصلضرب جزئی nام
 Nth partial sum مجموع جزئی nام
 Nth power توان nام
 Nth root ریشه nام

Nth root of unity	ریشه nام واحد- ریشه	Numerator	صورت کسر
	n ام یک به عنوان یک عدد مختلط - هر یک	Numerical	عددی
	از ریشه های معادله $x^n - 1 = 0$ در هیت	Numerical analysis	آنالیز عددی - تجزیه و تحلیل عددی
	اعلا: مختلط که عبا رتندار:	Numerical coefficients	ضرایب عددی
	$e_k = \cos \frac{yk\pi}{n} + i \sin \frac{yk\pi}{n} \quad 0 \leq k \leq n-1$	Numerical determinant	دترمینان عددی
Nth term	جمله nام	Numerically	بطور عددی
N-tuple	n تایی - n گانه	Numerical methods	روشهای عددی
Null	هیچ - نه	Numerical scale	مقیاس عددی
Null	پوچ - تهی - صفر - باطل - هیچ - نابود	Numerical sequence	دنباله عددی
Null circle	دایره صفر - دایره ای با شعاع صفر	Numerical value	مقدار عددی
Null element	عنصر صفر - عنصر پوچ	Numerous	مشدد - زیاد - بی شمار
Nullity	درجه پوچی - بعد فضای پوچ		
Null matrix	ماتریس پوچ		
Null sequence	دنباله صفر - دنباله ای که حد آن صفر است.		
Null set	مجموعه تهی		
Null space	فضای پوچ - هسته - مجموعه بردار - هائی که تحت تبدیل خطی T به بردار صفر نسبت داده می شوند.		
Null vector	بردار صفر		
Number	عدد - شمار - شماره - شماره گذاری کردن		
Number axis	محور اعداد		
Number field	میدان اعداد - هیت اعداد		
Numbering	شماره گذاری		
Numberless	بی شمار		
Number sieve	غربال اعداد - غربال اراستن		
Number system	دستگاه اعداد		
Number-theoretic	نظریه اعدادی - منسوب به نظریه اعداد		
Number-theoretical functions	توابع حسابی - توابعی که مجموعه اعداد طبیعی را به توی خودی تصویر می کنند.		
Number theory	نظری اعداد - نظریه اعداد		
Numerable	قابل شمارش - شمارش پذیر		
Numeral	عددی - عدد		
Numeral system	سیستم عدد نویسی - دستگاه شمار		
Numerate	شمردن - حساب کردن - به شمار آوردن		
Numeration	شمار - شمارش - احتساب		

واژه نامه ریاضی

WWW.TXT.IR



دانشگاه صنعتی شریف
(گروه ریاضی)